بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

پیام‌های آسمان

تعلیم و تربیت اسلامی

پایهٔ نهم

دورهٔ اوّل متوسطه

دانش‌چی
www.Daneshchi.iR

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	پیام‌های آسمان	پایهٔ نهم دورهٔ اوّل متوسطه ـ ۹۰۲
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطهٔ نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	پرویز آزادی	لیلا اخوان	محمدمهدی اعتصامی	سیّدصادق پیشنمازی	سیّدمحمدحسین تقوی	سیّدمحمد دلبری	یاسین شکرانی	علی کاظمی و محمود متوسل آرانی (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
پرویز آزادی	یاسین شکرانی و علی کاظمی (اعضای گروه تألیف) ـ سید اکبر میرجعفری (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	اداره کلّ نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسهٔ افزوده آماده‌سازی:	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) ـ جواد صفری (مدیر هنری) ـ مجتبی زند (طراح گرافیک | طراح جلد) ـ سوروش سعادتمندی (صفحه‌آرا) ـ زنده‌یاد منوچهر درفشه	مسعود قره‌باغی	محمدیاسینی اردکانی	مهدی خواجویی	علی نورپور	حسین یوزباشی و امیر نساجی (تصویرگران) ـ فاطمه باقری‌مهر	الهام جعفرآبادی	نرگس رحمانی‌پور	زینت بهشتی‌شیرازی	سپیده ملک‌ایزدی	ناهید خیام‌باشی	راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی	ساختمان شمارهٔ ٤ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱	دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶	کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران	کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج	خیابان ۶۱ (دارو پخش)	تلفن: ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰	صندوق پستی: ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵
چاپخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ نهم	۱۴۰۲

کلیهٔ حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

شابک ۴-۲۴۷۹-۰۵-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 05 - 2479 - 4

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌اللّه خامنه‌ای:

آن چیزی که امام (قُدِّسَ‌سِرُّهُ) را بر هدایت و اداره و رهبری ملت ایران و انقلاب عظیمش قادر می‌کرد، عبارت بود از: ارتباط با خدا و اتصال و توجه و توکل به او. او واقعاً «عبد صالح خدا» بود. او الگوی کامل یک مسلمان و نمونهٔ بارز یک رهبر اسلامی بود.

فهرست

فصل اول: خداشناسی

درس اول
تو را چگونه بشناسم؟ ۱۱

درس دوم
در پناه ایمان ۲۱

فصل دوم: راهنماشناسی

درس سوم
راهنمایان الهی ۳۳

درس چهارم
خورشید پنهان ۴۵

درس پنجم
رهبری در دوران غیبت ۵۵

فصل سوم: راه و توشه

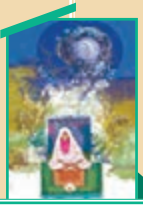

درس ششم

وضو، غسل و تیمم ۶۷

درس هفتم

احکام نماز ۷۷

فصل چهارم: اخلاق

درس هشتم

همدلی و همراهی ۸۷

فصل پنجم: جامعه اسلامی

درس نهم

انقلاب اسلامی ایران ۱۰۱

درس دهم

مسئولیت همگانی ۱۱۱

درس یازدهم

انفاق ۱۲۱

درس دوازدهم

جهاد ۱۳۳

دبیران محترم دینی

سلام علیکم

کتابی که امسال تدریس می‌کنید، آخرین کتاب از مجموعه کتاب‌های «پیام‌های آسمان» است. این کتاب دربردارندهٔ مطالبی تأثیرگذار، مهم و عمیق است و آموزش آن با توجه به رشد فکری دانش‌آموزان در سال نهم، به این پایهٔ تحصیلی موکول شده است.

دانش آموزان با ورود به این سن توانایی آن را می‌یابند که با نگاهی عقلانی به جهان پیرامون خود بنگرند و عقاید خویش را از نو و بر مبنای برهان و استدلال بازسازی کنند.

از همین رو، در این کتاب سعی شده است عقاید دینی مورد نیاز مخاطبان با نگاهی عقلانی و از طریق استدلال آموزش داده شود تا هم آنان را در رسیدن به اقناع عقلی یاری کند و هم بنیان محکمی برای عقاید دینی آنان بنا کند.

از شما همکاران محترم انتظار می‌رود تا در این پایه با همتی مضاعف به آموزش این کتاب بپردازید و پاسخگوی سؤالات و نیازهای فکری مخاطبان خود باشید.

این کتاب مشابه پیام‌های آسمان سال‌های هفتم و هشتم است. توصیهٔ جدی ما در زمینهٔ ارزشیابی، روش تدریس و تحلیل محتوای کتاب، مطالعهٔ مقدمهٔ کتاب‌های سال‌های گذشته و مراجعه به راهنمای معلّم و راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره اوّل متوسطه است.

همکاران محترم می‌توانند جهت مطالعهٔ «راهنمای برنامهٔ درسی تعلیم و تربیت دینی دورهٔ اوّل متوسطه»، مطالعهٔ راهنمای معلّم، دریافت نمونه سؤالات، اظهار هرگونه پیشنهاد و انتقاد دربارهٔ کتاب، طرح پرسش‌های محتوایی کتاب و دریافت جواب از کارشناسان مربوطه، و بهره‌برداری از محتواهای مختلف ارائه شده به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی به نشانی زیر مراجعه کنند:

«http://quran-dept.talif.sch.ir»

دانش آموزان گرامی!

دوستان خوبم، سلام

به شما تبریک می گوییم که توانستید با تلاش و کوشش خود، پایهٔ هشتم را با موفقیت، پشت سر بگذارید و به مرحلهٔ جدیدی از زندگی تحصیلی تان وارد شوید.

راستی نُه سال پیش را یادتان هست؟! وقتی که تازه می خواستید پا به کلاس و مدرسه بگذارید. شاید آن زمان با خود می گفتید: دوازده سال؟! چقدر زیاد! یعنی من باید دوازده سال در مدرسه درس بخوانم؟!

اما اکنون وقتی به پشت سر نگاه می کنید، می بینید بخش زیادی از این مسیر را طی کرده اید!

یک سؤال!

آیا همان طور که سال به سال بر عمرتان افزوده می شود و از کلاسی به کلاس بالاتر می روید، بر اخلاق و ایمانتان هم اضافه می شود؟ آیا پله های خوب زیستن را هم مثل پله های عمر و زندگی به سرعت طی می کنید؟

امیدواریم پاسخ تک تک شما به این سؤال ها، مثبت باشد. از خدا می خواهیم که سرعت رشد و پیشرفت شما در علم و اخلاق و ایمان از سرعت گذران عمرتان، بیشتر باشد.

البته خودتان باید برای هرچه بهتر شدن تلاش کنید. ما هم برای شما دعا می کنیم.

سعی کنید به آنچه تاکنون در کتاب های درسی؛ به ویژه در کتاب های دینی خوانده اید، عمل کنید و تصمیم جدی بگیرید تا به آن دسته از تعالیم دین که از این پس نیز فرا می گیرید، به خوبی عمل کنید تا هر روز بهتر از گذشته باشید و طعم شیرین با خدا بودن را بچشید.

امیدواریم این کتاب بتواند شما را در طی نمودن مسیر سعادت و خوشبختی کمک کند. در این کتاب، مطالب تازه ای خواهید آموخت. مطالبی همچون راه های شناخت خدا، راه های افزایش ایمان به خدا، دوران غیبت امام زمان (ع) و چگونگی رهبری جامعه در این دوران، ویژگی های دوران ظهور، آشنایی با برخی از احکام نماز، راه شناخت دوستان خوب و ده ها مطلب جذاب و مفید دیگر.

در کتاب پیام‌های آسمان سال هفتم و هشتم دربارهٔ برخی از صفات خداوند مطالبی را آموختیم. در این کتاب با دو موضوع مهم دیگر دربارهٔ خداشناسی آشنا می‌شویم:

- درس اول **(تو را چگونه بشناسم)**: در سال‌های گذشته با برخی از صفات خداوند آشنا شدیم؛ اینکه خدای مهربان مراقب ما و شاهد اعمال ماست؛ یاری‌رسان، عالم، قادر، غفار و پرده‌پوش است. حتماً شما دوست دارید خداوند را بیشتر از اینها بشناسید. ما در این درس دو راه مطمئن به شما نشان می‌دهیم تا به کمک آنها بتوانید با صفات بیشتری از خالق هستی آشنا شوید. این دو راه عبارت‌اند از:

۱ـ تفکر در کتاب آسمانی خداوند؛ یعنی قرآن

۲ـ تفکر در جهان آفرینش.

- درس دوم **(در پناه ایمان)**: با توجه به اینکه تاکنون درس‌های زیادی دربارهٔ خداوند خوانده‌ایم، حال باید بدانیم چگونه می‌توانیم با تمام وجود به خدایی که شناختیم، ایمان آوریم و بر ایمان خود بیفزاییم. همچنین می‌آموزیم که ایمان داشتن به خداوند چه ثمرات ارزشمندی در زندگی ما دارد.

فصل اول

خداشناسی

قرآن

درس اول

تو را چگونه بشناسم؟

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
نروم جز به همان ره که تواَم راهنمایی

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی
تو نمایندهٔ فضلی، تو سزاوار ثنایی

بری از رنج و گدازی، بری از درد و نیازی
بری از بیم و امیدی، بری از عیب و خطایی

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
نتوان شبه تو جستن، که تو در وهم نیایی

نَبُد این خلق و تو بودی، نبُوَد خلق و تو باشی
نه بجنبی نه بگردی، نه بکاهی نه فزایی

همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی
همه نوری و سروری، همه جودی و سخایی[1]

فعّالیت کلاسی

۱ صفت‌هایی را که در این شعر به خدا نسبت داده شده است، بیان کنید.

۲ چه صفات دیگری از خدا می‌شناسید، که در این شعر به آن اشاره نشده است؟

۱ـ سنایی، شاعر قرن پنجم و ششم قمری.

راه‌های شناخت صفات خداوند

یکی از موضوعاتی که همیشه ذهن انسان را به خود مشغول کرده است، یافتن راهی برای شناخت هرچه بهتر خالق و آفریدگار هستی است. بشر همواره به دنبال یافتن پاسخ این پرسش بوده است که خدایی که او و هستی را خلق کرده، و قرار است روزی به سوی او بازگردد، چگونه خدایی است؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا او به همه چیز عالم است؟ او قادر به انجام دادن چه کارهایی است؟ او با بندگان خود چگونه رفتار می‌کند؟

یافتن پاسخ این پرسش‌ها، نیازمند دستیابی انسان به منبعی است که اطلاعاتی دقیق و حقیقی در اختیار او بگذارد تا با تکیه بر آن بتواند به شناختی صحیح و به دور از اشتباه و خطا دربارهٔ خداوند، دست یابد.

البته ما انسان‌ها به دلیل توانایی‌های محدود خود، امکان شناخت کامل خدای نامحدود را نداریم؛ به همین دلیل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

ما عَرَفناكَ حَقَّ مَعرِفَتِكَ[1]

آن چنان که شایستهٔ معرفت توست، تو را نشناختیم.

ما به قدر توان و درک خود، می‌توانیم به شناختی محدود از خداوند، دست یابیم؛ در این درس با دو راه که به ما در شناخت هرچه بیشتر خداوند کمک می‌کند، آشنا می‌شویم:

۱ | تفکر در کتاب آسمانی

بهترین راه برای شناخت صفات خداوند، مراجعه به سخن خود اوست. توصیف خداوند از خود، توصیفی دقیق و بی‌نقص است که می‌تواند ما را در شناخت صحیح او، یاری دهد. با مراجعه به قرآن که سخن خداوند است، با آیات زیادی روبه‌رو می‌شویم که هر کدام به بیان بخشی از ویژگی‌ها و صفات خداوند می‌پردازد؛ قرآن کریم به ما می‌آموزد:

خداوند بر همه چیز آگاه است؛ او از آنچه در قلب ما می‌گذرد[2]، از آنچه چشم‌های ما می‌بیند[3]، و آنچه در گوش دیگران نجوا می‌کنیم، آگاه است[4]؛ او حتی از فرو افتادن برگ درختی در گوشه‌ای

۱ـ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۳.
۲ـ سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۱.
۳ـ سورهٔ غافر، آیهٔ ۱۹.
۴ـ سورهٔ توبه، آیهٔ ۷۸.

از جهان نیز باخبر است[1]؛ خلاصه اینکه هیچ چیز آشکار یا پنهانی نیست مگر آنکه خدا به آن علم دارد:

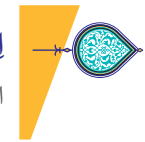

اِنَّهُ یَعلَمُ الجَهرَ وَ ما یَخفیٰ[2]

او هر آشکار و نهانی را می‌داند.

خداوند مهربان است و مهربانی او همه چیز و همه کس را در برگرفته است[3]. او آن قدر مهربان است که مهرورزی بر بندگان را بر خود واجب کرده[4] و خود را دوستدار آنان نامیده است:

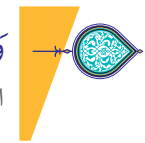

وَ هُوَ الغَفورُ الوَدودُ[5]

او بسیار آمرزنده و دوستدار بندگانش است.

با وجود این، او مجازات‌کننده نیز است و کسانی را که به مبارزه با حق برمی‌خیزند و از گناه و سرکشی دست بر نمی‌دارند، از رحمت خویش محروم و به عذابی دردناک گرفتار می‌کند:

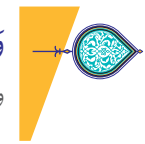

وَ مَن یُشاقِّ اللّٰهَ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدیدُ العِقابِ[6]

و هرکه با خدا دشمنی کند بداند که خداوند به سختی عقوبت می‌کند.

او به بندگانش ظلم نمی‌کند؛ بلکه انسان‌ها با گناهان و خطاهایشان به خود ظلم می‌کنند و خود را در مسیر گرفتاری و هلاکت قرار می‌دهند:

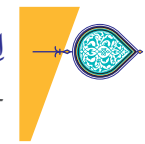

اِنَّ اللّٰهَ لا یَظلِمُ النّاسَ شَیئًا وَ لٰکِنَّ النّاسَ اَنفُسَهُم یَظلِمونَ[7]

خداوند به مردم هیچ ستمی نمی‌کند بلکه این مردمند که به خود ستم می‌کنند.

۱ـ سورهٔ اَنعام، آیهٔ ۵۹.
۲ـ سورهٔ اعلی، آیهٔ ۷.
۳ـ سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۵۶.
۴ـ سورهٔ اَنعام، آیهٔ ۱۲.
۵ـ سورهٔ بُروج، آیهٔ ۱۴.
۶ـ سورهٔ حشر، آیهٔ ۴.
۷ـ سورهٔ یونس، آیهٔ ۴۴.

البته خداوند کسانی را که از گناه خویش پشیمان شوند و توبه کنند، با آغوش باز می‌پذیرد[1]؛ چرا که او خود را خدای «بسیارتوبه‌پذیر» معرفی می‌کند[2] و توبه کنندگان را دوست می‌دارد.

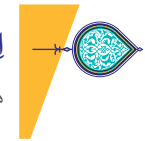

اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ التَّوّابینَ[3]

همانا خداوند توبه کنندگان را دوست دارد.

خداوند با احکام و قوانینش نمی‌خواهد بر بندگانش سخت بگیرد؛ بلکه برای هدایت انسان و راهنمایی او به‌سمت سعادت و خوشبختی و جلوگیری از گمراهی او این قوانین را قرار داده است.

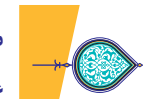

ما یُریدُ اللّٰهُ لِیَجعَلَ عَلَیکُم مِن حَرَجٍ ولٰکِن یُریدُ لِیُطَهِّرَکُم و لِیُتِمَّ نِعمَتَهُ عَلَیکُم لَعَلَّکُم تَشکُرونَ[4]

خداوند نمی‌خواهد [با احکامش] شما را در سختی و مشقت قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را [از آلودگی‌ها] پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید، تا شکر او را به‌جای آورید.

و سرانجام اینکه خداوند خود را در قرآن بهترین روزی‌دهنده[5]، بهترین یاری‌کننده[6] و بهترین سرپرست[7] معرفی می‌کند.

فعّالیت کلاسی

با همفکری هم‌گروهی‌های خود بگویید چه صفتی از صفات خداوند در قرآن کریم بیشتر تکرار شده است؟ به‌نظر شما چرا؟

۱ـ سورهٔ نساء، آیهٔ ۲۷.
۲ـ سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۶۰.
۳ـ سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۲۲.
۴ـ سورهٔ مائده، آیهٔ ۶.
۵ـ سورهٔ جمعه، آیهٔ ۱۱.
۶ـ سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۵۰.
۷ـ سورهٔ انفال، آیهٔ ۴۰.

حضرت علی علیه‌السلام در خطبهٔ ۹۱ نهج‌البلاغه در توصیف خداوند می‌فرماید:

«...خداوند از اندرون لانه‌های تابستانی مورچگان و خانه‌های زمستانی حشرات، از آهنگ اندوهبار زنان غمدیده و صدای آهسته قدم‌ها آگاهی دارد. خدای سبحان از جایگاه پرورش میوه در درون پرده‌های شکوفه و از مخفیگاه حیوانات وحشی در دل غارها و کوه‌ها و اعماق دره‌ها، از نهانگاه پشه‌ها بین ساقه‌ها و پوست درختان و از محل پیوستگی برگ‌ها به شاخسارها آگاه است.

خدا از آنچه پردهٔ ابر را به وجود می آورد و به هم می‌پیوندد و از قطرات بارانی که از ابرهای متراکم می‌بارد و از آنچه گردبادها از روی زمین بر می‌دارند و باران‌ها با سیلاب آن را فرو می‌نشانند و نابود می‌کنند، از ریشهٔ گیاهان زمین که میان انبوه شن و ماسه پنهان شده است، از لانهٔ پرندگانی که در قله‌های بلند کوه‌ها جای گرفته‌اند و از نغمهٔ مرغان در آشیانه‌های تاریک، از مرواریدهایی که در دل صدف‌ها پنهان است، و امواج دریاهایی که آنها را در دامن خویش پروراندند، آگاهی دارد. این همه آگاهی هیچ‌گونه زحمت و دشواری برای او ندارد و برای نگهداری این همه مخلوقات رنگارنگ که پدیدآورده است، دچار نگرانی نمی‌شود و در تدبیر امور مخلوقات، سستی و ملالی در او راه نمی‌یابد... .

خدایا تو سزاوار زیباترین توصیف‌هایی و درخور آنی که فراوان ستایشت کنند. اگر تو را آرزو کنند بهترین آرزویی و اگر به تو امید بندند بهترین امیدی.»

پیشتر بدانیم

۲ | تفکر در کتاب خلقت

راه دیگر شناختن صفات خداوند، تفکر در کتاب خلقت است؛ یعنی از طریق آثار و نشانه‌های او که در سراسر جهان آفرینش متجلّی است، به ویژگی‌های او پی ببریم؛ همان‌گونه که با دیدن نوشته‌ای علاوه بر پی‌بردن به وجود نویسنده، به میزان علم و دانایی و نوع افکار و اندیشه‌هایش پی می‌بریم، یا همان‌گونه که با دیدن ساختمانی، از وجود سازنده و میزان مهارت و توانایی وی باخبر می‌شویم، با تفکر در جهان خلقت نیز می‌توانیم علاوه بر پی‌بردن به وجود خالقی بی‌همتا با برخی از ویژگی‌ها و صفات او نیز آشنا شویم.

تنها کافی است به تفکر در عالم بنشینیم؛ آنگاه این جهان را همچون جاده‌ای رهنمون به سوی او خواهیم یافت. زیبایی‌های عالم، جلوه‌ای از زیبایی او، خوبی‌های آن، روایتگر نیکی او و عظمت‌های آن، پرتوی از قدرت و بزرگی اوست. گویی تمام اجزای عالم از او سخن می‌گویند.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار[1]

البته به هر میزان که علم و دانش ما افزایش می‌یابد، بیشتر از گذشته آثار علم و قدرت خداوند را در جهان درمی‌یابیم و در برابر این همه عظمت، به شگفتی می‌آییم؛ آن چنان‌که عقل و اندیشهٔ دانشمندان نیز در برابر این همه شگفتی، به حیرت می‌آید.

یک پرسش

اگر مخلوقات و موجودات جهان، آیات و نشانه‌های الهی‌اند و از طریق آنها می‌توان به صفات خالقشان پی برد، آیا می‌توان هر صفتی را که در مخلوقات می‌بینیم، به خداوند متعال نسبت دهیم؟ برای مثال، آیا می‌توان خداوند را دارای جسم و محدود به زمان و مکان دانست؟

هر خوبی و کمالی که مخلوقات دارند، از خالق دریافت کرده‌اند و کسی می‌تواند کمال و خوبی را به دیگری دهد که خود نیز آن را دارا باشد. بنابراین خداوند سرچشمهٔ همهٔ خوبی‌ها و کمالات است.

اما صفاتی که از مخلوق بودن و محدود بودن موجودات سرچشمه می‌گیرد، مثل جهل، ظلم، ضعف و جسمانی بودن، که همه نوعی نقص و کاستی است، در خدای متعال نیست؛ زیرا خداوند مخلوق و محدود نیست. به عبارت دیگر با توجه به اینکه خداوند کامل و بی‌نقص

۱ـ سعدی

است، نمی‌تواند دارای چنین صفاتی باشد. به‌عنوان نمونه این‌گونه نیست که خداوند همچون ما اگر در این مکان حضور داشته باشد، از مکان دیگر بی‌خبر باشد؛ یعنی خدا مثل اجسام محدود به یک مکان خاص نیست.

فعّالیت کلاسی

با همفکری اعضای گروه خود، برخی از صفاتی را که ویژهٔ ما مخلوقات است و نمی‌توان آنها را به خدا نسبت داد، بیان کنید.

حمد و تسبیح

شما با ذکرهای زیر به خوبی آشنایید؛ زیرا در هر نماز آنها را تکرار می‌کنید:

اَلحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمینَ

سُبحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَ بِحَمدِهِ

سُبحانَ اللّٰهِ وَ الحَمدُ لِلّٰهِ

آیا می‌دانید معنی این ذکرها چیست؟

«حمد» به معنای «ستایش» است. وقتی می‌گوییم «الحمدلله»، می‌خواهیم بگوییم که «هر ستایش برای خداست». کسی و چیزی قابل ستایش است که کمالات و زیبایی‌هایی در او باشد. می‌دانیم که همهٔ زیبایی‌ها و خوبی‌های جهان از خداست. پس ستایش حقیقی و حمد واقعی از آنِ اوست.

«تسبیح» به معنای «پاک و منزّه دانستن» است. وقتی می‌گوییم «سبحان‌اللّه»، می‌خواهیم بگوییم «خداوند از هر نقص و عیبی، منزه است»؛ یعنی آن نقص‌هایی که در سایر موجودات است، در او نیست و او خدایی کامل و بی‌نقص است.

خودت را امتحان کن

۱ راه‌های شناخت صفات خداوند را نام ببرید و دربارهٔ هر کدام به اختصار توضیح دهید.

۲ حمد و تسبیح خداوند به چه معناست؟

پیشـــنهاد

۱ با مراجعه به آیات ۵۸ تا ۶۵ سوره حج و آیات ۲۵ تا ۳۰ سوره شوری، آیاتی را که در آن به شناخت خدا اشاره شده، یادداشت و آنها را با خطی زیبا بنویسید و در کلاس نصب کنید.

۲ از دعاهای بسیار زیبا که به حمد و تسبیح خداوند پرداخته است، دعای جوشن کبیر و دعای روز عرفه است. با مراجعه به آنها برخی از صفات خدا را که در این دعاها ذکر شده است، استخراج کنید و در کلاس ارائه دهید.

الـهـی

ای خدایی که هرگاه بنده‌ای به تو روی آورد، او را جزءِ مقرّبان خود می‌گردانی؛

ای خدایی که هرگاه بنده‌ای به تو امید بندد، ناامیدش نمی‌کنی؛

چگونه فراموش کنم تو را، در حالی که تو همیشه به یاد منی؛

و چگونه دل از یاد تو بردارم، در حالی که همیشه در کنار منی؛

خدایا دست خود را به سوی لطف و کَرَمِ تو دراز کردم

و دل به موهبت‌های تو بستم؛

پس مرا برای خود پاک و خالص کن

و ما را از بندگان برگزیده‌ات قرار ده.

♦ برگرفته از مناجات الرّاجین امام سجاد علیه‌السلام

درس دوم

در پناه ایمان

در درس قبل با برخی از صفات خداوند، آشنا شدیم. دانستیم که خالق هستی از تمام اعمال و رفتار ما آگاه است. او خیر و صلاح بندگان خویش را می‌خواهد و.... با این حال افرادی را می‌بینیم که با اینکه خدا را به عنوان خالق هستی می‌شناسند؛ اما به دستورات او چندان توجهی نمی‌کنند. اینان با آنکه خداوند را آگاه بر تمام اعمال آشکار و پنهان خود می‌دانند، گاهی در حضور او گناه می‌کنند؛ با آنکه می‌دانند قوانین الهی برای نجات انسان از پلیدی‌ها و سوق دادن او به سوی زندگی سعادتمندانه است، بازهم از دستورات او سرپیچی می‌کنند.

همهٔ این موارد نشان می‌دهد که شناخت ما از خالق خویش و رهنمودهای او به‌تنهایی، اطاعت و عمل به دستوراتش را درپی نخواهد داشت، بلکه در کنار شناخت خداوند نیازمند حقیقت دیگری هستیم تا سبب انجام دستورات او توسط ما شود.

به‌نظر شما آن حقیقت چیست؟

گاهی اوقات، انجام دادن کاری را مفید می‌دانیم اما در انجام آن کوتاهی می‌کنیم؛ مثلاً می‌دانیم که چند دقیقه ورزش در روز، سلامت و شادابی می‌آورد؛ اما برای انجام آن برنامه‌ریزی نمی‌کنیم. همچنین به زیان برخی کارها آگاهی داریم، اما از آنها دوری نمی‌کنیم. می‌دانیم رفتارها و کارهای ناشایست پایان خوبی به همراه ندارد؛ اما آنها را ترک نمی‌کنیم.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که تنها شناخت و آگاهی از یک مطلب برای عمل به آن کافی نیست؛ بلکه باید آن شناخت، به مرحلهٔ ایمان برسد. یعنی به آنچه می‌دانیم، ایمان داشته باشیم. به عبارت دیگر، علم و شناخت مانند چراغی است که راه را نشان می‌دهد؛ اما داشتن چراغ، به‌تنهایی انگیزهٔ لازم برای حرکت در آن راه را در انسان ایجاد نمی‌کند. ایمان مشوق و محرک ما برای رفتن به سمت عمل است.

شناخت ◀ ایمان ◀ عمل

حقیقت ایمان

حال این سؤال مهم پیش می‌آید که «ایمان» چیست؟

ایمان، اعتماد و باور قلبی کامل به یک موضوع یا حقیقت است، باوری که شوق عمل به آن حقیقت را در انسان ایجاد می‌کند. پس اگر کسی به دانسته‌های خویش ایمان داشته باشد، عمل به آنها نیز به همراه آن خواهد آمد. به همین جهت حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

ایمان و عمل دو برادر همراه و دو دوست جدایی‌ناپذیرند[1].

بنابراین شناخت ما از خدا وقتی منجر به عمل به دستورات او خواهد شد که این شناخت به مرحلهٔ ایمان برسد. اگر ما با تمام وجود به خدا ایمان بیاوریم، عمل به دستورات او نیز به‌دنبال آن خواهد آمد.

بیشتر بدانیم

از کوزه همان برون تراود که در اوست

به‌نظر شما اگر کسی ادعا کند که در قلبش به خدا ایمان دارد؛ اما در عمل او یعنی در گفتار و رفتار و حتی نوع پوشش او نشانی از ایمان به خدا مشاهده نشود، ادعای ایمان او واقعی است؟

اتاقی را با چند پنجره باز تصور کنید. شما بیرون از اتاق ایستاده‌اید. اگر هنگامی که همه جا تاریک است، یک نورافکن بزرگ را در این اتاق روشن کنند، از بیرون چه چیزی دیده می‌شود؟

آیا امکان دارد در حالی که پنجره‌ها بازند و مانعی هم بر سر راه نور قرار ندارد، از این اتاق روشن هیچ نوری خارج نشود؟

چشم، گوش، زبان و بقیهٔ اعضای بدن ما، پنجره‌های قلب ما هستند.

اگر نور ایمان واقعی در قلب کسی وجود داشته باشد، بدون شک این نور از قلب او فراتر می‌رود و در گفتار و رفتار او نمایان می‌شود و اگر قلب کسی به دلیل گناهان تیره و تار شده باشد، تأثیر آن در گفتار و کردار او نیز ظاهر می‌شود؛ به قول معروف: «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

۱ـ غررالحکم و دررالکلم، ج۲، ص ۱۳۶.

آثار ایمان

هنگامی‌که جوانه‌های ایمان در قلب ما پدیدار شود، تحولی شگرف در درون خود احساس خواهیم کرد که گویی، تولدی دوباره یافته‌ایم. آن‌گاه آثار ایمان به خدا را در جای جای زندگی خود مشاهده خواهیم کرد. برخی از این آثار، عبارت‌اند از:

۱ | آرامش: از تأثیرات مهم ایمان به خدا، دست یافتن به آرامش روحی است. مهم‌ترین دلیل این آرامش این است که خداوند دل و جان آدمی را به گونه‌ای آفریده که جز با یاد و نام او، آرام نمی‌گیرد. وقتی انسان در این دنیا به هریک از خواسته‌های دنیایی ـ که سال‌ها آرزویش را داشته است ـ می‌رسد، پس از مدتی از آن دلزده می‌شود؛ زیرا هیچ خواسته‌ای نمی‌تواند جای خواستهٔ واقعی قلب را، که همان رسیدن به خداست، بگیرد. از این‌روست که قرآن می‌فرماید:

اَلَّذینَ آمَنوا وَ تَطمَئِنُّ قُلوبُهُم بِذِکرِ اللهِ اَلا بِذِکرِ اللّهِ تَطمَئِنُّ القُلوبُ[۱]

آنها کسانی هستند که ایمان آوردند و دل‌هایشان با یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باشید که دل‌ها تنها با یاد خدا آرام می‌گیرد.

۲ | رهایی از سردرگمی و بی‌هدفی: کسی که در زندگی خود، هدف والا و ارزشمندی نداشته باشد، احساس بیهودگی می‌کند؛ زیرا داشتن هدف به زندگی انسان معنا می‌بخشد.

هدف زندگی انسان‌های مؤمن، برخاسته از اعتقاد به خداست. آنان معتقدند نه تنها انسان، بلکه آفرینش همه چیز برای رسیدن به هدف مشخصی است و کاری که انسان باید انجام دهد، این است که با کمک گرفتن از فرستادگان الهی، آن هدف را کشف کرده و برای رسیدن به آن بکوشد. این افراد هیچ‌گاه در زندگی احساس پوچی نمی‌کنند؛ زیرا می‌دانند که خدا از خلق کردن آنان هدفی داشته و در این جهان، به حال خود رها نشده‌اند.

اَفَحَسِبتُم اَنَّما خَلَقناکُم عَبَثًا وَ اَنَّکُم اِلَینا لا تُرجَعونَ[۲]

آیا گمان کردید که ما شما را بیهوده آفریدیم و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟

۱ـ سورهٔ رعد، آیهٔ ۲۸.

۲ـ سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۱۱۵.

کسانی که ایمان به خدا ندارند، ناگزیر زندگی را در همین چند روز دنیا خلاصه می‌کنند و آن را بی‌معنا می‌دانند. اینان ناگزیرند خودشان هدفی برای این زندگی بسازند و خود را با آن مشغول کنند. برخی از این افراد تنها هدف زندگی خود را رسیدن به پول و مقام و شهرت، قرار می‌دهند. دسته‌ای دیگر خود را به لذت‌های زودگذر دنیا مشغول می‌سازند و غرق در شهوات می‌گردند. گروهی نیز هدف خود را فخرفروشی به دیگران با ماشین و لباس و مد و... قرار می‌دهند. مشخص است که این کارها به جای اینکه انسان را به مقصد و هدف اصلی خلقت برساند، از آن دور می‌سازد.

فعّالیت کلاسی

آیهٔ زیر را بخوانید و با توجه به معنای آن یکی دیگر از آثار ایمان به خدا را بیان کنید.

فَاَمَّا الَّذینَ آمَنوا بِاللهِ وَ اعتَصَموا بِهِ فَسَیُدخِلُهُم فی رَحمَةٍ مِنهُ و فَضْلٍ

و اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در رحمت و فضل خود وارد خواهد کرد.

و یَهدیهِم اِلَیهِ صِراطًا مُستَقیمًا[1]

و آنان را به سوی خود، به راه راست، هدایت می‌کند.

راه‌های دستیابی و تقویت ایمان به خدا

قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام: راه‌های رسیدن به ایمان را به ما نشان داده‌اند. این راه‌ها، ما را از مرحلهٔ شناخت خدا به مرحلهٔ ایمان واقعی به او می‌رساند و سبب تقویت و محکم شدن ایمان نیز می‌شود. برخی از این راه‌ها عبارت‌اند از:

۱ **یاد و ذکر خداوند:** حضور خداوند در خاطر ما در همهٔ لحظات زندگی، در آغاز صبح، در طول روز و هنگام کار و تحصیل و در انتهای شب، سبب افزایش ارتباط ما با خدا و تقویت ایمان به او می‌شود. یکی از حکمت‌های نمازهای پنج‌گانه، زنده نگه‌داشتن یاد خدا در تمام طول شبانه‌روز است. همچنین توصیهٔ فراوان به قرائت قرآن در طول شبانه‌روز نیز برای تقویت ایمان در دل است، تا آنجا که خداوند گوش سپردن به آیات قرآن را یکی از عوامل افزایش ایمان برشمرده است.

۱ـ سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۷۵.

اِنَّمَا الْمُؤمِنونَ الَّذینَ اِذا ذُکِرَ اللّٰهُ وَجِلَت قُلوبُهم وَ اِذا تُلِیَت عَلَیهِم آیاتُه زادَتهُم ایمانًا[1]

مؤمنان فقط کسانی هستند که وقتی یاد خدا شود، دل‌هایشان [از بیم نافرمانی و کوتاهی در انجام دستورات او] ترسان است و چون آیات خدا بر آنها تلاوت شود ایمانشان افزون می‌گردد.

پیشتر بدانیم

مشغله‌های مداوم، وسوسه‌های شیطان و خواهش‌های نفسانی، آدمی را از یاد خدا غافل می‌کند. برای زدودن غفلت‌های مداوم، تلاوت روزانهٔ قرآن‌کریم توصیه شده است. داشتن برنامه‌ای روزانه برای خواندن آیات قرآن یکی از کارهای ثابت بزرگان و پیشوایان دین بوده است؛ به‌گونه‌ای که امام خمینی رحمه‌الله در طول شبانه‌روز در هشت زمان مختلف به قرائت قرآن می‌پرداختند.

علاوه بر خواندن قرآن، به جا آوردن نماز در پنج زمان، هم حال غفلت را به حال ذکر و یاد خدا مبدل می‌کند و هم گناهان را می‌شوید.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«تا زمانی که مؤمن بر نمازهای پنج‌گانه در وقت آن محافظت کند، شیطان پیوسته از او در هراس است».[2]

مراجع عالی‌قدر از جمله رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه‌الله، علاوه بر اینکه خود بر رعایت این موضوع مراقبت می‌کردند، همواره در رهنمودهای اخلاقی خود بر اقامهٔ نماز اول وقت تأکید داشتند و می‌فرمودند: نمازهای پنج‌گانه را در پنج وقت بخوانید.[3]

۱ـ سورهٔ اَنفال، آیهٔ ۲ ۲ـ عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۲۸. ۳ـ رسالهٔ نوین، ج ۱، ص ۷۶.

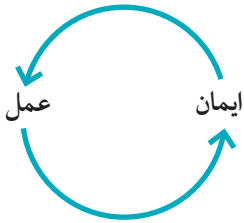

۲ انجام کارهای نیک و دوری از گناهان: همان‌طور که ایمان به خداوند، عمل به دستورات او را به‌دنبال دارد، باید دانست که عمل به دستورات الهی نیز موجب تقویت ایمان می‌شود؛ یعنی میان این دو، رابطهٔ دوسویه است و هر کدام دیگری را تقویت می‌کند. هر عمل نیکی، ایمان ما را قوی می‌کند و هر گناه، چون غباری صفحهٔ دل را می‌پوشاند و به اندازهٔ خود، مانع رسیدن نور ایمان به آن می‌گردد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

> آنچه ایمان را در دل پایدار می‌کند، دوری از گناهان است.[۱]

فعّالیت کلاسی

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

هم‌نشینی با انسان‌های هوسران، موجب از بین رفتن ایمان می‌شود.[۲]

با توجه به این حدیث، بیان کنید دوستی با افراد فاسد چگونه موجب از بین رفتن ایمان می‌شود؟

۳ الگو قرار دادن انسان‌های مؤمن: یکی از راه‌های تقویت ایمان، مطالعه و تفکر در زندگی انسان‌های مؤمن و سرمشق قرار دادن آنها در مسیر زندگی است. این افراد به‌دلیل ایمان بالای خود، نمونه‌های مناسبی برای ما هستند تا با پیروی از راه و رسم زندگی آنان و الگو گرفتن از اخلاق و رفتارشان، بتوانیم همچون این افراد، بر ایمان خویش به خداوند بیفزاییم. در قرآن‌کریم بارها داستان زندگی پیامبران و نیز زنان و مردان مؤمن دیگر برای الگو گرفتن ما بیان شده است. زنان بزرگی چون حضرت مریم علیهاالسلام و آسیه علیهاالسلام و مردانی همچون حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، حضرت ابراهیم علیه‌السلام و....

۱ـ خصال، ج۱، ص ۹.

۲ـ نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۸۵.

فعّالیت کلاسی

به ترجمه آیات توجه کنید:

«و خداوند برای کسانی که ایمان آوردند، همسر فرعون را مثال می‌زند؛ آنگاه که گفت: پروردگارا، نزد خودت برایم خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و عمل او و مردم ستمکار نجات بده. همچنین مریم دختر عمران را مثال زده است؛ همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت[1]...»

به‌نظر شما چه ویژگی‌هایی در حضرت مریم و آسیه وجود داشت که خداوند آنان را به‌عنوان الگو معرفی می‌کند؟

نشانه‌های انسان مؤمن

بسیاری از ما دوست داریم بدانیم که انسان‌های مؤمن چه ویژگی‌ها و نشانه‌هایی دارند تا خودمان را با این ویژگی‌ها بسنجیم و در صورت نداشتن برخی از این صفات و ویژگی‌ها، آنها را در خود ایجاد کنیم.

خداوند در آیات ابتدایی سوره مؤمنون به توصیف ویژگی‌های انسان‌های مؤمن می‌پردازد و آنها را این‌گونه معرفی می‌کند:

بی‌تردید مؤمنان رستگار شدند، آنها که؛

نمازشان را با خشوع و فروتنی در برابر خداوند به‌جا می‌آورند.

از کارهای لغو و بی‌فایده دوری می‌کنند.

زکات مالشان را می‌پردازند.

دامان خود را از آلوده شدن به گناه و بی‌عفتی حفظ می‌کنند،...

امانت‌دارند و به عهد خود وفا می‌کنند.

بر انجام به موقع نمازشان مراقبت می‌کنند.

اینان وارث بهشت‌اند و در آن جاودانه خواهند ماند... .

۱ـ سورهٔ تحریم، آیات ۱۲ـ۱۱.

خودت را امتحان کن

۱ توضیح دهید چرا با اینکه از خوبی برخی کارها آگاهیم؛ اما آن کارها را انجام نمی‌دهیم؟

۲ دو مورد از راه‌های تقویت ایمان به خدا را بنویسید.

۳ مهم‌ترین دلیلی که باعث می‌شود انسان‌های مؤمن از آرامش روحی برخوردار باشند، چیست؟

الـهـی

رَبَّنا اِنَّنا سَمِعنا
مُنادِیًا یُنادی لِلایمانِ
اَن آمِنوا بِرَبِّکُم
فَآمَنّا
رَبَّنا فَاغفِر لَنا ذُنوبَنا
وَکَفِّر عَنّا سَیِّئاتِنا
وَتَوَفَّنا مَعَ الاَبرارِ.

پروردگارا، ما صدای ندا دهنده‌ای را شنیدیم
که مردم را به ایمان فرا می‌خواند
که به پروردگارتان ایمان آورید
اینک ما ایمان آوردیم.
پروردگارا، گناهان ما را بیامرز
و بدی‌های ما را بپوشان
و ما را با نیکوکاران [و در مسیر آنان] بمیران.

سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۹۳

خداوند دانا و مهربان در مسیر زندگی، برای هدایت ما راهنمایان فراوانی قرار داده است. تاکنون با برخی از این راهنمایان و ویژگی‌های آنان آشنا شده‌ایم. در این کتاب با موضوعات دیگری در خصوص راهنمایان راه، آشنا می‌شویم:

- درس سوم **(راهنمایان الهی)**: در قرآن کریم، خداوند بارها داستان زندگی پیامبران را به‌عنوان نمونه‌هایی از مؤمنان راستین بیان کرده است تا الگویی باشد برای کسانی که قصد گام برداشتن در مسیر ایمان به خدا را دارند. در درس دوم با این نکته آشنا شدیم که یکی از راه‌های افزایش ایمان، الگو گرفتن از کسانی است که در مسیر ایمان به خدا گام برداشته‌اند.

در این درس با برخی از صفات و ویژگی‌های پیامبران به‌عنوان الگوهایی برای افزایش ایمان آشنا می‌شویم.

- درس چهارم **(خورشید پنهان)**: در این درس به ویژگی‌های دوران ظهور امام زمان علیه‌السلام می‌پردازیم و به سؤالات متعددی که دربارهٔ امام زمان و شرایط ظهور ایشان وجود دارد، پاسخ داده می‌شود و در پایان، شرایط منتظر واقعی بیان می‌گردد.
- درس پنجم **(رهبری در دوران غیبت)**: وظیفهٔ مردم در دوران غیبت امام زمان علیه‌السلام را بیان می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که وقتی مردم به امام دسترسی ندارند، در حل مشکلات خود به چه کسی مراجعه کنند و چه کسانی صلاحیت اداره جامعه را دارند. در این درس نقش امام خمینی رحمه‌الله در بیدارگری مسلمانان در دوران غیبت نیز بیان می‌شود.

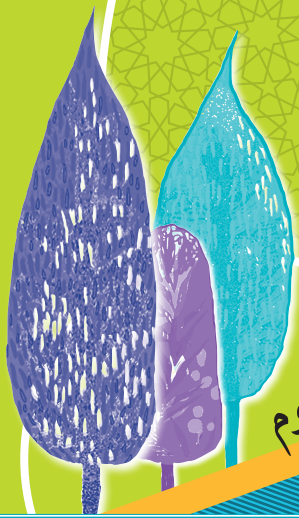

فصل دوم

راهنماشناسی

درس سوم

راهنمایان الهی

دو ساختمان را فرض کنید که یکی از آنها براساس الگو و نقشه‌ای منسجم و دقیق ساخته می‌شود و دیگری بدون داشتن الگو. به‌نظر شما این دو ساختمان بعد از تکمیل چه تفاوت‌هایی با هم خواهند داشت؟

ما انسان‌ها از آغاز دوران نوجوانی در حال بنای یک ساختمان هستیم. این ساختمان همان ساختمان شخصیت ماست که با اعتقادات و اخلاق و رفتار ما ساخته می‌شود؛ ساختمانی که گویا با گذشت هر روز از عمرمان و با هر رفتاری که انجام می‌دهیم، آجری به آن اضافه می‌شود و بنایش کامل‌تر می‌شود.

به‌نظر شما می‌توان انتظار داشت که ساختمان شخصیت انسان، بدون داشتن الگویی مناسب به بهترین شکل ممکن ساخته شود؟

به‌نظر شما الگوی مناسب برای ساختن شخصیت ما چه کسانی می‌توانند باشند؟

در درس قبل دانستیم که یکی از راه‌های افزایش ایمان به خدا، الگو قرار دادن انسان‌های مؤمن است. پیامبران نمونه‌ای از این انسان‌ها هستند که در قرآن کریم بارها داستان زندگی و ویژگی‌های آنان بیان شده است. بنابراین اگر کسی می‌خواهد جزو بهترین‌های زمان خود باشد و در مسیر ایمان به خدا گام بردارد، شایسته است پیامبران را در زندگی خود سرمشق قرار دهد و لازمهٔ سرمشق قرار دادن، آشنا شدن با ویژگی‌های آنان است. در این درس با سه ویژگی مهم پیامبران آشنا می‌شویم: تسلیم در برابر امر خداوند، استقامت و پایداری در راه خدا و مبارزه با عقاید باطل و خرافات.

۱ | تسلیم در برابر امر خداوند

وقتی کسی می‌خواهد شخصی را برای انجام کاری مأمور کند، معمولاً سعی می‌کند فردی را انتخاب کند که کاملاً مطیع او باشد، و به دستوراتی که می‌دهد، به صورت کامل عمل کند. در این صورت است که انجام کامل و دقیق کار، تضمین می‌شود. وقتی انسان‌ها در امور عادیشان این تدبیر را به کار می‌بندند، قطعاً خداوند حکیم در امر بزرگ هدایت انسان‌ها، کسانی را به عنوان پیام‌آور خود انتخاب می‌کند که در برابر دستوراتش مطیع و تسلیم باشند. این ویژگیِ پیامبران را در قرآن کریم به‌خوبی می‌توان دید:

- خداوند به حضرت ابراهیم علیه‌السلام دستور داد زن و فرزند کوچک خود را در سرزمین مکه که در آن زمان سرزمینی بدون آب و آبادانی بود و امکانی برای زندگی نداشت، سکونت دهد. حضرت ابراهیم علیه‌السلام با اطمینان خاطر به دستور خداوند عمل کرد[۱].
- خداوند به حضرت موسی علیه‌السلام دستور داد نزد فرعون برود و از او بخواهد بنی‌اسرائیل را آزاد کند. با اینکه آن حضرت از خشم فرعون و قومش نسبت به خود آگاه بود و احتمال هرگونه خطری را برای خود پیش‌بینی می‌کرد، به این مأموریت عمل کرد و وارد قصر فرعون شد و علاوه بر دعوت او به یکتاپرستی، خواستار آزادی بنی‌اسرائیل شد.[۲]
- حضرت ایوب علیه‌السلام که می‌دید تمامی مشکلات و سختی‌هایی که در زندگی با آنها روبه‌رو می‌شود، به خواست خداوند و برای امتحان کردن اوست، در برابر تمامی آنها صبر کرد و در برابر خواست خداوند تسلیم شد.[۳]

فعّالیت کلاسی

به نظر شما، ما به عنوان یک مسلمان چگونه می‌توانیم در گفتار، رفتار و پوشش خود، تسلیم امر خدا باشیم. دربارهٔ این موضوع با هم‌کلاسی‌هایتان گفت‌وگو کنید.

۱ـ سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۳۷. ۲ـ سورهٔ شعراء، آیات ۶۸ـ۱۰. ۳ـ سورهٔ انبیاء، آیات ۸۴ـ۸۳.

۲ استقامت و پایداری در راه خدا

مردم پس از دریافت دین خداوند از پیامبران، دو گروه می‌شدند؛ گروهی دعوت پیامبران را می‌پذیرفتند و با عمل به تعالیم آنان، نه تنها خود را از مشکلات متعدد ـ که به دست خود انسان‌ها به‌وجود آمده بود ـ نجات می‌دادند، بلکه رستگاری ابدی را نیز نصیب خود می‌کردند. گروه دیگری به لذت‌های زودگذر دنیا دل خوش می‌کردند و با این تصور که با پذیرش دین، دنیای آنها به خطر می‌افتد، زندگی ابدی خود را نابود می‌کردند؛ غافل از اینکه دین الهی رستگاری دنیا و آخرت را برای انسان با هم به ارمغان می‌آورد[1].

این گروه با سرکشی در مقابل پیامبران، آنان را دروغگو می‌نامیدند تا مردم پیرو آنان نشوند و اگر در نقشهٔ خود موفق نمی‌شدند، به قتل پیامبران دست می‌زدند. خداوند رفتار این افراد را با پیامبران چنین توصیف می‌کند:

اَفَکُلَّما جاءَکُم رَسولٌ بِما لا تَهوىٰ اَنفُسُکُمُ استَکبَرتُم فَفَریقًا کَذَّبتُم وَفَریقًا تَقتُلونَ[2]

آیا [این گونه نبود که] هرگاه پیامبری چیزی را برای شما آورد که دلخواه شما نبود سرکشی کردید، پس گروهی [از پیامبران] را انکار کردید و گروهی را کشتید؟

پیامبران الهی با وجود مشکلات فراوان در راه خدا صبر و استقامت می‌کردند و با تمام توان و قدرت به راه خود ادامه می‌دادند و لحظه‌ای سست نمی‌شدند. تمام پیامبران الهی الگوی استقامت در راه خدا بودند. در این باره باز هم قرآن سیره و روش پیامبران را چنین توصیف کرده است:

۱ـ خداوند در سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۳۴ می‌فرماید: هر کس نعمت و پاداش دنیا را می‌خواهد، بداند که نعمت و پاداش دنیا و آخرت هر دو نزد خداست.

۲ـ سورهٔ بقره، آیهٔ ۸۷.

♦ حضرت نوح علیه‌السلام مردم زمان خود را نهصد و پنجاه سال به یکتاپرستی دعوت کرد؛ ولی در این مدت، تنها تعداد بسیار اندکی ایمان آوردند. آنان بارها نوح علیه‌السلام را اذیت و آزار می‌کردند، مسخره می‌کردند، تهدید به قتل می‌کردند و... تا اینکه خداوند به آن حضرت دستور ساخت

کشتی را داد و خبر داد که دیگر از قوم وی کسی ایمان نخواهد آورد. حضرت نوح علیه‌السلام به دستور خداوند شروع به ساختن کشتی کرد. در این مدت هرگاه که کافران از کنار او می‌گذشتند، مسخره‌اش می‌کردند و می‌گفتند چرا در بیابان کشتی می‌سازی؟ نکند دیوانه شده‌ای؟! ولی چون نوح علیه‌السلام به خداوند ایمان داشت و می‌دانست وعدهٔ الهی حق است، استقامت کرد و ساختن کشتی را متوقف نکرد تا اینکه زمان وعدهٔ خداوند فرا رسید و آن‌قدر باران بارید که تمام آن سرزمین به زیر آب رفت و همهٔ کافران غرق شدند.[1]

- حضرت ابراهیم علیه‌السلام بارها عموی خود آزر را به یکتاپرستی دعوت می‌کرد و او را به ترک پرستش بت‌ها فرامی‌خواند. آزر هر بار او را با سخنانش می‌آزرد و از خود دور می‌کرد؛ اما او دست از دعوت خود برنمی‌داشت.[2] حضرت ابراهیم علیه‌السلام نه تنها مردم عادی، بلکه نمرود ـ طاغوت زمانه را که ادعای خدایی می‌کرد ـ در کاخش با شجاعت و استدلال‌های محکم به چالش کشید و به یکتاپرستی دعوت کرد[3] و از تهدیدهایش نهراسید و در برابر آزار وی از قبیل انداختن در آتش و تبعید از وطن ذره‌ای دچار تردید نشد، و دست از راهی که در پیش گرفته بود، برنداشت تا اینکه عده‌ای از مردم به یکتاپرستی روی آوردند.

۱ـ سورهٔ هود، آیات ۴۰ـ۳۹. ۲ـ سورهٔ مریم، آیهٔ ۴۲. ۳ـ سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵۸.

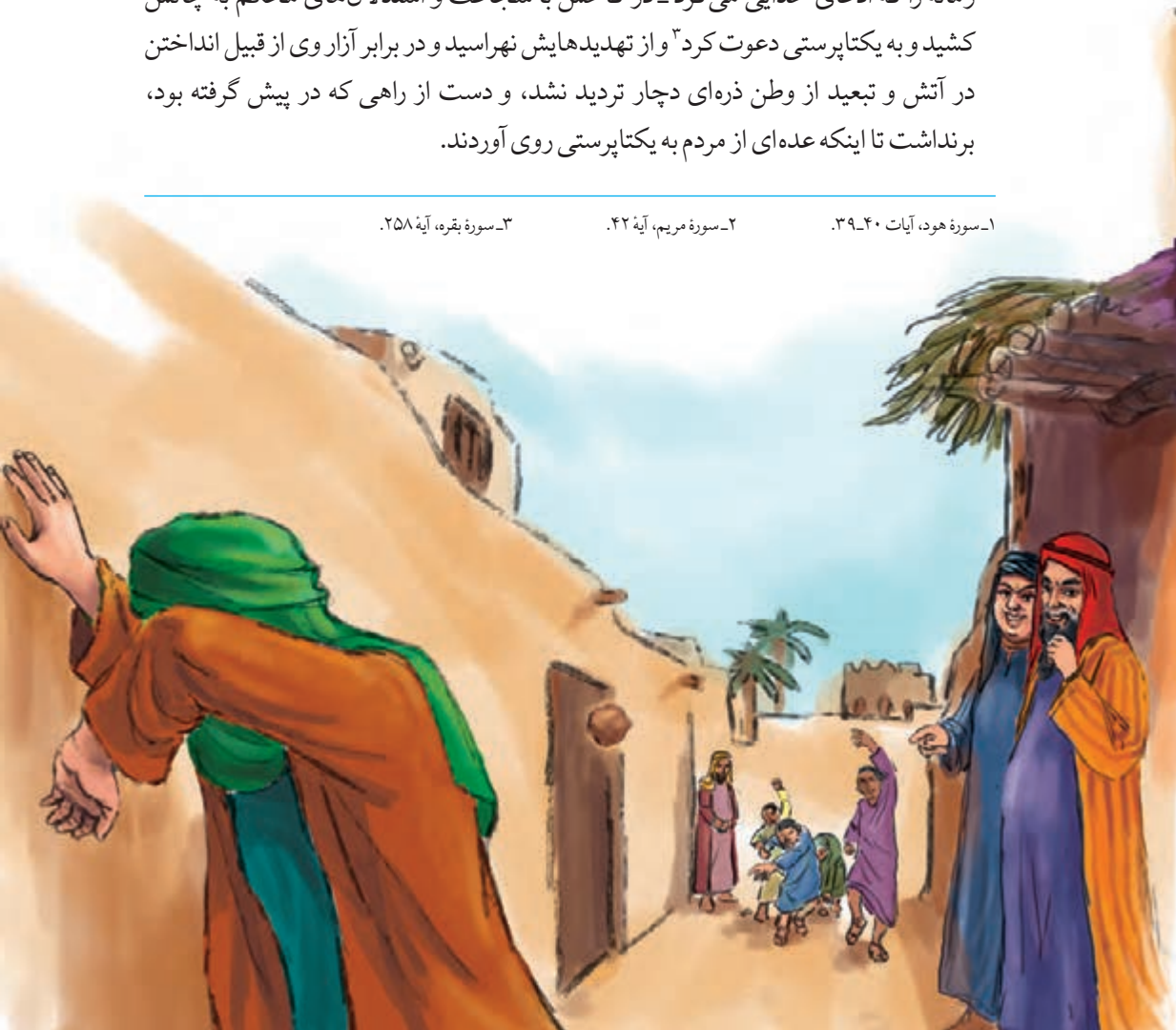

پایداری فراوان پیامبران، ناشی از این بود که آنان اطمینان داشتند که ایمان و استقامت، کلید دست یافتن به وعده‌های بزرگ الهی است؛ همچنان که خداوند می‌فرماید:

اِنَّ الَّذینَ قالوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ استَقاموا تَتَنَزَّلُ عَلَیهِمُ المَلائِکَةُ اَلّا تَخافوا وَ لا تَحزَنوا وَ اَبشِروا بِالجَنَّةِ الَّتی کُنتُم توعَدونَ[1]

آنان که گفتند: پروردگار ما الله است سپس [در این راه] پایدار ماندند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید و به بهشتی که وعده‌داده می‌شدید، شاد شوید.

فعّالیت کلاسی

به‌نظر شما در موارد زیر چگونه می‌توانیم در راه خدا استقامت کنیم؟

۱ شیطان ما را برای ترک واجباتی همچون نماز و روزه وسوسه می‌کند.

۲ کسی ما را دعوت به حضور در برخی مجالس و یا برخی فضاهای مجازی نامناسب می‌کند.

۳ شیطان ما را برای ناسزا گفتن به دیگران به هنگام خشم و عصبانیت وسوسه می‌کند.

۱ـ سورهٔ فصّلت، آیهٔ ۳۰.

۳ مبارزه با عقاید باطل و خرافات[۱]

مردم دوران پیامبران، برای خداوند شریکانی قرار داده بودند؛ بت‌هایی از سنگ و چوب، فرشتگان و اجرام آسمانی (ستاره، ماه، خورشید و...) از جمله این شریکان بودند.

برخی از مردم زمان حضرت ابراهیم علیه‌السلام ستاره و خورشید و ماه را می‌پرستیدند و معتقد بودند اینها اثر خوبی در زندگی آنها دارند.

بنی‌اسرائیل در زمان حضرت موسی علیه‌السلام گوساله‌ای را از طلا و جواهرات ساختند و با این تصور که این گوساله منشأ ثروت و برکت است، به دور او طواف می‌کردند.

مردم در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در برابر بت‌های ساخته شده از سنگ و چوب سجده می‌کردند و می‌گفتند اینها به ما خیر و برکت می‌دهند.

پیامبران الهی نه تنها خود به این امور اعتقاد نداشتند و آنها را باطل و خرافه می‌دانستند؛ بلکه از طرف خدا مأموریت یافته بودند با هر اعتقادی که ریشه در دستورات خداوند ندارد و نزد خداوند معتبر نیست، مبارزه کنند.

۱ـ معنای خرافه: به یک سری باورهای غلط می‌گویند که نه دین آن را تأیید می‌کند و نه از نظر علمی و عقلی ثابت شده است.

رسولان الهی با آوردن دلایل محکم، مشرکان را به اندیشه‌ورزی و تفکر دعوت می‌کردند و از آنها می‌خواستندکه به جای پیروی از خرافات، از دستورات خداوند اطاعت کنند.

حضرت ابراهیم علیه‌السلام در دعوت عمویش آزر می‌گوید:

اِذ قالَ لِاَبیهِ یا اَبَتِ لِمَ تَعبُدُ ما لا یَسمَعُ وَ لا یُبصِرُ وَ لا یُغنی عَنكَ شَیئًا
یا اَبَتِ اِنّی قَد جاءَنی مِنَ العِلمِ ما لَم یَأتِكَ فَاتَّبِعنی اَهدِكَ صِراطًا سَوِیًّا[1]

هنگامی که به عموی خود گفت: ای عمو! چرا چیزی می‌پرستی که نه می‌شنود و نه می‌بیند، و نه هیچ مشکلی را از تو حل می‌کند؟!

ای عمو! دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است بنابراین از من پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم!

فعّالیت کلاسی

با کمک اعضای گروه و با توجه به آنچه که در خصوص زندگی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌دانید، نمونه‌هایی از ایستادگی آن حضرت در برابر عقاید باطل را بیان کنید.

زمانی که پیامبران الهی با عقاید باطل و خرافی قوم خود مبارزه می‌کردند، مخالفان که پاسخ قانع‌کننده‌ای برای رد نظر پیامبران و دورکردن مردم از آنها نداشتند، از عقیدهٔ باطل دیگری استفاده می‌کردند. آنها به پیامبران می‌گفتند شما برای ما بدشانسی می‌آورید! پیامبران نیز در جواب می‌گفتند: اگر بلایی سر شما می‌آید نتیجهٔ کارهای خودتان است.[2]

به‌عنوان مثال وقتی به قوم بنی‌اسرائیل خیر و منفعتی می‌رسید، می‌گفتند این نتیجهٔ زحمات خودمان است؛ ولی وقتی اتفاق بدی برایشان می‌افتاد؛ می‌گفتند: موسی برای ما بدشانسی

۱ـ سورهٔ مریم، آیات ۴۲ و ۴۳.

۲ـ سورهٔ یس، آیات ۱۸ و ۱۹.

می‌آورد. خداوند در جواب آنها فرمود: این بلاهایی که بر سر شما می‌آید، به دلیل اعمال خودتان است و ارتباطی با پیامبر ندارد.[1]

البته عقاید باطل و خرافی منحصر به زمان پیامبران نبوده است. امروزه در برخی کشورها هنوز مردم به پرستش بت‌ها مشغول‌اند یا در کشورهای مختلف خرافات رونق فراوان دارد؛ خرافاتی همچون:

- عدد ۱۳ نحس است.
- به تخته زدن بدشانسی را از انسان دور می‌کند.
- اگر گربهٔ سیاه سر راه کسی باشد، بدشانسی می‌آورد.
- مهرهٔ فیروزه‌ای رنگ، انسان را از خطر و بلا حفظ می‌کند.

و هزاران مورد دیگر که در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد.

اعتقاد به این امور موجب شده است برخی از مردم در انجام کارهایشان به کسانی مراجعه کنند که ادعا دارند می‌توانند از اتفاقات خوب و بدی که ممکن است، برای افراد رخ دهد، خبر دهند یا از روی‌دادن آنها جلوگیری کنند. امروزه این افراد در شکل‌های مختلفی از قبیل فال‌گیر (فال قهوه و...)، کف‌بین (ادعای بیان آینده با نگاه کردن به کف دست)، رمّال (ادعای پیشگویی آینده) و... مردم را فریب می‌دهند و موجب از هم پاشیده شدن خانواده‌های فراوان یا از دست رفتن اموال و آبرویشان می‌شوند.

باید توجه داشت اگر ایمان به خدا در انسان کم‌رنگ شود، میل به خرافات نیز افزایش می‌یابد؛ اما اگر انسان ایمان خود را تقویت کند، به‌خوبی به درک این نکته می‌رسد که کلید حل تمام مشکلاتش در پیروی از خدا و دستورات او نهفته است.

۱ـ سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۳۱.

فعّالیت کلاسی

چه خرافه‌هایی در منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنید، وجود دارد؟
به نظر شما چرا مردم به دنبال این خرافات می‌روند؟

خودت را امتحان کن

۱ یک نمونه از تسلیم پیامبران الهی در برابر دستورات خداوند را بیان کنید.

۲ چرا پیامبران الهی در راه انجام دستورات خداوند استقامت فراوانی می‌کردند؟

۳ سه مورد از ویژگی‌های مهم پیامبران را نام ببرید.

پیشـــنهاد

۱ وقتی بخواهیم از کسی یاد کنیم، معمولاً به لقبی از او اشاره می‌کنیم که بالاترین و بهترین لقب اوست. به این عبارت که ما در تشهد نمازهای خود می‌گوییم، توجه کنید.

...وَ اَشـهَـدُ اَنَّ مُـحَـمّـدًا عَبـدُه وَ رَسـولُـه

دربارهٔ اینکه چرا از پیامبر اکرم ابتدا با لقب عبد و سپس با لقب رسول یاد می‌شود، تحقیق کنید و در کلاس برای هم‌کلاسی‌هایتان بخوانید.

۲ دربارهٔ ماجرای مرگ ابراهیم فرزند حضرت محمد ﷺ که در کودکی از دنیا رفت و اتفاقاتی که در آن روز افتاد، تحقیق کنید و ارتباط آن را با ویژگی سوم پیامبران یعنی مبارزه با عقاید باطل و خرافات بیان کنید.

الـهـی

اگر دوست داری چند جمله‌ای با خدای خویش سخن بگو:

درس چهارم

خورشید پنهان

عدالت سراسر جهان را فرا گرفته است و خبری از حکومت‌های ظالمانه و زورگو نیست. علم و دانش آن‌چنان شکوفا شده است که تمام پیشرفت‌های بشر در طول تاریخ در برابر آن ناچیز است. دیگر دادگاه‌ها و زندان‌ها شلوغ نیستند. دلیلش معلوم است؛ فهم و ایمان انسان‌ها آن‌قدر رشد کرده است که کمتر دیده می‌شود کسی به حقوق دیگران دست‌درازی کند.

حرص و طمع و ثروت‌اندوزی از میان جامعه رخت بربسته است. مردم به دنبال فرد مستمندی می‌گردند تا صدقه‌ای به او بدهند یا به او کمکی کنند؛ اما انسان فقیری در جامعه یافت نمی‌شود. انسان‌ها دیگر در برابر مجسمه‌های سنگی و یا انسان‌های دیگری مانند خودشان سر تعظیم فرود نمی‌آورند.

از آسمان و زمین برکت می‌بارد؛ نه خشکسالی هست و نه گرسنگی. همه‌جا سرسبز و خرم است و همه با شادی و خوشبختی در کنار هم زندگی می‌کنند.[1]

آنچه خواندید، بخشی از اتفاقاتی است که پس از ظهور حضرت مهدی عليه‌السلام روی می‌دهد. این همان زمانی است که ایشان حکومت عدل جهانی را به‌وجود آورده و با این کار آرزوی تمامی پیامبران و مؤمنان را برآورده می‌سازد.

۱ـ برگرفته از روایات ظهور، بحارالانوار، ج۵۳.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دربارهٔ قیام آن حضرت می‌فرمایند:

شما را بشارت باد به مهدی، مردی از خاندان من؛ در روزگاری که مردم گرفتار اختلاف و تزلزل هستند، قیام می‌کند و زمین را همچنان که از جور و ستم پر شده است؛ از عدل‌وداد، آکنده می‌سازد.[1]

فعّالیت کلاسی

به نظر شما در دوران ظهور امام زمان، چه تغییراتی در اخلاق مردم، ارتباط کشورهای مختلف با یکدیگر، پیشرفت‌های علمی و وضعیت اقتصادی جامعه رخ خواهد داد؟

عقیده‌ای اثرگذار

اعتقاد به قیام و ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام یکی از اثرگذارترین عقاید ما شیعیان است. شیعیان پیوسته در طول تاریخ با انواع سختی‌ها مواجه بوده‌اند؛ اما آنچه به عنوان نیرویی عظیم، آنان را به ایستادگی و حرکت و تلاش تشویق کرده، امید به آینده‌ای روشن و سراسر شور و اشتیاق بوده است.

البته اعتقاد به ظهور منجی، تنها به ما شیعیان اختصاص ندارد، بلکه سایر مسلمانان نیز به ظهور یکی از فرزندان پیامبر و قیام او برای برقراری عدالت معتقدند. در تعالیم مسیحیت و یهود نیز اعتقاد به نجات‌بخش بزرگ آسمانی به چشم می‌خورد؛ در تورات و انجیل نیز از چنین منجی بزرگی سخن به میان آمده است.

بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع و تأثیری که در زندگی ما به جا می‌گذارد، لازم است شناخت درست و دقیق‌تری از آن به دست آوریم. حتماً در ذهن بسیاری از شما سؤالات فراوانی دربارهٔ امام زمان علیه‌السلام و قیام ایشان هست که در ادامه به پاسخ برخی از آنها خواهیم پرداخت.

۱ـ کنزالعمال، ۳۸۶۵۳.

۱ | حضرت مهدی علیه‌السلام چگونه نزدیک به ۱۲ قرن عمر کرده است؟

با توجه به آیات قرآن کریم، داشتن عمر طولانی برای انسان، غیرممکن نیست. در آیهٔ ۱۴ سورهٔ عنکبوت مدت حضور حضرت نوح در میان قومش و راهنمایی آنها، ۹۵۰ سال ذکر شده است؛ البته این مدت فقط تا زمان نزول عذاب و نابودی کافران است و خدا می‌داند که پس از آن، ایشان چندین سال دیگر عمر کرده است.

از نظر علمی نیز داشتن عمر طولانی، ناممکن نیست؛ اگر کسی بتواند مسائل بهداشتی و تغذیه‌ای را به خوبی مراعات کند، از عمر طولانی‌تری برخوردار خواهد بود.

بنابراین طولانی بودن عمر آن حضرت امری ممکن است. همان خدایی که آدم را از گل آفرید و آتش سوزنده را بر حضرت ابراهیم علیه‌السلام سرد کرد و از میان رود نیل، راه عبوری برای حضرت موسی علیه‌السلام و پیروانش قرار داد و حضرت عیسی علیه‌السلام را از چنگ دشمنانش نجات داد و تا امروز او را نزد خویش زنده نگه داشته است، می‌تواند امام زمان علیه‌السلام را نیز تا به امروز زنده نگه دارد.

امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید:

> خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی می‌گرداند، سپس به قدرت خدایی‌اش او را در چهرهٔ جوانی کمتر از چهل سال آشکار می‌سازد تا مردم دریابند که خداوند بر هر کاری تواناست.[۱]

۲ | حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه زمانی قیام می‌کند؟

هر چند وقت یک‌بار می‌شنویم که اشخاصی در کشورهای مختلف ادعا می‌کنند با امام‌زمان علیه‌السلام ارتباط دارند و در بین مردم شایعه می‌سازند که امام زمان علیه‌السلام در فلان وقت ظهور خواهد کرد؛ حتی گاهی افراد دروغگو و پُرمدعایی پیدا می‌شوند که پا را از این فراتر می‌گذارند و ادعا می‌کنند خودشان امام زمان‌اند.

این گونه ادعاها در حالی مطرح می‌شود که در احادیث اهل بیت می‌خوانیم هر کس برای آمدن امام‌زمان علیه‌السلام وقتی را معین، یا ادعا کند ایشان را ملاقات می‌کند، دروغ‌گوست.[۲] روشن است که این ادعاها را عده‌ای شیاد با هدف فریب و سوء استفاده از مردم می‌سازند. پس هیچ‌کس نمی‌تواند زمان دقیق قیام آن حضرت را مشخص سازد و بدون‌شک، هر زمان که شرایط فراهم شود، ایشان ظهور خواهد کرد.

۱ـ بحارالانوار، ج۵۱، ص ۱۰۹.
۲ـ الغیبة شیخ طوسی، ص ۳۹۵.

یکی از این شرایط، آمادگی مردم جهان برای همراهی با قیام امام است. شرط دیگر، وجود یاران باوفایی است که تا پای جان در راه اهداف و آرمان‌های امام بایستند. یاران حضرت فقط ۳۱۳ یار ویژه نیستند؛ بلکه علاوه بر آنها امام نیاز به هزاران هزار یار خواهد داشت که حضورشان برای پیروزی بر دشمن ضروری است.

۳ برخی می‌گویند وقتی امام زمان علیه‌السلام قیام کند، بیشتر مردم کشته می‌شوند؛ آیا این مطلب درست است؟

واقعیت این است که پیش از آمدن امام زمان علیه‌السلام، ظلم و خونریزی جهان را فرا گرفته است و قدرت‌ها و حاکمان زورگو هر کسی را مخالف منافع خود ببینند، از بین می‌برند. در این شرایط خداوند، امام علیه‌السلام را برای پایان دادن به جنگ و بی‌عدالتی به میان مردم می‌فرستد. پس هدف امام از قیام، گسترش عدالت و مهربانی است و بی‌شک بسیاری از مردم جهان با این هدف مقدس همراهی خواهند کرد و برای رسیدن به آن، رهبری امام زمان علیه‌السلام را با دل و جان خواهند پذیرفت. بنابراین امام به جنگ ظالمان و زورگویان می‌رود و با شکست آنان، به خونریزی و جنگ‌های همیشگی پایان می‌دهد.

فعّالیت کلاسی

به نظر شما چرا برخی از کشورهای غربی در کتاب یا فیلم‌های خود سعی می‌کنند شخصیت مهربان امام زمان علیه‌السلام را به صورت فردی خشن و جنگ‌طلب نشان دهند؟

۴ آیا بعد از شکست حاکمان ظالم و پیروزی امام زمان علیه‌السلام، جهان پایان می‌یابد و روز قیامت فرا می‌رسد؟

قیام امام برای این است که سرنوشت مردم در دست نیکوکاران و عدالت‌جویان قرار گیرد و مردم جهان پس از سال‌ها به خوشبختی و آرامش برسند. بنابراین، اگر بلافاصله جهان به پایان برسد، آمدن ایشان چه سودی برای مردم خواهد داشت؟ در احادیث می‌خوانیم حکومت امام زمان علیه‌السلام سال‌ها ادامه خواهد داشت و پس از ایشان نیز صالحان دیگری ادارهٔ جهان را به دست خواهند گرفت.

۵ آیا ممکن است ما هم یکی از یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه‌الشریف) باشیم؟

با ظهور امام زمان علیه‌السلام ۳۱۳ نفر از بهترین انسان‌ها به او می‌پیوندند که اینان بهترین و نزدیک‌ترین یاران آن حضرت‌اند. به جز این، تعداد بی‌شماری از افراد دیگر نیز خودشان را به حضرت مهدی علیه‌السلام می‌رسانند و آن حضرت را یاری می‌کنند. ما هم از خدا می‌خواهیم که ظهور امام را ببینیم و از یاران خاص یا از هزاران نفری باشیم که افتخار یاری امام زمان علیه‌السلام را پیدا می‌کنند.

البته یاران امام زمان علیه‌السلام فقط کسانی نیستند که ظهور امام را می‌بینند و به آن حضرت می‌پیوندند؛ اکنون هم گروهی از مردم از یاران امام زمان علیه‌السلام هستند، کسانی که با انجام واجبات دینی، دوری از گناهان، گره‌گشایی از کار گرفتاران و اخلاق نیک، باعث خوشحالی امام زمان می‌شوند، یار امام محسوب می‌شوند. این افراد شاید هرگز حضرت مهدی علیه‌السلام را نبینند؛ اما چون پیوسته در پی خوشحال کردن امام هستند، یار ایشان به شمار می‌آیند. یاریِ امام زمان یعنی یاریِ دین خدا و این کار مختصّ دوران ظهور نیست.

فعّالیت کلاسی

با دوستان خود گفت‌وگو کنید و بگویید برای اینکه ما نیز لیاقت حضور در جمع یاران امام زمان علیه‌السلام را داشته باشیم، چگونه باید زندگی کنیم.

منتظران حقیقی

اکنون با شناخت بیشتری که نسبت به امام زمان علیه‌السلام و قیام ایشان پیدا کردید، حتماً بیش از گذشته در انتظار ظهور آن حضرت و یاری ایشان هستید؛ انتظاری که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دربارهٔ آن می‌فرماید:

> از بهترین کارهای امت من انتظار [ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام] است.[1]

حالا فکر می‌کنید ما چگونه می‌توانیم منتظر این رویداد مهم باشیم؟

۱ـ بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۲۲.

آیا همین که دست روی دست بگذاریم و بنشینیم تا امام مهدی علیه‌السلام قیام کند و همه چیز را درست کند، می‌توانیم خود را منتظر ایشان بدانیم؟

تصور کنید پس از مدتی طولانی مهمان عزیزی را به خانه دعوت کرده‌اید و او تا ساعاتی دیگر به منزل شما خواهد آمد. برای پذیرایی و استقبال از او چه می‌کنید؟

آیا کسی که می‌داند مهمان بزرگی در راه است؛ ولی برای پذیرایی از او هیچ برنامه‌ای ندارد، می‌تواند بگوید من منتظر او هستم؟

حضرت امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ وظایف منتظران واقعی می‌فرماید:

انتظار فرج به چند چیز است: صبور بودن، خوش‌رفتاری، همسایه‌داری، ترویج کارهای نیک، خودداری از آزار و اذیت دیگران، گشاده‌رویی، خیرخواهی و مهربانی با مؤمنان.[1]

کسی که تلاش می‌کند این صفات را در خودش ایجاد کند، در حقیقت بذر انتظار امام مهدی علیه‌السلام را در وجود خود می‌کارد. روشن است که وقتی بهار ظهور فرا می‌رسد، این بذرها جوانه می‌زند و دوستان واقعی امام عصر علیه‌السلام را از دیگران مشخص می‌کند.

۱ـ تحف العقول، ص۴۱۵.

خودت را امتحان کن

۱ در چند جملهٔ کوتاه، اتفاقات بعد از ظهور امام زمان را توصیف کنید.

۲ قرآن کریم خبر می‌دهد که حضرت نوح علیه‌السلام عمری طولانی داشت و فقط ۹۵۰ سال قوم خود را به سوی خدا دعوت می‌کرد. از این خبر چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

۳ با توجه به سخن امام رضا علیه‌السلام سه ویژگی منتظران واقعی امام زمان علیه‌السلام را بنویسید.

۴ دو شرط مهم از شرایط ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام را بنویسید.

پیشـــنهاد

در نامه‌ای به امام مهدی علیه‌السلام احساس خود را دربارهٔ ایشان ، در گفت‌وگویی صمیمانه به قلم بیاورید.

الـهـی

من در صبح امروز و تا زمانی که زنده هستم
عهد و پیمان و بیعتی را که با امام زمان علیه‌السلام بسته‌ام،
تجدید می‌کنم
و از آن روی نمی‌گردانم
و هیچگاه از آن دست برنمی‌دارم
خدایا مرا از یاران و مددکاران او و دفاع‌کنندگان
از حضرتش و شتابندگان به سوی او قرار بده
برای برآوردن خواسته‌هایش،
اطاعت از دستوراتش، دفاع از حضرتش،
پیشی گرفتن به سوی خواسته‌هایش و کشته شدن
در پیشگاهش.

بخشی از دعای عهد، که از دعاهای مشهور و مربوط به امام عصر عجل اللّٰه تعالی فرجه‌الشریف است و مستحب است که هر روز صبح خوانده شود.

درس پنجم

رهبری در دوران غیبت

پس از رحلت رسول خدا ـ که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد ـ وظیفهٔ هدایت و رهبری مردم بر عهدهٔ امامان قرار گرفت. آنان تلاش‌های بسیاری برای اجرای دستورهای الهی و هدایت مردم به‌سوی دین راستین انجام دادند؛ اما در این مسیر با دو مشکل بزرگ مواجه بودند: از یک طرف، حاکمان ظالم به شدت امامان را تحت فشار قرار می‌دادند و فرصت هر اقدامی را از آنان می‌گرفتند و از سوی دیگر، مردم به دلیل ترس از حاکمان و دل بستن به دنیای زودگذر، وظایف خود را در حمایت و پیروی از امامان انجام نمی‌دادند؛ به‌گونه‌ای که امام حسن علیه‌السلام را به پذیرش صلح وادار کردند و امام حسین علیه‌السلام را تنها گذاشتند.

اوضاع روز به روز برای امامان سخت‌تر می‌شد. حاکمان ظالم امامان را یکی پس از دیگری به شهادت می‌رساندند تا آنجا که سه امام قبل از حضرت مهدی علیه‌السلام، در سن جوانی به شهادت رسیدند[1]. در چنین موقعیتی بود که امام مهدی علیه‌السلام که آخرین امام مسلمانان است، به دستور خداوند از نظرها پنهان شد تا در زمان و موقعیتی مناسب که جامعه شایستگی درک حضور ایشان را داشته باشد، ظهور کند.

۱ـ امام نهم، محمدتقی علیه‌السلام در ۲۵ سالگی؛ امام دهم، علی‌نقی علیه‌السلام در ۴۰ سالگی و امام یازدهم، حسن عسکری علیه‌السلام در ۲۸ سالگی توسط حاکمان زمان به شهادت رسیدند.

فعّالیت کلاسی

با توجه به اینکه بیش از هزار سال است که امام زمان ـ عجَّل الله تعالیٰ فرجه الشریف ـ در غیبت به‌سر می‌برند، آیا می‌توانیم بگوییم که انسان‌ها در تمام این مدت هیچ نیازی به هدایت و رهبری نداشته‌اند؟
تکلیف مردم در این زمان، که دوران غیبت نامیده می‌شود، چیست؟

هدایتگران عصر غیبت

یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام از ایشان پرسید:

- ای فرزند رسول خدا، دو نفر از دوستان ما بر سر مسئله‌ای با یکدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند؛ آیا آنها می‌توانند برای حل مشکلشان نزد هر حاکم یا پادشاهی بروند؟

حضرت فرمود:

خیر، کسی که به این‌گونه حاکمان [حاکمان ظالم و بی‌دین] مراجعه کند و با حکم آنان چیزی به‌دست آورد، در حقیقت به طاغوت[1] مراجعه کرده و خداوند در قرآن کریم[2] مردم را از مراجعه به طاغوت نهی کرده است.

او دوباره سؤال کرد:

- ای فرزند رسول خدا، پس تکلیف مردم در این‌گونه مسائل چیست؟

امام فرمود:

باید به سراغ کسانی بروند که سخنان ما [اهل بیت] را برایشان بازگو می‌کنند؛ کسانی که بر حلال و حرام ما آگاه‌اند و احکام ما را می‌شناسند. من این افراد را بر شما حاکم قرار داده‌ام؛ بنابراین، مردم نیز باید به حکم آنان راضی شوند. پس هر کس که حکم آنان را ـ که حکم ماست ـ قبول نکند، بدون شک حکم خدا را خوار شمرده است و کسی که ما را رد کند، خداوند را رد کرده است.[3]

۱ـ حاکمان طاغوت: حاکمانی ظالم و بی‌دین که حق حکومت بر مردم را ندارند.
۲ـ سورهٔ نساء، آیهٔ ۶۰.
۳ـ کافی، ج۱، ص۶۷.

این حدیث به خوبی نشان می‌دهد که حتی در زمان حضور امام معصوم، چون همهٔ افراد به امام دسترسی نداشتند، امامان مردم رابه شاگردان خود ارجاع می‌دادند؛ پس وقتی در زمان حضور امامان، افرادی که به ایشان دسترسی ندارند، باید به شاگردان آنان مراجعه کنند، قطعاً در زمان غیبت امام، مراجعه به عالمان دین ضرورت بیشتری می‌یابد. اما این عالمان دینی چه کسانی هستند؟

آیا هرکسی که دربارهٔ مسائل دینی اظهارنظر می‌کند، شایستگی لازم برای هدایت مردم را دارد؟

امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ هدایتگران واقعی مردم می‌فرماید:

«مردمی که می‌بینند عالمانشان آشکارا گناه می‌کنند و در جمع‌آوری دنیا و اموال حرام حریص‌اند، ولی باز هم از این‌گونه عالمان پیروی می‌کنند، مانند برخی یهودیانی هستند که خداوند در قرآن آنان را به دلیل پیروی از عالمان بدکارشان سرزنش می‌کند. بر مردم واجب است از فقیهان پرهیزکار، که از دین خود محافظت و برخلاف هوای نفس خود رفتار می‌کنند و مطیع دستور خداوند هستند، پیروی کنند[1]».

فعّالیت کلاسی

با توجه به حدیث بالا فقیهانی که هدایت مردم را در زمان غیبت امام‌زمان ـ عجَّل الله تعالیٰ فرجه الشریف ـ به عهده دارند، باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند؟

۱- .....

۲- .....

۳- .....

۴- .....

۱ـ وسائل الشیعه، ج۲۷، ص۱۳۱.

هر یک از ویژگی های چهارگانهٔ عالمان، که در سخن امام صادق علیه‌السلام آمده است، موجب می‌شود رهبران جامعه از انجام کارهایی که سعادت دنیا و آخرت مردم را به خطر می اندازد، دوری کنند.
برای مثال، به ویژگی اوّل (پرهیزکاری) توجه کنید:
به نظر شما اگر هدایت و رهبری مردم به کسی سپرده شود که پرهیزکار نباشد و هر کاری که دلش بخواهد انجام دهد، در جامعه چه اتفاقی خواهد افتاد؟
آیا چنین فردی حاضر است با عدالت بین مردم رفتار کند؟
آیا او احکام خدا را به نفع خود و اطرافیانش تغییر نخواهد داد؟
اسلام‌شناسان و فقیهان واقعی کسانی‌اند که در سخنان و راهنمایی‌هایشان، پیرو سخنان معصومان هستند و در هر مسئله‌ای نظر پیامبر اکرم و امامان علیهم‌السلام را برای مردم بازگو می‌کنند. بنابراین پذیرفتن فتواهای فقیهان که برگرفته از قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام است، در واقع پذیرفتن سخنان امامان است و مخالفت با فتوای فقها، مخالفت با احادیث معصومان علیهم‌السلام است. به همین دلیل فقیهان، نایب و جانشین امام زمان علیه‌السلام به شمار می‌روند و همان‌گونه که مردم در زمان امامان معصوم موظف بودند از آنان اطاعت کنند، در عصر غیبت نیز باید از جانشینان امام زمان علیه‌السلام؛ یعنی فقیهان پیروی کنند.
با توجه به اینکه هر جامعه‌ای نیاز به حاکم دارد و حاکم مردم مسلمان، باید اسلام‌شناس باشد تا جامعه را در مسیر اجرای دستورات دین هدایت نماید، یکی از فقهای جامع‌الشرایط، در کنار پاسخ‌گویی به مسائل دینی، کار رهبری جامعه را نیز بر عهده می‌گیرد.
به رهبری و هدایت مردم جامعه توسط فقیه جامع‌الشرایط، ولایت فقیه گفته می‌شود. ولی‌فقیه، اسلام‌شناسی است دانا، شجاع، مدیر و مدبر که در هر زمان با در نظر گرفتن مصلحت جامعهٔ اسلامی، از تمام توان و امکانات برای پاسداری از دین و اجرای احکام الهی در جامعه استفاده می‌کند و نمی‌گذارد دشمنان اسلام با به خطر انداختن کشور اسلامی مانع اجرای دستورهای خدا شوند.

فعّالیت کلاسی

با کمک هم گروهی‌های خود بگویید که چه تفاوتی میان وظایف ولی فقیه با سایر فقها وجود دارد؟

بیدارگر قرن

آیا شما کسی را می‌شناسید که تمام ویژگی های لازم برای رهبری و هدایت مردم را داشته باشد؟

«... هنگامی که از در وارد شد، احساس کردم نسیمی از نیروهای معنوی وزیدن گرفت. گویا در ورای آن عبای قهوه‌ای، عمامهٔ سیاه و ریش سفید، روح زندگی جریان داشت؛ آن‌چنان که همهٔ بینندگان را محو تماشای خود می‌کرد. ناگهان احساس کردم با حضور او همهٔ ما کوچک شده‌ایم و گویا در آن مکان اصلاً کسی جز او باقی نمانده است.

آری! او بارقه‌ای از نور بود که در قلب و روح همه حاضران رسوخ کرده بود. او تمام معیارهایی را که گمان می‌کردم می‌تواند مرا در تعریف و ارزیابی شخصیت و مقامش یاری کند، درهم شکست.

هنگامی که بر روی صندلی‌اش نشست، احساس کردم نیرویی از وجودش پخش می‌شود. نیرویی که اگر دقت می‌کردی، درمی‌یافتی آرامشی عظیم در درون آن نهفته است. در عین حال او را چنان آرام و ساکت می‌دیدی که گویی نیرویی ثابت در درونش جریان دارد و البته این نیرو همان نیرویی است که رژیم سابق ایران را به یک‌باره برچید.

اما آیا چنین شخصیتی می‌تواند یک فرد عادی باشد؟

من تاکنون هیچ یک از مردان بزرگ را برتر از او و حتی مانند او ندیده‌ام.

کمترین چیزی که می‌توانم بگویم، این است که گویا او یکی از انبیای گذشته است یا اینکه او موسای پیامبر است که آمده تا قوم خود را نجات دهد».

آنچه خواندیم، بخشی از نوشته‌های «روبین وودزورث[1]» یکی از مشهورترین خبرنگاران آمریکاست که پس از ملاقات با امام خمینی ﷺ در حسینیهٔ جماران دربارهٔ شخصیت امام نوشته است.

کتاب وی[2] یکی از صدها کتابی است که دربارهٔ شخصیت این بیدارگر بزرگ قرن نوشته شده‌است.

امام خمینی ﷺ رهبری است که نه تنها ملت ایران بلکه تمام مردم آزادهٔ جهان حتی دشمنان اسلام و انقلاب را نیز به تحسین وا می‌دارد.

مشاور ارشد رئیس جمهور آمریکا[3] که لحظه‌ای از دشمنی با اسلام و انقلاب اسلامی مردم ایران دست برنداشته است، در برابر عظمت و نفوذ خیره‌کنندهٔ امام این‌گونه اعتراف می‌کند:

«آیت الله خمینی، غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد. تصمیمات او آن‌چنان رعدآسا بود که مجال هرگونه تفکر و برنامه‌ریزی[4] را از سیاستمداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت. هیچ‌کس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند. او با معیارهایی غیر از معیارهای شناخته شده، در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد. گویی او از جای دیگری الهام می‌گرفت. دشمنی آیت الله خمینی با غرب برگرفته از تعالیم الهی او بود. او حتی در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت».[5]

امام در قرنی که دین و معنویت کاملاً منزوی شده بود و چیزی نمانده بود که مساجد و کلیساها به فراموشی سپرده شوند، با انقلاب اسلامی، به یک‌باره تمام نقشه‌های شوم ابرقدرت‌ها را برهم زد و یک‌بار دیگر به مردم سراسر جهان نشان داد که برای خوشبختی و سعادت در دنیا و آخرت هیچ راهی جز بازگشت به مسیر نورانی پیامبران وجود ندارد.

۱ـ Robin Woodsworth

۲ـ این کتاب با نام «زیباترین تجربهٔ من» ترجمه و منتشر شده است.

۳ـ کیسینجر

۴ـ منظور کیسینجر از برنامه‌ریزی، نقشه کشیدن برای چپاول و غارت کشورهای ضعیف‌تر است.

۵ـ عصر امام خمینی، ص۳۷.

او که عابدی شب‌زنده‌دار و سیاستمداری آگاه بود، مانند عادی‌ترین مردم زندگی می‌کرد. در تمام سال‌های رهبری‌اش در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی کرد. هرگز به کسی ظلم نکرد و در برابر هیچ ستمگری سکوت نکرد. او که دشمنان اسلام از شنیدن نامش به وحشت می‌افتادند، اگر صدای گریهٔ کودکی را می‌شنید، بسیار ناراحت می‌شد. برای عمل به اسلام از هیچ‌کس نمی‌ترسید. همان‌گونه که محکم و استوار می‌گفت، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، وقتی نام امام حسین علیه‌السلام و یارانش را می‌شنید، اشک از چشم‌هایش جاری می‌شد.به پرسش‌های دینی مردم پاسخ می‌داد. در جمع آنان حاضر می‌شد و برایشان صحبت می‌کرد. در برابر مردم محروم می‌گفت: «اگر به من بگویند خدمتگزار بهتر است از اینکه بگویند رهبر».

اینها بخشی از ویژگی‌های امام خمینی رحمه‌الله بود که باعث شد در زمان غیبت امام زمان علیه‌السلام، وظیفهٔ هدایت و رهبری مردم به عهدهٔ او گذاشته شود. پس از رحلت این مرد بزرگ الهی، مسئولیت مهم و سنگین رهبری جامعهٔ اسلامی به عهدهٔ یکی از نزدیک‌ترین یاران او؛ یعنی آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت. دوراندیشی، شجاعت، پرهیزکاری و وفاداری ایشان به امام و انقلاب اسلامی سبب شد مجلس خبرگان رهبری، وی را شایسته‌ترین فرد برای رهبری جامعهٔ اسلامی معرفی کند.

خودت را امتحان کن

۱ چه چیزی باعث شد تا امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه به دستور خداوند از نظرها غائب شود؟

۲ توضیح دهید چرا مردم باید از فتوای فقها پیروی کنند؟

۳ سه مورد از ویژگی‌های امام خمینی رحمه‌الله را بیان کنید.

پیشـــنهاد

شما می‌توانید با کمک افراد آگاه و یا مراجعه به کتاب‌هایی که دربارهٔ زندگی امام خمینی رحمه‌الله و مقام معظم رهبری نوشته شده‌اند، خاطرات یا داستان‌هایی از زندگی این مردان بزرگ را یادداشت کنید و آنها را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.

الـهـی

خدایا در دوران غیبت امام زمان
ما را در پیروی از راه و روش او پایدار گردان
و ما را به کارهایی مشغول بدار که موجب خشنودی
او باشد
و یاری کن تا خود را از بدی‌ها پاک سازیم
تا در زمرهٔ یاران او قرار گیریم.
خدایا عالمان دین را که حافظان دین تو در عصر
غیبت‌اند، نصرت فرما
و تلاش ارزشمند آنان را به نیکویی پاداش ده.

راهی که ما انسان‌ها به سوی خدا طی می‌کنیم، به توشه نیاز دارد. در سال‌های گذشته برخی از این توشه‌ها را شناختیم. در سال هفتم با دوران بلوغ، «**افتخار بندگی**»، و شرایط و ویژگی‌های آن آشنا شدیم و دانستیم برای انجام عبادت‌هایی همچون نماز که «**ستون دین**» است؛ باید «**به سوی پاکی**» حرکت کنیم و از ناپاکی‌هایی همانند خون و دیگر نجاسات پرهیز کنیم. همچنین آداب و احکام «**نماز جماعت**» و غسل را نیز فرا گرفتیم. علاوه بر این با روزه که «**یک فرصت طلایی**» است و ما را به سوی خداوند تعالی سوق می‌دهد، نیز آشنا شدیم.

امسال با برخی دیگر از این توشه‌ها آشنا می‌شویم:

- درس ششم **(وضو، غسل و تیمم)**: مقدمهٔ انجام نماز را بیان می‌کند. برای به جا آوردن نماز باید وضو گرفت و در برخی شرایط می‌توان به جای وضو، تیمم کرد که در این درس با احکام و شرایط آن آشنا می‌شویم.
- درس هفتم **(احکام نماز)**: ما را با برخی از کارهایی که موجب باطل شدن نماز می‌شود، آشنا می‌کند.

فصل سوم

راه و توشه

درس ششم

وضو، غسل و تیمم[1]

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در بارهٔ حکمت وضو می‌فرماید:

«شستن صورت در وضو؛ یعنی خدایا هر گناهی که با این صورت انجام دادم، آن را شست‌وشو می‌کنم تا با صورت پاک به جانب تو بایستم و عبادت کنم؛ شستن دست‌ها در وضو یعنی خدایا، از گناه دست شستم و به واسطهٔ گناهانی که با دستم مرتکب شدم، دستم را تطهیر می‌کنم. مسح سر در وضو یعنی خدایا از هر فکر و خیال باطل و گناه‌آلود که در سر پرورانده‌ام، سرم را تطهیر می‌کنم؛ مسح پا یعنی خدایا من از رفتن به مکان‌های نامناسب پا می‌کشم[2]».

- وقتی می‌خواهیم نماز بخوانیم؛
- وقتی قصد داریم دستمان را به آیات قرآن بزنیم؛
- وقتی به یکی از نام‌های خداوند (به هر زبانی که نوشته شده باشد) دست می‌زنیم؛

در تمام این موارد، واجب است وضو داشته باشیم.

علاوه بر این، وضو گرفتن در بسیاری از موارد دیگر نیز مستحب است؛ هنگام تلاوت قرآن کریم، همراه داشتن قرآن، زیارت حرم‌های امامان علیهم‌السلام، رفتن به مسجد، زیارت اهل قبور و حتی هنگام خوابیدن از مواردی هستند که شایسته است، انسان در این زمان‌ها وضو داشته باشد.

۱ـ همکار گرامی، این درس جهت آشنایی دانش‌آموزان با برخی از احکام نگاشته شده است و هدف آن حفظ واژه‌ها و طرح سؤالات پیچیده و معماگونه نیست.

۲ـ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۲.

پیامبر ﷺ دربارهٔ آثار وضو می‌فرماید:

«بسیار وضو بگیر تا خداوند بر عمرت بیفزاید. اگر برایت میسر است که شب و روز با وضو باشی، این کار را انجام بده؛ کسی که با وضو می‌خوابد، بسترش تا صبح برای او مسجد خواهد بود و خوابش برای او نماز![1]»

فعّالیت کلاسی

با توجه به حدیث پیامبر ﷺ چند مورد از آثار وضو را بیان کنید.

شرایط وضوی صحیح

کسی که می‌خواهد وضو بگیرد، علاوه بر دانستن شیوهٔ صحیح وضو گرفتن، باید به نکته‌های دیگری نیز توجه کند که شرایط وضوی صحیح نام دارد.
این شرایط عبارت‌اند از:

◆ ۱ **پاک بودن آب وضو:** آبی که با آن وضو می‌گیریم، باید پاک باشد. اگر فراموش کنیم که آبی نجس است یا بعداً متوجه شویم که آن آب نجس بوده است و با همان آب نجس، وضو گرفته باشیم، وضوی ما باطل است.

◆ ۲ **مُطلَق بودن آب وضو:** پیش از توضیح این شرط باید بدانیم که آب‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: مطلق و مضاف.

آب مطلق: به آب خالصی گفته می‌شود که با چیز دیگر آمیخته نشده یا از چیزی گرفته نشده باشد؛ آب باران، آب چشمه‌ها و چاه‌ها، آب رودها، دریاها و آب لوله‌کشی که در خانه‌ها وجود دارد، آب مطلق شمرده می‌شود.

۱ـ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۳ و مستدرک الوسایل، ج ۱، ص ۲۹۷.

آب مضاف: آبی که خالص نیست و آن را از چیز دیگری گرفته‌اند؛ مانند گلاب و آب میوه یا با چیز دیگری مخلوط شده باشد ـ مثل آب نمک غلیظ و آب‌های خیلی گل‌آلود، به‌گونه‌ای که دیگر به آن آب گفته نشود ـ آب مضاف نامیده می‌شود.

وضو گرفتن فقط با آب مطلق صحیح است و ما نمی‌توانیم با آب مضاف، وضو بگیریم.

◆ ۳ **مباح بودن آب و ظرف آن:** آبی که ما با آن وضو می‌گیریم، باید مباح باشد؛ یعنی یا آب برای خودمان باشد یا اگر برای دیگری است، او از وضو گرفتن ما با آب رضایت داشته باشد. بنابراین، استفاده از آب غصبی[1] حرام است و وضو نیز با این آب، باطل خواهد بود. البته وضوگرفتن با آب‌هایی که در مکان‌های عمومی قرار دارند، صحیح است.

◆ ۴ **پاک بودن اعضای وضو:** اگر صورت، دست‌ها، سر یا روی پاها هنگام وضوگرفتن نجس باشند، باید ابتدا نجاست را برطرف کرد، بدن را پاک نمود و سپس وضو گرفت. روشن است اگر اعضای وضو نجس باشند، وضو باطل است.

◆ ۵ **نبودن مانع در اعضا:** هنگام وضو، اگر چیزی مانع رسیدن آب به اعضای وضو شود (مثل چربی کِرِم‌ها که بر دست و صورت باقی می‌ماند، لاک روی ناخن، چسب و رنگ) وضوی ما باطل خواهد بود.

توجه: تمام ناخن‌های دو دست در هنگام وضو باید از لاک و هر مانع دیگری پاک باشند ولی اگر از ناخن‌های پا، یک ناخن بدون لاک باشد و روی آن مسح کشیده شود، وضو صحیح است. اما در هنگام غسل، تمام ناخن‌های دست و پا باید بدون لاک باشند.

◆ ۶ **ترتیب:** واجب است تمام مراحل وضو را به ترتیب انجام دهیم؛ یعنی پس از نیت، ابتدا صورتمان را می‌شوییم؛ سپس دست راست را از بالای آرنج تا نوک انگشتان می‌شوییم و پس از آن دست چپ را نیز به همین صورت می‌شوییم؛ بعد با همان رطوبتی که در کف دست مانده است، سر را مسح و با همان رطوبت، روی پای راست را با دست راست مسح می‌کنیم و روی پای چپ را با دست چپ. اگر مکلف این ترتیب را به هم بزند، وضویش باطل می‌شود.

◆ ۷ **مُوالات:** واجب است کارهای وضو را پشت سرهم انجام دهیم و بین آنها فاصله نیندازیم. اگر بین کارهای وضو به‌قدری فاصله بیندازیم که حالت وضو به هم بخورد، به‌گونه‌ای که بگویند او مشغول کار دیگری شده است؛ مثلاً هنگام وضو گرفتن، کسی با تلفن منزل تماس بگیرد و مشغول صحبت شود، بدون آنکه کارهای وضو را دنبال کند، وضوی او باطل است.

۱ـ به آبی غصبی می‌گویند که صاحب آن راضی نباشد ما از آن استفاده کنیم.

فعّالیت کلاسی

الف) با ذکر دلیل مشخص کنید در کدام‌یک از موارد زیر، وضو صحیح و در کدام‌یک، باطل است.

- آب پاک در اختیار نداریم و به همین دلیل با گلاب وضو می‌گیریم.

.....

- در هنگام سفر، از آب رودخانه وضو می‌گیریم.

.....

- هنگام وضوگرفتن، کسی با تلفن ما تماس بگیرد و ما چند دقیقه‌ای مشغول صحبت با او شویم و بعد از پایان صحبت، وضوی خود را ادامه دهیم.

.....

ب) در حضور معلمتان وضو بگیرید و از او بخواهید اشکالات احتمالی وضوی شما را برطرف کند.

چند مسئلهٔ مهم وضو

اوّل ـ اگر ناخن فرد از حدّ معمول بلندتر باشد، باید چرک زیر آن را برای وضو برطرف کند.

دوم ـ خانم‌ها نباید جایی وضو بگیرند که نامحرم آنان را ببینند؛ مثل حیاط مساجد، هر چند این کار وضو را باطل نمی‌کند.

سوم ـ اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده است نجس شود، وضو صحیح است؛ البته باید آن را برای نماز پاک کند.

چهارم ـ کسی که به دلیل بیماری یا مشکل دیگری نمی‌تواند خودش وضو بگیرد، باید از شخص دیگری بخواهد که او را وضو دهد؛ در این حال، مکلف باید خودش نیت وضو کند و هر کدام از کارهای وضو را هم که می‌تواند، خودش انجام دهد.

پنجم ـ راه رفتن بین وضو اشکالی ندارد. بنابراین، اگر بعد از شستن صورت و دست‌ها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.

ششم ـ اگر بعد از وضو چیزی که مانع رسیدن آب است، در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است.

هفتم ـ در هنگام استفاده از اشیایی مانند گردن‌بند، که نام خدا بر آن است ـ و با بدن تماس دارد ـ باید با وضو بود.

بیشتر بدانیم

غسل

به هنگام واجب شدن غسل[1] بر انسان، غسل ترتیبی[2] را به‌صورت زیر انجام می‌دهیم:

۱ نیت
۲ شستن تمام سر و گردن
۳ شستن نیمهٔ راست بدن
۴ شستن نیمهٔ چپ بدن

تیمم

مواردی وجود دارد که به جای وضو یا غسل، تیمم باید کرد. برخی از این موارد عبارت‌اند از زمان‌هایی که مکلف:

۱ آب در دسترس دارد؛ ولی غصبی، نجس یا خیلی گل‌آلود است.
۲ آب کمی در اختیار دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند، از تشنگی به سختی خواهد افتاد.

فعّالیت کلاسی

به کمک دوستان خود سه مورد دیگر از مواقعی را که باید به جای وضو تیمم کرد، بیان کنید.

۱- .....

۲- .....

۳- .....

۱ـ برای آشنا شدن با عواملی که سبب می‌شود غسل واجب شود به رسالهٔ مراجع، مراجعه کنید و یا از راهنمایی‌های دبیر خود بهره‌مند شوید.
۲ـ غسل را می‌توان به روش ارتماسی نیز انجام داد.

شیوهٔ انجام تیمم

پس از آنکه نیت کردیم، برای خشنودی خداوند و به جای وضو یا غسل تیمم کنیم، مراحل زیر را به ترتیب انجام می‌دهیم:

- کف هر دو دست را با هم روی خاک پاک و یا هر چیز دیگری که تیمم بر آن صحیح است، می‌زنیم.

- دست‌ها را بالای پیشانی می‌گذاریم و آنها را تا روی ابروها و بالای بینی می‌کشیم.

- کف دست چپ را بر پشت دست راست می‌گذاریم و از مچ تا نوک انگشتان می‌کشیم.

- کف دست راست را پشت دست چپ می‌گذاریم و از مچ تا نوک انگشتان می‌کشیم.

برخی از چیزهایی که وضو و تیمم را باطل می‌کند، عبارت‌اند از:

- ۱ خارج شدن ادرار، مدفوع و گازهای روده از بدن
- ۲ به خواب رفتن (به صورتی که چشم نبیند و گوش هم نشنود[۱]).

فعّالیت کلاسی

با همفکری دوستان خود بگویید تیمم علاوه بر خاک، بر چه چیزهای دیگری صحیح است.

خودت را امتحان کن

۱ از شرایط وضوی صحیح، پنج مورد را نام ببرید و توضیح دهید.

۲ سه مورد از مواردی را که مکلف باید برای نماز، تیمم کند، بیان کنید.

۳ شیوهٔ صحیح تیمم‌کردن را به صورت خلاصه، توضیح دهید.

۱ـ علاوه بر این، مبطلات وضو و تیمم، چیزهای دیگری هم هستند که در آینده با آنها آشنا خواهید شد.

الـهـی

دعـای وضـو

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در هنگام وضو گرفتن این دعاها را می‌خواند:

وقتی خواست دست‌ها را بشوید*، خطاب به خداوند عرض کرد:

بِسـمِ اللّـهِ وَ بِاللّـهِ اللّـهُـمَّ اجـعَـلـنی مِـنَ الـتَّـوّابیـنَ وَ اجـعَـلـنی مِـنَ الـمُـتَـطَـهِّـریـنَ

به نام خدا و با یاری خدا، خدایا! مرا از توبه‌کنندگان و پاکان قرار ده.

چون خواست صورت را بشوید، عرض کرد:

اللّـهُمَّ بَـیِّـض وَجـهی یَـومَ تَسوَدُّ فیـهِ الـوُجوهُ وَلا تُـسَـوِّد وَجـهی یَـومَ تَبـیَـضُّ فیـهِ الـوُجوهُ

خدایا! مرا روسفید گردان در آن روزی که چهره‌ها سیاه می‌شوند، و مرا روسیاه مگردان، در آن روز که انسان‌هایی روسفید می‌گردند.

وقتی خواست دست راست را بشوید، عرض کرد:

اللّهُمَّ اَعـطِـنی کـتابی بِـیَـمـیـنی وَالـخُـلـدَ فِی الـجِـنانِ بِـیَـساری وَ حاسِبـنی حِـسابًـا یَـسیـرًا

خدایا! کتاب اعمالم را به دست راستم بده و جاودانگی در بهشت را به دست چپ و در حسابرسی بر من آسان بگیر.

* شستن دست‌ها قبل از شروع وضو مستحب است.

آن‌گاه که دست چپ را می‌شست، گفت:

اللّٰهُمَّ لا تُعطِنی کِتابی بِشِمالی وَلا مِن وَراءِ ظَهری وَلا تَجعَلها مَغلولَةً اِلیٰ عُنُقی وَ اَعوذُ بِكَ مِن مُقَطَّعاتِ النّیرانِ

خدایا! کتاب اعمالم را به دست چپ و از پشت سرم به من مده و دست‌هایم را با زنجیر به گردنم مبند و از پاره‌های آتش عذاب به تو پناه می‌برم.

هنگام مسح سر، عرض کرد:

اللّٰهُمَّ غَشِّنی بِرَحمَتِك وَبَرَکاتِكَ وَ عَفوِكَ

خدایا! مرا در پوشش رحمت و برکت‌ها و گذشت خویش، قرار ده.

هنگام مسح پاها، عرض کرد:

اللّٰهُمَّ ثَبِّت قَدَمیَّ عَلَی الصِّراطِ یَومَ تَزِلُّ فیهِ الاَقدامُ وَاجعَل سَعیی فیما یُرضیكَ عَنّی یا ذَاالجَلالِ وَالاِکرامِ

خدایا! گام‌هایم را بر صراط ثابت و استوار بدار در آن روز که قدم‌ها بر صراط می‌لرزد و تلاش مرا در راه رضای خودت قرار ده. ای صاحب عظمت و بزرگی!

چه زیباست که این دعا را حفظ کنیم و در هنگام وضو بخوانیم تا اقتدایی باشد به پیشوای بزرگمان، امام علی علیه‌السلام.

درس هفتم

احکام نماز[1]

ما هریک از دوستانمان را تا اندازه‌ای دوست داریم؛ یکی را کم و یکی را بیشتر. هرقدر دوستی بین دو نفر عمیق‌تر باشد، یاد دوست تداوم بیشتری می‌یابد و به آنجا می‌رسد که انسان همواره به یاد دوست است؛ همین تکرار یاد دوست سبب تقویت دوستی و استحکام آن می‌گردد.

یاد خدا هم نشانهٔ دوستی و محبت ما به خداست و به راستی چه دوستی بهتر از خالقی که خود را دوستدار ما نامیده است.

یاد خدا، همچنین احساس حضور او در زندگی را افزایش می‌دهد و هنگامی که انسان حضور خداوند را در زندگی حس کرد و او را حاضر و ناظر بر خود یافت، می‌کوشد که در حضور او ادب را رعایت کند و کارهایی را انجام دهد که او می‌پسندد و از آنچه او را ناخشنود می‌کند، دوری نماید.

نماز، نمونهٔ کامل چنین امری است. هریک از ما، حداقل پنج نوبت در شبانه‌روز به پیشگاه خدا نماز می‌گزاریم و یاد او را در دل تقویت می‌کنیم.

در نماز خداوند را «تسبیح» می‌گوییم و او را از هر بدی و زشتی منزّه می‌داریم.

در نماز خداوند را «حمد» می‌کنیم و همهٔ خوبی‌ها و زیبایی‌هایش را می‌ستاییم.

نماز، زیباترین شکل «شکرگزاری» از خداست. تمام نعمت‌هایی را که در زندگی داریم، او به ما عنایت کرده و ما با انجام نماز، شکر آن نعمت‌ها را به جا می‌آوریم و او را سپاس می‌گوییم.

همچنین نماز، یکی از بهترین راه‌های تقویت «ایمان» در قلب آدمی است. پس خوشا به حال آنان که با به پاداشتن نماز، به دعوت دوستی خدا، لبیک می‌گویند.

۱ـ همکار گرامی، این درس برای آشنایی دانش‌آموزان با برخی از احکام نماز نگاشته شده است و هدف، حفظ واژه‌ها و طرح سؤالات پیچیده و معماگونه نیست.

فعّالیت کلاسی

با توجه به شعر زیر، بگویید که سعدی در این شعر چه چیز را شرط آدمیت دانسته است؟

دوش مرغی به صبح می‌نالید — عقل و صبرم ببُرد و طاقت و هوش
یکی از دوستان مخلص را — مگر آواز من رسید به گوش
گفت باور نداشتم که تو را — بانگ مرغی چنین کند مدهوش
گفتم این شرط آدمیت نیست — مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش

در سال‌های گذشته با برخی از احکام و آداب نماز آشنا شدیم و دانستیم که نمازی که با رعایت آداب و احکام آن خوانده شود، علاوه بر جلب خشنودی خداوند، تأثیر بسیاری بر روح و روان انسان خواهد گذاشت.

ما در این درس احکام دیگری را بیان می کنیم که بی توجهی به آنها باعث باطل شدن نماز می‌شود.

مُبطِلات نماز

می‌دانید چه کارهایی نماز را باطل می‌کند؟ بنا بر فتوای مراجع تقلید، مبطلات نماز دوازده چیز است که به صورت خلاصه به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم:

♦ ۱ | **ازبین رفتن یکی از شرایط نماز:** در سال گذشته با برخی از شرایط نماز آشنا شدیم. پاک‌بودن لباس و بدن نمازگزار، وضو داشتن و همچنین غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار از آن شرایط بود. اگر نمازگزار در بین نماز متوجه شود که یکی از این شرایط از بین رفته است؛ مثلاً یادش بیاید وضو نگرفته است یا مکانی که در آن نماز می خواند غصبی است، نمازش باطل است.

♦ ۲ | **باطل شدن وضو:** اگر وضوی نمازگزار باطل شود، نماز نیز باطل خواهد شد.

♦ ۳ | **روی برگرداندن از قبله:** اگر نمازگزار در حال نماز صورت خود را از قبله به طرف چپ یا راست بگرداند (به اندازه‌ای که دیگر رو به قبله به حساب نیاید) نمازش باطل است و فرقی بین عمدی و یا سهوی[1] بودن این کار نیست.

۱ـ کاری که از روی فراموشی و بی‌توجهی از انسان سر می‌زند.

♦ ۴ **خندیدن با صدای بلند (قهقهه):** خندهٔ بلند، در صورتی که عمدی باشد، نماز را باطل می‌کند. بنابراین، لبخند زدن یا خندهٔ با صدا که عمدی نباشد، نماز را باطل نمی‌کند.

♦ ۵ **حرف زدن بین نماز:** اگر نمازگزار بین نماز عمداً سخن بگوید، حتی اگر یک کلمه هم باشد (مثلاً بگوید آخ)، نمازش باطل خواهد شد، ولی اگر بدون توجه و از روی فراموشی بین نماز چیزی بگوید، نمازش صحیح است و باید دو سجده سهو به جا بیاورد.[۱]

♦ ۶ **به‌هم زدن صورت نماز:** اگر نمازگزار بین نماز، کاری انجام دهد که حالت نماز را به‌هم بزند، مثلاً دست بزند یا به هوا بپرد، نمازش باطل می‌شود و فرقی ندارد که این کارش کم باشد یا زیاد، عمدی باشد یا سهوی. البته کارهایی که صورت و حالت نماز را به هم نمی‌زند، مثل اشاره کردن با دست، نماز را باطل نمی‌کند.

♦ ۷ **خوردن و آشامیدن:** خوردن و آشامیدن باعث باطل شدن نماز می‌شود؛ اما اگر نمازگزار ذره‌های ریز غذا یا چیزهای دیگر را که در دهان دارد، بین نماز قورت دهد، نمازش صحیح است.

♦ ۸ **کم و زیاد کردن ارکان و واجبات نماز:** ما در سال‌های پیش با ارکان و واجبات نماز آشنا شدیم. اگر نمازگزار عمداً یا سهواً یکی از ارکان نماز مانند رکوع را کم یا زیاد کند، نمازش باطل می‌شود. البته کم یا زیاد کردن بقیهٔ واجبات نماز، به جز ارکان، تنها وقتی نماز را باطل می‌کند که عمدی باشد.

♦ ۹ **شک کردن در رکعت‌های نماز دو یا سه رکعتی:** اگر نمازگزار در حالی که نماز دو یا سه رکعتی می‌خواند، شک کند که در رکعت چندم نماز است و با کمی فکر و تأمل نیز شک او برطرف نشود، نمازش باطل می‌شود و همچنین اگر در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی هم شک کند، نمازش باطل می‌شود.[۲]

چند مسئلهٔ مهم دربارهٔ نماز

♦ اگر نمازگزار ذکرهای نمازش را آن‌قدر تند و با عجله بگوید که تلفظ آنها صحیح نباشد، نمازش باطل می‌شود.

♦ اگر ذکرهای واجب نماز را در حال حرکت بگوید؛ مثلاً بخشی از ذکر رکوع را در حالی بگوید که دارد از رکوع برمی‌خیزد، نمازش باطل می‌شود.

۱ـ سجدهٔ سهو این‌گونه انجام می‌شود: بلافاصله بعد از نماز، نیت «سجدهٔ سهو» می‌کنیم و به سجده می‌رویم و می‌گوییم «بِسمِ اللهِ و بِاللهِ السّلامُ علیک اَیُّها النَّبِیُّ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُه»؛ سپس سر از سجده برمی‌داریم و می‌نشینیم دوباره به سجده رفته و همان ذکر را می‌گوییم و بعد از آنکه سر از سجده برداشتیم تشهد می‌خوانیم و سلام می‌دهیم.

۲ـ برای آشنایی با سایر مبطلات نماز به رسالهٔ مرجع تقلید خود مراجعه نمایید.

♦ نمازگزار نباید در حال نماز به دیگران سلام کند، ولی اگر دیگران به او سلام کنند، باید جواب سلام آنها را در حال نماز بدهد. البته به سلام غلطی که سلام به حساب نمی‌آید یا از روی تمسخر انجام می‌شود، نباید پاسخ داد.

♦ سرفه، عطسه و خمیازه کشیدن نماز را باطل نمی‌کند.

♦ اگر نمازگزار بعد از نماز شک کند که هنگام نماز، کاری که نماز را باطل می‌کند، انجام داده است یا نه، نمازش صحیح است.

♦ گریه کردن برای آمرزش گناهان در حال نماز، چه آهسته باشد و چه با صدای بلند، عمل پسندیده‌ای است.

♦ شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است؛ ولی برای جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی اشکالی ندارد.

فعّالیت کلاسی

در هر یک از موارد زیر آیا نماز نمازگزار، صحیح است یا خیر؟

۱ خیلی عجله دارد و به همین دلیل بعضی از ذکرهای نماز را در حال حرکت می‌گوید.

---

۲ وسط اتاق نماز می‌خواند، به‌طوری که برادر کوچکش محکم با سه‌چرخه به پایش می‌کوبد! او هم بی‌اختیار فریاد می‌زند: آخ! و بعد از کمی سکوت، نمازش را ادامه می‌دهد و بعد از پایان نماز هم دو سجده سهو انجام می‌دهد.

---

۳ مشغول خواندن حمد و سوره است که ناگهان صدای بلندی می‌شنود، بی‌اختیار برمی‌گردد و به پشت سرش نگاه می‌کند. سپس خیلی زود رو به قبله برمی‌گردد و بقیهٔ حمد و سوره‌اش را می‌خواند.

---

۴ در حالی‌که در مقابل تلویزیون نماز می‌خواند، خواهرزاده کوچکش تلویزیون را روشن می‌کند. با دیدن یکی از صحنه‌های فیلم خنده‌اش می‌گیرد، ولی با تلاش فراوان خودش را کنترل می‌کند و فقط آرام می‌خندد.

۵ در بین نماز، گوشی تلفن همراهش زنگ می‌زند؛ بدون اینکه ذکر بگوید، آن را از جیبش درمی‌آورد و خاموش می‌کند و نمازش را ادامه می‌دهد.

خودت را امتحان کن

۱ پنج مورد از مبطلات نماز را نام ببرید.

۲ در چه زمانی انسان می‌تواند جواب سلام کسی را که در نماز به او سلام کرده است، ندهد؟

۳ اگر نمازگزار در نماز مغرب شک کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت، نمازش چه حکمی دارد؟

بیشتر بدانیم

چند حدیث دربارهٔ نماز

- **امام علی** علیه‌السلام: نماز قلعهٔ خدای مهربان و وسیله‌ای برای دور کردن شیطان است.[1]

- **امام علی** علیه‌السلام: هنگامی که انسان به نماز بایستد، به خاطر رحمت خداوند، که او را فرا گرفته است، شیطان با حسادت به او می‌نگرد.[2]

۱ـ غررالحکم، ج ۲، ص ۱۶۶.
۲ـ خصال، ۱۰/۶۳۲.

الـهـی

دعای بعد از نماز

خداوندا! این نمازی بود که به درگاه تو گزاردم

نه به خاطر آنکه تو نیازمند آن هستی

و یا رغبت و تمایلی به آن داری

بلکه برای بزرگداشت و طاعت تو

و پذیرش آن چیزی که مرا به آن فرمان دادی

خداوندا! اگر در نماز من

کژی و کاستی دیدی،

چه در رکوع آن

و چه در سجود آن ،

مرا مؤاخذه نکن

و با پذیرفتن نماز من و مغفرت خویش

مرا مشمول فضل خود قرار ده.

مفاتیح الجنان، تعقیبات مشترک نماز

در سال‌های گذشته در فصل اخلاق کتاب‌های پیام‌های آسمان با این موضوعات آشنا شدیم:

- سال هفتم: نقش مثبت حیا و حجاب در زندگی **(نشان عزت)**، اهمیت علم در زندگی و نقش آن در ارتقای جایگاه مسلمانان **(بر بال فرشتگان)**، معیارهای انتخاب دوست خوب **(کمال همنشین)**، و شناخت دو صفت عجله و تنبلی و راهکارهای درمان آنها **(مزدوران شیطان)**.
- سال هشتم: بررسی راه‌های دست یافتن به زندگی آرام با حفظ حیا و حجاب **(نشان ارزشمندی)**، شناخت آفت‌های اسراف، مصرف‌گرایی و مدگرایی در زندگی و راه‌های پرهیز از آنها **(تدبیر زندگانی)**، آشنایی با دو سرمایهٔ عمر و تفکر در زندگی و نقش آنها در رستگاری انسان **(دو سرمایهٔ گران‌بها)**، شناخت سه بیماری مهم زبان؛ دروغ، غیبت و ناسزا و راه‌های درمان آنها **(آفت‌های زبان)**، جایگاه کار در اسلام و نقش روزی حلال در زندگی **(ارزش کار)**، و آشنایی با آداب دعا و شیوهٔ استفاده از آن برای یاری گرفتن از خداوند **(کلید گنج‌ها)**.

امسال با یکی دیگر از موضوعات اخلاقی آشنا می‌شویم:

- درس هشتم **(همدلی و همراهی)**: ما را با ویژگی‌های دوستان خوب آشنا می‌کند. ویژگی‌هایی مانند دانایی و خردمندی، خیرخواهی و دوری از گناهان. همچنین وظایف خودمان نسبت به دوست را نیز در این درس فرا می‌گیریم.

فصل چهارم

اخلاق

درس هشتم

همدلی و همراهی

- نزدیک‌تر از خویشاوند[1]،
- پاره‌ای از آتش[2]،
- برترین اندوخته و سرمایه[3]،
- ترسناک‌تر از هرچیز[4]،
- عامل زنده شدن روح و روان انسان[5]
- شمشیری زیبا اما زهرآلود[6]

به نظر شما توصیف‌های ستون اوّل دربارهٔ چه چیز یا چه کسی است؟
توصیف‌های ستون دوم چه؟
به نظر شما ممکن است توصیف‌های هر دو ستون دربارهٔ یک چیز یا یک شخص باشد؟
همهٔ این توصیف‌هایی که خواندید، ویژگی‌هایی است که در روایات به دوست و همنشین نسبت داده شده است.

فعّالیت کلاسی

به‌نظر شما چگونه ممکن است که دوست انسان از یک‌سو به عنوان برترین اندوخته و سرمایه معرفی شود و از سوی دیگر به عنوان پاره‌ای از آتش؟

۱ـ امام علی علیه‌السلام غررالحکم، ج ۱، ص ۱۴، ح ۳۳.
۲ـ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، کنزالعمال، ـ ۲۴۸۵۵.
۳ـ امام علی علیه‌السلام غررالحکم، ۱۶۶۵.
۴ـ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۷.
۵ـ امام علی علیه‌السلام، غررالحکم، ۵۸۴۲.
۶ـ امام جواد علیه‌السلام، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸.

انتخاب سرنوشت‌ساز

انتخاب دوست در دوران نوجوانی، اهمیت و حساسیت بالایی دارد. این اهمیت به دو دلیل است؛ اول اینکه در سنین بلوغ، عواطف انسانی در حال رشد و شکوفایی است و برقراری پیوند دوستی در این دوران به این شکوفایی کمک می‌کند و باعث پرورش عواطف نوع‌دوستی و محبت‌ورزی می‌شود. دوم اینکه وقتی علاقهٔ قلبی بین دو دوست ایجاد می‌شود، آن دو، از صفات و حالات همدیگر تأثیر می‌پذیرند. میزان این اثرپذیری در دوران نوجوانی بسیار بالا و گاه به حدی است که شخص می‌کوشد مانند دوست خود حرف بزند و مثل او انتخاب و زندگی کند. البته این اثرپذیری بسیار آرام و تدریجی است؛ به گونه‌ای که گاه حتی خود انسان نیز متوجه آن نمی‌شود و به مرور به همرنگی کامل با دوستانش می‌انجامد.

امام علی علیه‌السلام دربارهٔ این اثرپذیری می‌فرماید:

از دوستی با افراد فاسد بپرهیز که وجودت ناخودآگاه، ناپاکی و بدی را از آنان می‌رباید؛ درحالی‌که تو از آن بی‌خبری.[1]

فعّالیت کلاسی

شاید شما نمونه‌هایی از این اثرپذیری تدریجی را از دوستان پیرامون خود دیده باشید. این نمونه‌ها را برای دوستان خود بیان کنید.

بهترین دوست

دوستان شما چه کسانی هستند؟ آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید چرا آنها را به عنوان دوست خود انتخاب کرده‌اید؟ معیار و ملاک شما برای انتخاب آنان چه بوده است؟ آیا می‌توان با یک برخورد اتفاقی یا بر اساس ظاهر افراد آنان را برای دوستی انتخاب کرد؟

۱ـ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸.

بالا بودن میزان تأثیری که دوستان بر اخلاق و رفتار ما می‌گذارند، اهمیت دقت در انتخاب دوستان را به خوبی آشکار می‌کند. پس شایسته است دوستان خود را با معیارهایی انتخاب کنیم که در نهایت باعث رشد و پیشرفت اخلاقی و فکری ما شود. با برخی از این معیارها در کتاب سال هفتم آشنا شدیم؛ مواردی همچون اهل نماز و نیکی بودن، صداقت و راست‌گویی و وفای به عهد. این بار نیز با مراجعه به قرآن کریم و سخنان پیشوایان، با برخی ویژگی‌های دیگر دوست خوب آشنا می‌شویم. با تفکر در کلمات این راهنمایان درمی‌یابیم دوست واقعی آن کسی است که:

۱ | اهل فکر و اندیشه باشد[۱]

یکی از معیارهای مهم در انتخاب دوست این است که شخصی را که به دوستی انتخاب می‌کنیم، عاقل باشد. دوست خردمند و دوراندیش، ما را در گرفتن تصمیمات درست، کمک می‌کند و خطر قرارگرفتن در مسیرهای نامناسب را از ما دور می‌کند. چنین دوستی، بدون فکر و اندیشه راهی را پیش‌پای دوست خود نمی‌گذارد و اگر خودش نیز نتواند دوستش را راهنمایی کند، او را به سمت مشورت با افراد آگاه و مطلع سوق می‌دهد.

از سوی دیگر، دوستی با افراد نادان؛ یعنی کسانی که کارهای خود را نه بر اساس فکر و اندیشه بلکه بر مبنای احساسات و هیجانات زودگذر انجام می‌دهند، ضررهای زیادی برای ما به همراه دارد. این افراد با دادن مشورت‌های غلط و نادرست به دوستان خود، زمینه‌های انحراف و لغزش آنان را فراهم می‌آورند.

برای همین، در روایات توصیه شده است که از دوستی با فرد نادان پرهیز کنید؛ زیرا او می‌خواهد که به نفع شما قدمی بردارد؛ ولی به علت نادانی، مایهٔ زیان و ضرر شما می‌شود[۲].

دوستی با مردم دانا نکوست　　دشمن دانا به از نادان دوست
دشمن دانا بلندت می‌کند　　بر زمینت می‌زند نادان دوست[۳]

۲ | اهل گناه نباشد و از گناه دیگران نیز ناراحت شود[۴]

دوری کردن از گناهان و آلودگی‌های اخلاقی یکی دیگر از ویژگی‌های مهم دوست خوب است. متأسفانه برخی انسان‌ها به گناه و زشتی و بی‌بندوباری عادت کرده‌اند و با هرکس دیگر که دوست شوند، او را نیز تحت تأثیر خلق‌وخوی ناشایست خود قرار می‌دهند. به‌همین دلیل حضرت علی علیه‌السلام دوستی با این‌گونه افراد را به شدت منع کرده است:

۱ـ سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۹۹؛ و امام علی علیه‌السلام، کافی، ج ۴، ص ۸۵.
۲ـ امام علی علیه‌السلام، نهج البلاغه، حکمت ۲۹۳.
۳ـ سعدی.
۴ـ امام علی علیه‌السلام، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۸۴.

«سزاوار و شایسته نیست که مسلمان با افراد بی‌بندوبار رفاقت کند زیرا او کارهای زشت خود را زیبا جلوه می‌دهد و دوست دارد که دوستش همرنگ او باشد[1].»

پس هرگاه دیدید که دوستتان به راحتی گناهان خود را برای شما تعریف می‌کند و شما را نیز به انجام آن یا همراهی با خود دعوت می‌کند، یا اگر دیدید وقتی اشتباه یا گناهی مرتکب می‌شوید، دوستتان با خنده از کنار شما می‌گذرد و حتی شما را به ادامهٔ آن کار تشویق می‌کند، باید بدانید که وی دوست مناسبی نیست. این افراد در روایات به شمشیری زهرآلود تشبیه شده‌اند که اگرچه ظاهرشان براق و زیباست؛ اما بسیار خطرناک‌اند[2].

چون بسی ابلیسِ آدم روی هست　　پس به هر دستی نشاید داد دست[3]

۳ | خیرخواه دوستانش باشد[4]

دوستان واقعی، خیر یکدیگر را می‌خواهند. برای همین هر عیبی که از دوستشان ببینند، پنهانی به او تذکر می‌دهند و دوستشان را در برطرف کردن این عیوب یاری می‌کنند، گرچه در این میان ممکن است طرف مقابل متوجه خیرخواهی دوستش نباشد و از این کار ناراحت شود.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«محبوب‌ترین دوستانم نزد من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه دهد».[5]

ویژگی‌هایی که بیان شد، می‌تواند معیار مناسبی برای انتخاب دوستان باشد. کسانی که به این ویژگی‌ها توجه نکردند و با اهمیت دادن به جنبه‌های مادی و ظاهری با هرکسی که سر راهشان قرار گرفت، دوست شدند، سرنوشت خوبی در این دنیا پیدا نکردند. این افراد در آخرت نیز چیزی جز حسرت و پشیمانی به همراه نخواهند داشت.

۱ـ کافی، ج۴، ص۴۵۴.
۲ـ بحارالانوار، ج۷۴، ص۱۹۸.
۳ـ مولوی، مثنوی معنوی.
۴ـ امالی صدوق، ص ۳۹۷.
۵ـ کافی، ج۲، ص۶۳۹.

وَيَومَ يَعَضُّ الظّالِمُ عَلى يَدَيهِ يَقولُ يا لَيتَنِي اتَّخَذتُ مَعَ الرَّسولِ سَبيلاً يا وَيلَتىٰ لَيتَنى لَم اَتَّخِذ فُلانًا خَليلاً لَقَد اَضَلَّنى عَنِ الذِّكرِ بَعدَ اِذ جاءَنى[1]

و روزی که ظالم دو دست خویش را با دندان می‌گزد و می‌گوید ای کاش با پیامبر [و دین او] همراه می‌شدم. وای بر من، کاش فلان شخص را به عنوان دوست خود انتخاب نمی‌کردم، او مرا از یاد خدا گمراه کرد، پس از آنکه آن [یادخدا] به من رسیده بود.

فعّالیت کلاسی

فرهاد به همراه خانوادهٔ خود به یک محلهٔ جدید آمد. او در این محل با یکی از هم‌سن و سالان خود، که در همسایگی‌شان بود، دوست شد؛ اما با گذشت زمان، رفتارهایی از او دید که متوجه شد که وی دوست مناسبی نیست. فرهاد اکنون بر سر یک دوراهی است؛ از یک سو نمی‌خواهد به دوستی خود با او ادامه دهد و از سوی دیگر نمی‌داند که چگونه می‌تواند به این دوستی نامناسب پایان دهد. شما چه پیشنهادهایی به او می‌دهید؟

پیشتر بدانیم

دوستی به رنگ سراب

برخی برای دوستی با دیگران معیار مشخص و مناسبی ندارند و هنگامی که از آنها می‌پرسی چرا با این فرد دوست شدید؟ می‌گویند چون ظاهر جذابی داشت یا شیفته حرف‌هایش شدم؛ برخی‌ها حتی وضعیت مالی افراد را سبب دوستی با آنها معرفی می‌کنند. حدس بزنید که این‌گونه دوستی‌ها چه نتایجی می‌تواند داشته باشد.

وقتی کسی را دوست می‌داریم، محبت ما نمی‌گذارد خطاها و نقاط ضعف او را به خوبی ببینیم و به همین دلیل به راحتی به او اعتماد می‌کنیم. پیامبر اکرم ﷺ دربارهٔ این حالت انسان می‌فرماید:

دوست داشتن هر چیز، تو را نسبت به عیب های آن کور و کر می‌کند[2].

۱ـ سورهٔ فرقان، آیات ۲۸ و ۲۹.
۲ـ من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص ۳۸۰.

صفحات حوادث روزنامه‌ها و مجلّات، انباشته از سرگذشت کسانی است که با ملاک‌های ظاهری به دیگران علاقه‌مند می‌شوند و سپس به خاطر محبت و اعتمادی که به آنها دارند، طبق خواسته‌های آنان رفتار می‌کنند. این افراد به راحتی فریب می‌خورند و مورد سوءاستفادهٔ کسانی قرار می‌گیرند که با حرف‌ها و ظاهری آراسته، خود را در قلب آنان جای داده بودند.

اشکال دیگر این دوستی‌ها ناپایداری آنهاست. به نظر شما شخصی که تنها به خاطر ظاهر کسی به او علاقه‌مند می‌شود، تا چه زمانی می‌تواند به این دوستی ادامه دهد؟ همین که این شخص، فردی با ظاهر زیباتر ببیند دوست قبلی خود را فراموش می‌کند و دلباخته بعدی می‌شود. اکنون باید پرسید که تکلیف دوستی قبلی چیست و این قطع ناگهانی دوستی بر روحیه افراد چه تأثیری خواهد گذاشت؟ پاسخ آن همه اعتماد و روزها و ساعت‌های تلف شده را چه کسی خواهد داد؟!

حدود و وظایف دوستی

حفظ دوستی از پیدا کردن دوست مشکل‌تر است. پایداری رابطهٔ دوستی و رسیدن به ثمرات و نتایج آن بستگی به رعایت برخی از حدود و انجام وظایف متقابل دارد.

برخی از این حدود و وظایف عبارت‌اند از:

◆ **۱ || احترام به دوست:** اگرچه بین دوستان نزدیک باید صمیمیت حکم‌فرما باشد؛ اما در هر حال باید به شخصیت همدیگر احترام گذارند و از محدودهٔ ادب و اخلاق خارج نشوند. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

به اتکای رابطهٔ صمیمانه و دوستانه، حق برادرت را ضایع مکن؛ زیرا این عمل رابطهٔ دوستی را از بین می‌برد و کسی که حقش را ضایع ساخته‌ای، دیگر دوست تو نخواهد ماند[1].

نام ناپسند نهادن، مسخره کردن، شوخی‌های آزاردهنده، استفادهٔ بیش از حد و بدون اجازه از وسایل دوستان، از مواردی است که پیوند دوستی را سست می‌کند.

◆ **۲ | میانه‌روی در دوستی:** لازمهٔ دوستی پایدار، رعایت میانه‌روی است. گاه شیفتگی فوق‌العاده به دوست باعث می‌شود که حدود دوستی رعایت نشود و همین مسئله مشکلاتی را برای ما به‌وجود می‌آورد.

۱ـ نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.

میانه‌روی در دوستی را باید در چند مورد به خوبی رعایت کرد:

الف) پرهیز از گفتن تمامی اسرار به دوست: در عین اعتماد به دوست، نباید همهٔ اسرار زندگی خود را به او بگوییم. چه بسیار اتفاق افتاده است که دوستی‌ها به هم می‌خورد و افراد به افشای اسرار دوست خود اقدام می‌کنند. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

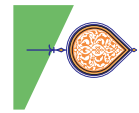

محبت خود را نثار دوست کن، و در عین حال به‌طور مطلق به او اعتماد مکن. همان‌گونه که می‌خواهی با تو رفتار نماید با او رفتار کن، اما همهٔ اسرارت را با او در میان مگذار[1].

ب) نداشتن توقع بی‌جا از دوست: نباید انتظار داشته باشیم دوست ما هرگونه خواستهٔ ما را برآورده سازد و یا همواره برای ما فداکاری کند و به خاطر ما از همه چیز خود بگذرد. برخی از افراد، توقع ایثار و فداکاری یک‌طرفه از دوست خود دارند؛ تا جایی که انتظار دارند در هر امر باطل و ناحقی هم از آنان حمایت کند. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

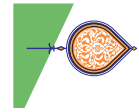

کسی که از دوست خود جز فداکاری انتظار ندارد، همواره [از او] خشمگین و ناراحت است.[2]

ج) پرهیز از علاقهٔ افراطی: دوستی‌های دوران نوجوانی، ممکن است به سرعت به علاقه‌های بسیار شدیدی تبدیل شود. این نوع علاقه‌های افراطی موجب اضطراب و پریشانی خاطر می‌شود و آرامش زندگی انسان را برهم می‌زند؛ زیرا فرد همواره نگران از دست دادن دوست خود یا دور شدن از اوست.

فعّالیت کلاسی

به نظر شما چگونه می‌توان از ایجاد دلبستگی‌ها و علاقه‌های افراطی در دوستی‌ها جلوگیری کرد؟ و اگر کسی دچار این اشتباه شود، چگونه می‌تواند خود را از این وابستگی نجات دهد؟

۱ـ میزان‌الحکمه، ج۲، ص ۱۵۹۰.
۲ـ غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۴۱۲.

من و تنهایی!

حتماً دل تو نیز گاهی گرفته است و در آن لحظه دوست داشته‌ای با کسی درددل کنی، با دوستی که بی‌منت پای درددل‌هایت بنشیند و تو و غصه‌هایت را درک کند؛ اما در آن لحظه چنین دوستی را نیافته‌ای و از ته دل آهی کشیده‌ای و گفته‌ای: من چقدر تنهایم! در چنین لحظاتی چه می‌کنی؟

اگرچه برخی این نوع تنهایی را مجوّزی می‌دانند تا سراغ دوستی‌هایی بروند که با معیارهای گفته‌شده همخوانی ندارد؛ اما هستند کسانی که در لحظات دلتنگی به یاد دوستی می‌افتند که از هرکسی به آنان نزدیک‌تر است؛ دوستی که همیشه همراهشان است. کسی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله این‌گونه با او سخن می‌گفت:

یا حَبیبَ مَن لا حبیبَ لَه؛ ای دوستِ آن‌که دوستی ندارد

یا شَفیقَ مَن لا شَفیقَ لَه؛ ای دلسوزِ آن‌که دلسوزی ندارد

یا رَفیقَ مَن لا رَفیقَ لَه؛ ای رفیقِ آن‌که رفیقی ندارد

یا أنیسَ مَن لا أنیسَ لَه؛ ای مونس و همدمِ آن که همدمی ندارد[1].

و امام حسین علیه‌السلام این‌گونه با او نجوا می‌کرد:

یا عُدَّتی فی شِدَّتی؛ ای تکیه‌گاه من در سختی‌هایم

یا صاحبی فی وَحدَتی؛ ای همدم من در تنهایی‌ام

یا غیاثی فی کربتی؛ ای فریادرس من در سختی‌هایم[2]

شما هم حرف‌هایتان را به او بزنید؛ با او درد دل کنید؛ از غم‌ها و غصه‌ها و خواسته‌هایتان به او بگویید و سپس به صدای قلب خود گوش کنید! ببینید چه آرام شده است! آرامشی که تاکنون از صحبت با هیچ کس به دست نیامده بود. این بخشی از پاسخ خدا به درددل‌های شماست. البته او پاسخ‌های دیگری نیز برایتان دارد!

۱ـ فرازی از دعای جوشن کبیر

۲ـ فرازی از دعای عرفه

دوستی در فضای مجازی

یکی از محیط‌هایی که از سوی برخی از نوجوانان و جوانان به‌عنوان مکانی برای دوست‌یابی انتخاب می‌شود، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی است. اما آیا در این نوع دوست‌یابی‌ها می‌توان به صداقت یا خیرخواهی طرف مقابل و یا ملاک‌های دیگری که باید در انتخاب دوست به آن توجه کرد، پی برد؟ ممکن است برخی بگویند که ما فقط برای سرگرمی و وقت‌گذرانی سراغ این‌گونه دوستی‌ها می‌رویم؛ اما بهتر است توجه داشته باشیم که پس از مدتی این ارتباطات عمیق‌تر می‌شود و حتی شکل احساسی نیز به خود می‌گیرد و همین باعث می‌شود که بین طرفین دلبستگی به‌وجود آید؛ دلبستگی‌هایی که در بسیاری از موارد پایان خوبی ندارد.

از سوی دیگر از آنجا که این ارتباطات در فضایی مجازی رخ می‌دهد، امکان هویت‌سازی جعلی نیز وجود دارد. یعنی افراد می‌توانند با ساختن هویت دروغین به معرفی خود به دیگران بپردازند. از همین جهت میزان سوءاستفاده در این فضا به مراتب بیشتر از فضای واقعی است. بارها اتفاق افتاده که بسیاری از دختران و پسران جوان در دام افرادی افتاده‌اند که به دنبال سوءاستفاده از آنان بوده‌اند.

علاوه بر این، تجربه نشان داده که این‌گونه ارتباطات در بسیاری از مواقع باعث آسیب دیدن عواطف، کاهش تدریجی شرم و حیا و در نهایت افسردگی می‌شود.

می‌دانید چرا؟

خودت را امتحان کن

۱ چرا انتخاب دوست در دوران نوجوانی از اهمیت بسیاری برخوردار است؟

۲ چرا در روایات به دوری از دوستی با افراد نادان سفارش شده است؟

۳ دو مورد از کارهایی را بیان کنید که برای میانه‌روی در دوستی‌هایمان باید انجام دهیم.

۴ با توجه به آیات ۲۸ و ۲۹ سورهٔ فرقان، حال و روز کسانی را که در دنیا، دوستان خوبی انتخاب نکرده‌اند، بیان کنید.

۵ هم‌نشین بد در روایات به چه چیزهایی تشبیه شده است؟

پیشـــنهاد

در اشعار و ضرب‌المثل‌های ما مطالب فراوانی دربارهٔ دوست هست. چند نمونه از آنها را پیدا کنید و در کلاس بخوانید.

الـهـی

ای آرزوی دل مشتاقان
و ای والاترین درخواست دوست داران؛
از تو محبتت را می خواهم
و محبت آنان که تو را دوست دارند
و از تو محبت هر عملی را می خواهم که مرا به تو نزدیک کند.
خداوندا!
خودت را از هرچه غیر توست، نزد من محبوب‌تر کن
و محبتی را که به تو دارم، مایهٔ رسیدنم به خوشنودیت قرار ده
الهی
به چشم لطف و محبتت به من بنگر
و از من روی مگردان
و مرا از اهل سعادت قرار ده؛ ای مهربان‌ترین مهربانان

بخشی از مناجات محبین امام سجاد علیه‌السلام

سال گذشته در فصل جامعه اسلامی کتاب هشتم، در درس «**ما مسلمانان**»، دانستیم که وظایف مسلمانان نسبت به یکدیگر چیست. همچنین در درس «**حق‌الناس**» دانستیم که رعایت حقوق دیگران تا چه میزان در رسیدن به رستگاری و بهشت الهی تأثیر دارد.
امسال در همین فصل با این مباحث آشنا می‌شویم :

- درس نهم (**انقلاب اسلامی ایران**) : انقلاب اسلامی ایران موجب عزت و سربلندی ملت ایران در میان تمامی مسلمانان جهان شده است. در این درس با ثمرات و برکات انقلاب اسلامی آشنا می‌شویم. همچنین می‌آموزیم که دشمنان انقلاب اسلامی چه نقشه‌های خطرناکی برای انحراف یا نابودی انقلاب اسلامی طراحی و اجرا می‌کنند و چگونه می‌توان در برابر این نقشه‌ها ایستادگی و با آنها مقابله کرد.
- درس دهم (**مسئولیت همگانی**) : در این درس می‌آموزیم که ما نسبت به کارها و رفتارهای دیگران در جامعه مسئولیم و باید تلاش کنیم در جامعه کار زشت و منکری انجام نشود و کارهای خیر و معروف نیز رواج یابد. در این درس، با اهمیت یکی از احکام اساسی دین؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر آشنا می‌شویم.
- درس یازدهم (**انفاق**) : انفاق یکی از مسئولیت‌های اقتصادی مسلمانان در جامعه است؛ انفاق یا اعطای بخشی از اموال در راه خداوند در قالب‌های زکات، خمس، صدقه و وقف صورت می‌گیرد که در این درس با آنها آشنا می‌شویم.
- درس دوازدهم (**جهاد**) : جهاد در راه خداوند یکی از توفیقات بزرگی است که برای برخی از انسان‌ها فراهم می‌شود. در این درس با جایگاه جهاد در راه خدا و مبارزه با دشمنان اسلام و انواع جهاد آشنا می‌شویم.

فصل پنجم

جامعه اسلامی

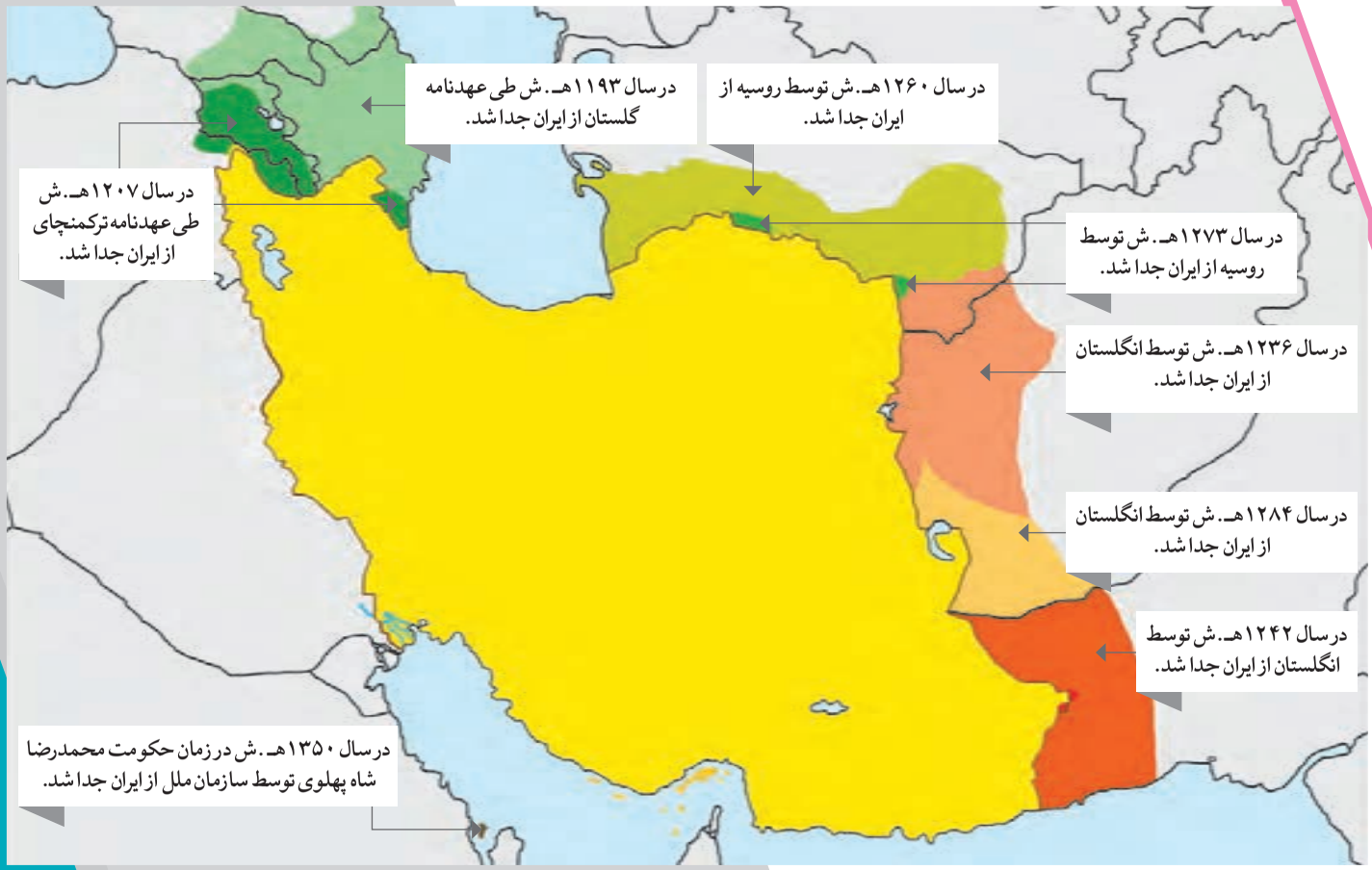
در سال ۱۱۹۳ هـ. ش طی عهدنامه گلستان از ایران جدا شد.
در سال ۱۲۶۰ هـ. ش توسط روسیه از ایران جدا شد.
در سال ۱۲۰۷ هـ. ش طی عهدنامه ترکمنچای از ایران جدا شد.
در سال ۱۲۷۳ هـ. ش توسط روسیه از ایران جدا شد.
در سال ۱۲۳۶ هـ. ش توسط انگلستان از ایران جدا شد.
در سال ۱۲۸۴ هـ. ش توسط انگلستان از ایران جدا شد.
در سال ۱۲۴۲ هـ. ش توسط انگلستان از ایران جدا شد.
در سال ۱۳۵۰ هـ. ش در زمان حکومت محمدرضا شاه پهلوی توسط سازمان ملل از ایران جدا شد.

درس نهم

انقلاب اسلامی ایران[1]

به نقشه صفحه قبل با دقت نگاه کنید!

می‌بینید که طی دویست سال گذشته همواره مناطقی از ایران جدا شده‌اند. این مناطق یا به کشورهای جدیدی تبدیل شده یا اینکه به کشورهای دیگر ضمیمه شده‌اند. این اقدامات توسط کشورهای استعمارگر صورت گرفته است.

حال وضعیت ایران را در دو قرن گذشته با جنگ تحمیلی علیه ایران در دوران هشت سال دفاع مقدس مقایسه کنید؛ به نظر شما دشمنان این بار هم به هدف خود رسیدند؟ چرا؟

۱ـ دبیر ارجمند شما می‌توانید در فرایند یاددهی و یادگیری این درس،به‌جای درس موجود،از درس بارگذاری شده در این رمزینه استفاده کرده و از آن آزمون به عمل بیاورید.

مقایسهٔ دیروز با امروز

وضعیت کشور عزیزمان ایران اسلامی را در دو دوران مقایسه کنید:

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

- ده‌ها هزار مستشار خارجی ـ که چهل‌هزار نفر آنان آمریکایی بودند ـ کارهای فنی و نظامی ایران را در دست داشتند.
- وضعیت بهداشت در شهرها و روستاها اسفناک بود و ده‌ها هزار پزشک پاکستانی و هندی در ایران مشغول به کار بودند.
- از ۵۴/۰۰۰ روستا فقط ۲/۰۰۰ روستا برق داشت.
- بیشتر نمایندگان مجلس توسط شاه انتخاب می‌شدند.
- شاه بسیاری از تصمیمات حکومتی خود را بایستی با اجازه و تأیید سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس می‌گرفت.
- معادن مختلف و منابع نفت و گاز ما به دست غربی‌ها به یغما می‌رفت.
- حکومت نه‌تنها توجهی به امور دینی نداشت؛ بلکه با دایر کردن مراکز فساد، جوانان را از دین دور می‌کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی

- قدرت اول نظامی منطقه و دارای امن‌ترین آسمان منطقه
- جزء چهار کشور موفق در شبیه‌سازی حیوانی
- دومین کشور برتر دنیا در تحقیقات مغز و نخاع و جزء ده کشور دنیا از نظر پیوند اعضای بدن
- جزء هشت کشور صاحب چرخهٔ کامل فضایی و مهندسی هوا و فضا
- جزء ده کشور برتر دنیا در علوم نانوفنّاوری
- جزء بیست کشور سازندهٔ ناوشکن در دنیا و تنها سازندهٔ سریع‌ترین اژدر دنیا (۱۰۰ متر در ثانیه)
- ارتقاء از رتبه ۳۱ به رتبه ۶ جهان در حمل و نقل ریلی
- جزء چهار کشور سازندهٔ پهپاد موشک‌انداز در دنیا، شکار پهپاد RQ۱۷۰ فوق پیشرفته آمریکا و ساخت مدل ایرانی آن

- تنها کشور مستقلی که خود به تکنولوژی هسته‌ای دست یافت.[1]
- و...

اینها گوشه‌ای از پیشرفت‌های علم و فناوری در کشور ماست که باعث شده است ایران در میان کشورهای منطقه به بالاترین رشد تولید علم با فاصلهٔ زیاد (ده برابر رشد دیگران) دست یابد. این ثمرات درحالی به‌دست آمد که کشور عزیزمان ایران، از همان ابتدای انقلاب گرفتار تحریم‌های سخت کشورهای غربی و همچنین درگیر هشت سال جنگی تحمیلی و ناجوانمردانه از سوی قدرت‌های استکباری شده بود، جنگی که بیشتر سرمایه‌های کشور را در معرض نابودی و آسیب قرار داد. این پیشرفت‌های عظیم موجب شده است که ملت‌های محروم با الگو گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، برای رهایی از وابستگی و کسب استقلال، تلاش کنند. حرکت‌های حق‌طلبانهٔ مردم در نقاط دیگر جهان نیز بیش از هر چیز سرمشق گرفته از مقاومت ملت ایران در برابر استکبارگران جهانی است.

بالاتر از همهٔ پیشرفت‌هایی که در بالا به بخشی از آنها اشاره شد، زنده شدن روحیهٔ خودباوری و احساس عزت و بزرگی در ملت ایران است. ملت ایران اکنون به این باور رسیده است که می‌تواند در هر زمینه‌ای رشد و پیشرفت کند. این باور همان وعدهٔ خداوند به مؤمنان است که می‌فرماید:

وَ لا تَهِنوا وَ لا تَحزَنوا وَ اَنتُمُ الاَعلَونَ اِن کُنتُم مُؤمِنینَ[2]

وسست نشوید و غمگین نباشید، [زیرا که] شما برترید اگر ایمان داشته باشید.

البته با وجود همهٔ این پیشرفت‌ها، هنوز در برخی عرصه‌ها از جمله عرصه اقتصاد نقاط ضعفی داریم که باید با تلاش و مجاهدت و با اتکا به نیروی ایمان بر این ضعف‌ها غلبه کنیم و بدانیم که آنچه امروز به دست ما رسیده، حاصل تلاش‌ها و از جان گذشتگی‌های پدران و مادران ماست و حال نوبت ماست تا با همان اراده و ایمان ادامهٔ این راه را طی کنیم تا بر کاستی‌ها غلبه یابیم.

۱ـ سفیران ثریا؛ گزارش مصوّر از هفتاد دستاورد برتر جهانی جمهوری اسلامی ایران، محمد علی الفت‌پور.

۲ـ سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۳۹.

فعّالیت کلاسی

شما چه عواملی را باعث ضعف کشور در رشد و پیشرفت اقتصادی می‌دانید؟ در خصوص این عوامل و راهکارهای برطرف کردن آن در کلاس گفت‌وگو کنید.

بیشتر بدانیم

U۲

«لاکهید U۲» یک هواپیمای جاسوسی با ارتفاع پرواز بسیار بالاست. این هواپیما از زمان جنگ سرد بارها وارد آسمان چین و شوروی و... شد که به خاطر ارتفاع بلند پروازی قابل شناسایی نبود. البته بعد از اینکه توسط پدافند S۲۰۰ شوروی منهدم شد، آمریکا تغییرات زیادی در آن ایجاد کرد و از لحاظ جنس بدنه، رادارگریزی، تغییر موتور، و اضافه کردن سامانه‌های جاسوسی و راداری دوربرد، بارها ارتقا یافت، به گونه‌ای که قرار بود در سال ۲۰۱۲ بازنشسته شود؛ اما به خاطر ارتقاهای جدید هنوز عملیاتی است.

U۲ در تمام جنگ‌های آمریکا از جمله جنگ‌های کوزوو، صربستان، افغانستان، عراق، لیبی و... حضور مؤثر و موفقی داشته است. ارتفاع پرواز این هواپیما به حدی بالاست (هفتاد هزار پا) که خلبان آن باید از لباس‌های فضانوردی استفاده کند.

در حوالی ظهر ۲۲ بهمن ماه سال ۹۱ یک فروند هواپیمای شناسایی U۲ آمادهٔ پرواز می‌شود؛ اما این بار قرار است به آسمان ایران نفوذ کند. خلبان لباس‌های فضایی خود را می‌پوشد و به اوج آسمان می‌رود. در آسمان دریای عمان و نزدیک به مرزهای ایران ناگهان خلبان از باند رادیویی خود هشداری را از رادارهای پدافندی ایران دریافت می‌کند که به مرزهای ایران نزدیک شده‌اید! خلبان U۲ که از تعجب هنوز باور ندارد ایران بتواند او را کشف کند، از پدافند ایران می‌خواهد تا موقعیت و جهت او را اعلام کند. پدافند ایران موقعیت، جهت و سرعت U۲ را به او اعلام می‌کند! خلبان که متوجه می‌شود رهگیری شده است، مسیر خود را عوض می‌کند و از مرزهای ایران دور می‌شود.[۱]

این کشف موجب شد، آمریکا به قدرت رادارهای ایرانی پی ببرد؛ فنّاوری بسیار پیشرفته‌ای که در انحصار چند کشور خاص قرار دارد.

۱ـ http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۱۱۲۲۲۰۰۰۲۵۶

نقشه‌های شیطانی

مشرکان مکه با ظهور اسلام، موقعیت خود را در خطر دیدند. ابتدا تلاش کردند با پیشنهادهای فریبنده به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، ایشان را از ادامه دعوت به اسلام، منصرف کنند؛ اما هنگامی که دیدند نمی‌توانند رسول خدا را فریب دهند، مسلمانان را در محاصرهٔ شدید اقتصادی در شعب ابی‌طالب قرار دادند تا دست از اسلام بردارند و تحت سلطهٔ مشرکان قرار گیرند.

ماجرای فوق پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای ما نیز تکرار شد و آمریکا و هم‌پیمانانش ایران را تحریم اقتصادی کردند. این تحریم‌ها به مرور زمان بیشتر شد و هنوز هم ادامه دارد. تحریم‌های قدرت‌های استکباری علیه ملت ایران، به گفتهٔ خود غربی‌ها در طول تاریخ بشر بی‌سابقه است و تاکنون این مقدار تحریم، علیه هیچ کشوری در دنیا اعمال نشده است.

گام دوم غارتگران برای به زانو درآوردن ملت ایران، جنگ بود؛ درست شبیه همان کاری که مشرکان صدر اسلام با مسلمانان کردند. رژیم بعثی صدام در شهریورماه ۱۳۵۹ به دستور آمریکا، جنگی را علیه ما آغاز کرد که هشت سال به طول انجامید. در این جنگ بسیاری از دولت‌های چپاول‌گر از رژیم صدام، حمایت می‌کردند؛ اما باز هم ملت ایران با اتکای به خداوند و بدون کمترین وابستگی به قدرت‌های بیگانه، و با دادن نزدیک به دویست هزار شهید، توانست نیروهای متجاوز را از میهن اسلامی بیرون براند.[۱]

هم‌زمان با جنگ و تحریم، قدرت‌های استکباری با اجیرکردن منافقان در عملیات‌های متعدد بمب‌گذاری و ترور، حدود هفده هزار نفر از مسئولان و مردم را در داخل کشور به شهادت رساندند.

محاصرهٔ اقتصادی، حمله نظامی، ترور و بمب‌گذاری، تفرقه‌افکنی و تلاش برای کودتا و ایجاد جنگ داخلی و... همه نقشه‌هایی بودند که استعمارگران بارها و بارها، آنها را پس از انقلاب به کار گرفتند؛ اما باز هم نتوانستند مردم مسلمان ایران را به زانو درآورند. پس از این مراحل بود که آنان به فکر استفاده از آخرین و مخرب‌ترین سلاح خود در برابر ملت ایران افتادند. سلاحی که از بمب اتمی نیز خطرناک‌تر است.

می‌توانید حدس بزنید این سلاح چیست؟

۱ـ در طول جنگ تحمیلی، در میان افرادی که به اسارت نیروهای ما درآمده بودند، سربازانی از ۲۵ ملیت و کشور مختلف وجود داشتند و حتی در مواردی که آمریکایی‌ها می‌دیدند، شکست صدام نزدیک است، خودشان مستقیماً وارد جنگ می‌شدند.

شبیخون فرهنگی

امروزه قدرت‌های استکباری به خوبی دریافته‌اند که جنگ‌های نظامی علاوه بر هزینه‌های بسیار زیاد، باعث نفرت ملت‌ها نیز می‌شود و این مسئله، ادامهٔ کارشان در کشورهای دیگر را مشکل می‌کند. به همین دلیل آنها برای به زانو درآوردن ملت‌ها، راهکار جدیدی به نام جنگ نرم[1] یا شبیخون فرهنگی را در پیش گرفته‌اند.

دشمنان با استفاده از تجربیاتی که از سرگذشت آندلس و حوادث مانند آن اندوخته‌اند، تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا با تکرار آن رویدادها، ملت مسلمان ایران را به زانو درآورند.

تا به حال به این نکته فکر کرده‌اید که کشورهایی که حتی به بیماران ما نیز رحم نمی‌کنند و در کنار تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و علمی، مانع ورود اقلام پزشکی و دارویی به کشور می‌شوند[2]، چرا تا این اندازه به فکر تفریح و سرگرمی ما ایرانی‌ها هستند و برای پرکردن اوقات فراغت ما سالیانه میلیون‌ها دلار خرج ساخت و راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان می‌کنند و برای ما به صورت رایگان انواع فیلم‌ها و سریال‌ها را پخش می‌کنند؟

به نظر شما چرا دشمنی که ما را در همهٔ عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و علمی تحریم کرده است، حاضر به تحریم فیلم‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای خود نشده است و آنها را رایگان در اختیار ما قرار می‌دهد؟

آری، تولید فیلم‌های ضد ایرانی و ضداسلامی، پخش فیلم‌های مبتذل در کانال‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای، ساخت بازی‌های رایانه‌ای مُخرب، تولید و پخش مواد مخدر در بین جوانان، تلاش همه‌جانبه برای ترویج بی‌حجابی وکم‌اهمیت جلوه دادن حجاب، عادی‌سازی روابط نادرست بین دختران و پسران، ترویج بی‌عفتی و آلوده‌کردن جوانان، تمسخر عقاید پاک مسلمانان، القای بی‌فرهنگ بودن مسلمانان و ایرانی‌ها، ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی، ایجاد تفرقه بین مردم و مسئولان، کم اهمیت جلوه‌دادن پیشرفت‌های کشور، بزرگ جلوه دادن قدرت و پیشرفت غربی‌ها و... همه بخشی از جنگ نرم علیه ملت و فرهنگ ماست.[3]

۱ـ جنگ نرم به اقداماتی گفته می‌شود که به وسیلهٔ آن می‌توان یک کشور را بدون استفاده از نیروهای نظامی، سرنگون کرد.

۲ـ آمریکا در سال ۱۳۹۱ ورود هرگونه دارو به کشورمان را تحریم کرد؛ داروهایی که جان صدها انسان بی‌گناه به آن وابسته بود.

۳ـ مجلس نمایندگان آمریکا هر سال به صورت رسمی، ده‌ها میلیون دلار را به طرح‌هایی که بتواند نظام اسلامی را در ایران از بین ببرد، اختصاص می‌دهد که این مبلغ معمولاً صرف شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و رادیوهای ضدّ ایران می‌شود. البته مبلغ واقعی کمک‌های پنهانی صهیونیست‌ها و سایر دشمنان اسلام برای مقابله با انقلاب اسلامی بسیار بیشتر از مبالغی است که به صورت رسمی اعلام می‌شود.

آنها به‌خوبی می‌دانند که اگر جوانان مسلمان به دستورات اسلام دربارهٔ حفظ حجاب و پاکدامنی عمل کنند، شکست دادن آنها بسیار دشوار خواهد بود. پس تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا آنها را از تعلیمات حکیمانهٔ اسلام دور نگه دارند.

خداوند نسبت به این خطرات که همواره از سوی دشمنان اسلام نسبت به مسلمانان وجود دارد هشدار داده است آنگاه که می‌فرماید:

وَ لا یَزالونَ یُقاتِلونَکُم حَتّیٰ یَرُدّوکُم عَن دینِکُم اِنِ استَطاعوا[1]

و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا شما را از دینتان برگردانند اگر بتوانند.

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که هدف اصلی دشمن از تحریم اقتصادی، جنگ نظامی و شبیخون فرهنگی، چیزی جز نابودی باورهای دینی مردم و دورکردن آنها از اسلام نیست.

اکنون ارزش این کلمات نورانی امیرمؤمنان علیه‌السلام، برای ما روشن‌تر می‌شود که می‌فرماید:

«پاداش انسان عفیف و پاکدامنی که قدرت انجام گناه را دارد، ولی خود را آلوده نمی‌کند، کمتر از پاداش مجاهد شهید در راه خدا نیست؛ انسان پاکدامن نزدیک است فرشته‌ای از فرشته‌ها شود[2]».

۱ـ سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۱۷.

۲ـ نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷۴.

فعّالیت کلاسی

یک‌بار دیگر، نقشه‌های بیگانگان را برای شکست ایران اسلامی مرور کنید و دربارهٔ راه‌های مقابله با این نقشه‌ها با دوستانتان در کلاس گفت‌وگو کنید.

خودت را امتحان کن

۱ ثمرات انقلاب اسلامی ایران را به صورت خلاصه بیان کنید.

۲ چند نمونه از اقدامات ابرقدرت‌ها برای شکست جمهوری اسلامی ایران را توضیح دهید.

۳ خطرناک‌ترین سلاح دشمن در جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران چیست؟ توضیح دهید.

۴ هدف اصلی دشمنان را از اجرای نقشه‌های مختلف در کشورهای اسلامی بیان کنید.

پیشـــنهاد

در یک کار تحقیقی و با کمک هم‌گروهی‌های خود، وضعیت کشور را قبل و بعد از انقلاب در عرصه‌های مختلف علمی، نظامی، پزشکی، صنعتی، مشارکت مردم در سرنوشت کشور، آزادی بیان، اقتدار سیاسی، اقتصادی و... مقایسه کنید و نتیجه را برای اعضای کلاس بیان کنید.

الـهـی

خدایا انقلاب ما را که با مجاهدت و از
جان‌گذشتگی هزاران مرد و
زن به ما رسیده است
از مکر و توطئه دشمنان حفظ کن
خدایا شهیدانی که برای حفظ این انقلاب خون
خود را نثار کردند
مورد رحمت خویش قرار ده
و مرا پیرو آنان قرار ده
و یاری‌ام کن تا من نیز به رشد و پیشرفت کشورم
کمک کنم
و برای کشورم افتخار بیافرینم
ای مهربان‌ترین مهربان‌ها!

درس دهم

مسئولیت همگانی

تصور کنید:

- کسی اجناس بی‌کیفیت را به عنوان کالای مناسب و باکیفیت به مشتریان می‌فروشد.
- خانواده‌ای در جنگل آتش روشن می‌کند یا زباله‌های خود را همان‌جا رها می‌کند.
- یکی از دوستانمان نسبت به خواندن نماز بی‌توجهی می‌کند.
- دانش‌آموزی به اموال مدرسه و کلاس آسیب می‌زند.
- خودرویی به علت نقص فنی، بیش از اندازه دود می‌کند و هوا را آلوده می‌کند.

ممکن است کسی با دیدن این کارها بگوید:

- به من چه ارتباطی دارد؟ مگر من مسئول کارهای مردم هستم؟
- گفتن من چه فایده‌ای دارد؟ او که به این کار عادت کرده است.
- بالاخره یک نفر پیدا می‌شود و به او تذکر می‌دهد.
- من خجالت می‌کشم چیزی بگویم. اگر من را جلوی دیگران ضایع بکند، چه؟!
- من می‌ترسم. شاید با من با تندی برخورد بکند.

فعّالیت کلاسی

به نظر شما آیا هر یک از دلایل بالا می‌تواند برای تذکر ندادن به دیگران قابل پذیرش باشد؟ چرا؟

امر به معروف و نهی از منکر

در گذشته که مردم با کشتی‌های بادبانی به مسافرت می‌رفتند، با حوادث گوناگون و گاه دلهره‌آوری روبه‌رو می‌شدند. حرکت با چند قطعه چوب بر دریایی پهناور، سرنوشت ساکنان کشتی را به هم نزدیک می‌کرد. آنان هنگام خطر به خوبی درک می‌کردند که چقدر عاقبت و سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است؛ یا با هم نجات خواهند یافت و یا با هم در دریا فرو می‌روند! حال اگر در چنین کشتی‌ای یکی از سرنشینان، جایی را که نشسته، به بهانهٔ اینکه جای خودش است، سوراخ کند، دیگر سرنشینان چه واکنشی از خود نشان خواهند داد؟ آیا دیگر کسی خواهد گفت که هرکس اختیار جای خود را دارد یا به من چه مربوط است ؟ آیا کسی به بهانهٔ خجالت کشیدن یا ترسیدن، بی‌تفاوت از کنار آن فرد خواهد گذشت؟

جامعه نیز مانند کشتی است و مردم آن همچون سرنشینان کشتی‌اند که سرنوشت آنها به‌هم گره خورده است. برای همین اگر در جامعه، شخصی بخواهد قوانین الهی یا اجتماعی را زیرپا گذارد، نمی‌توان به سادگی از کنار خطا و گناه وی گذشت.

به همین دلیل یکی از مسئولیت‌های افراد جامعه نسبت به هم، توصیهٔ یکدیگر به کار خیر و پسندیده و بازداشتن هم از کار ناپسند است. این کار همان «**امر به معروف و نهی از منکر**» است.

البته مؤمنان در این باره مسئولیت بیشتری دارند؛ زیرا آنها ولی یکدیگرند؛ یعنی همدیگر را دوست دارند و نسبت به سرنوشت یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند. آنها همان‌گونه که از سعادت و خوشبختی خود لذت می‌برند، خوشبختی دیگر انسان‌ها نیز برایشان شیرین و شادی‌آور است.

آنها می‌دانند که رسیدن به سعادت دنیا و آخرت تنها با عمل به دستورات دین؛ یعنی انجام اعمال نیک و ترک گناهان امکان‌پذیر است. از همین جهت، هم خود به این دستورات عمل می‌کنند و هم دیگران را به انجام اعمال صالح سفارش می‌کنند و آنان را از ترک واجبات و انجام محرمات باز می‌دارند.

وَالمُؤمِنونَ وَ المُؤمِناتُ بَعضُهُم أَولِياءُ بَعضٍ يَأمُرونَ بِالمَعروفِ وَ يَنهَونَ عَنِ المُنكَرِ[1]

مردان و زنان مؤمن، دوستدار و یاور یکدیگرند [و از این‌رو یکدیگر را] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

اگر هرکس با توجیه و بهانه‌های مختلف از انجام مسئولیت همگانی امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی کند، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟

مردم نسبت به سرنوشت دیگران بی‌تفاوت می‌شوند؛ کارهای نادرست و ناپسند در جامعه رواج می‌یابد و زشتی انجام بسیاری از این کارها از بین می‌رود، تا آنجا که حتی برخی زشتی‌ها به عنوان کار معروف و خوب شناخته می‌شود. تعالیم و دستورات دین در میان مردم فراموش می‌شود و انسان‌های فاسد بر مردم مسلط می‌شوند و کم‌کم آن‌قدر گناه و فساد در جامعه فراوان می‌شود که رحمت و برکت خداوند از آن جامعه برداشته و جامعه مستحق عذاب الهی می‌شود.

۱ـ سورهٔ توبه، آیهٔ ۷۱.

امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید:

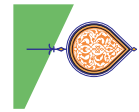

«حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید وگرنه شرورترین افراد جامعه بر شما مسلط خواهند شد و در این صورت بهترین‌های شما هم اگر دعا کنند، دیگر مستجاب نخواهد شد[1]».

به دلیل جلوگیری از بروز این آسیب‌ها و مشکلات است که امر به معروف و نهی از منکر دارای جایگاه بسیار بالا و سرنوشت‌سازی است؛ تا آنجا که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید:

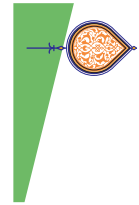

«همهٔ کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، مانند قطره در برابر دریایی پهناور و عمیق است. خداوند سبحان اقوام پیش از شما را عذاب نکرد، مگر به دلیل اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. پس بی‌خردانِ آنها را به دلیل انجام معصیت‌ها عذاب کرد و خردمندان را به دلیل نهی نکردن از زشتی‌ها[2]».

فعّالیت کلاسی

شخصی را تصور کنید که در جمع دیگران غیبت می‌کند. در جدول زیر نتایج نهی از منکر کردن و پیامد ترک آن را بنویسید.

اگر نهی از منکر بشود	اگر نهی از منکر نشود
او دیگر این گناه را حداقل در آن جمع انجام نمی‌دهد.	.....
.....	آبروی کسی که از او غیبت شده است، در میان جمع از بین می‌رود.
.....	.....
.....	.....

۱ـ کافی، ج۵، ص۵۶. ۲ـ نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲، کلمات قصار شمارهٔ ۳۷۴.

اهل شنبه

با حرص فراوان مشغول صید ماهی‌هایی هستند که روز شنبه آنها را گیر انداخته‌اند. امروز یکشنبه است. ماهی‌هایی را که روز شنبه در آبگیرها گیر انداخته‌اند، صید می‌کنند و خوشحال‌اند از اینکه ... .

دسته‌ای از قوم یهود در کنار دریا زندگی می‌کردند. آنان از یاد خداوند بسیار غافل شده بودند. خداوند برای امتحان آنان دستور داد روز شنبه، که روز تعطیلی یهودیان است، ماهی نگیرند. از طرفی روز شنبه ماهی فراوان می‌شد و این امتحان را سخت‌تر می‌کرد.

در این میان عده‌ای بودند که خود را انسان‌های زرنگی می‌دانستند. آنان در روز شنبه که ماهی فراوان می‌شد، ماهی‌ها را به آبگیرها هدایت می‌کردند و هنگامی که این آبگیرها پر از ماهی می‌شد، راه بازگشت ماهی‌ها را می‌بستند و روز یکشنبه تمام ماهی‌های گیرافتاده را صید می‌کردند.

گروهی، آنان را از این کار نهی می‌کردند و آن را نافرمانی خداوند می‌دانستند. ولی عدهٔ دیگری می‌گفتند شما چرا آنها را نهی می‌کنید؛ نهی کردن آنان فایده‌ای ندارد و خداوند آنان را عذاب خواهد کرد؛ مؤمنان در جواب آنان می‌گفتند: «ما آنان را از این کار زشت نهی می‌کنیم تا نزد پروردگارتان معذور باشیم و شاید با این کار ما، آنها از این کار دست بردارند».

تا اینکه سرانجام ...

خداوند عذابی فرستاد که در آن کسانی که ماهی می‌گرفتند و کسانی که آنان را نهی نمی‌کردند، باهم گرفتار عذاب شدند و فقط کسانی از این عذاب نجات یافتند که آنان را از نافرمانی خداوند نهی می‌کردند. داستان این قوم در قرآن کریم آمده است:

فَلَمّا نَسوا ما ذُكِّرُوا بِهِ اَنجَينَا الَّذينَ يَنهَونَ عَنِ السُّوءِ وَ اَخَذنَا الَّذينَ ظَلَموا بِعَذابٍ بَئيسٍ بِما كانوا يَفسُقونَ[1]

و چون اندرزی را که به آنها داده شده بود [روز شنبه ماهی نگیرند] فراموش کردند کسانی را که از بدی [ماهی‌گیری روز شنبه] نهی می‌کردند نجات دادیم و کسانی را که ستم کرده بودند [روز شنبه ماهی گرفته بودند و یا ماهی‌گیران را از این کار نهی نکرده بودند] به خاطر نافرمانیشان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم.

۱ـ سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۶۵.

شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

اگر مقداری گچ روی لباس شما ریخته باشد، چگونه آن را پاک می‌کنید؟
حالا اگر لباس شما با جوهر خودکار کثیف شده باشد، آیا باز هم می‌توانید با تکاندن لباس، آن را پاک کنید؟
هدف شما در هر دو حالت، پاک کردن لباس است؛ اما روش‌ها متفاوت‌اند!

هدف ما در نهی از منکر این است که انسان خطاکار به اشتباهاتش ادامه ندهد. گاهی همین که با دیدن یک گناه روی خود را برگردانیم و با فرد خطاکار به سردی رفتار کنیم، برای جلوگیری از آن اشتباه کافی است.
گاهی نیز شخص خطاکار متوجه زشتی رفتارش نیست؛ در این صورت ما باید با مهربانی و با برخورد خوب، او را متوجه اشتباهش کنیم و با احترام از او بخواهیم که دیگر آن خطا را تکرار نکند.
در بعضی موارد نیز برای اینکه ناراحتی خود را از انجام گناهی نشان دهیم، باید آنجا را ترک کنیم.

فعّالیت کلاسی

آیا با این شیوه‌ها می‌توان همواره از انجام گناهان جلوگیری کرد؟
مثلاً آیا می‌توانیم با صحبت کردن با کسی که به خرید و فروش مواد مخدر می‌پردازد و بسیاری را گرفتار اعتیاد می‌کند، او را از تکرار این گناه بزرگ بازداریم؟
پس در چنین زمان‌هایی وظیفهٔ ما چیست و باید چگونه عمل کنیم؟

چند نکتهٔ مهم

◆ ۱ | برای حفظ آبروی افراد، تا حد امکان نباید خطاهایشان را در حضور دیگران به آنها بازگو کنیم.
◆ ۲ || برای اینکه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر بیشتر شود، خوب است خودمان به آنچه دیگران را به آن توصیه می‌کنیم، عمل کنیم و کاری را که از آن نهی می‌کنیم، انجام ندهیم.
◆ ۳ || هر امر به معروف و نهی از منکری، یک موفقیت است؛ زیرا اگر به نتیجه برسد، علاوه بر رسیدن به رضایت و پاداش الهی به اصلاح اطرافیان و جامعهٔ خود کمک کرده‌ایم و اگر به نتیجه نرسد، به وظیفهٔ خود عمل کرده‌ایم و از اجر و ثواب خداوند بهره برده‌ایم.

فعّالیت کلاسی

یک بار دیگر به منکرهای صورت گرفته و معروف‌های ترک شده در ابتدای درس توجه کنید. به نظر شما راه امر به معروف و نهی از منکر در هریک از این موارد چیست؟

۱- .....

۲- .....

۳- .....

۴- .....

۵- .....

خودت را امتحان کن

۱ چهار مورد از آثار منفی ترک امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

۲ با توجه به سخن حضرت علی علیه‌السلام جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را در میان اعمال نیک بیان کنید.

۳ چرا مؤمنان مسئولیت بیشتری دربارهٔ امر به معروف و نهی از منکر دیگران دارند؟

پیشـــنهاد

۱ دربارهٔ ارتباط قیام امام حسین علیه‌السلام با امر به معروف و نهی از منکر تحقیق کنید و نتیجهٔ آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

۲ دربارهٔ زندگی یکی از شهدای امر به معروف و نهی از منکر تحقیق کنید و نتیجهٔ آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

الـهـی

شما هم اگر دوست داری، چند جمله‌ای با خدای خویش سخن بگو:

درس یازدهم

انفاق

به این آمارها[1] توجه کنید:

- گرسنگی یکی از عوامل مهم مرگ و میر در جهان به شمار می‌رود؛ به‌طوری که در هر دقیقه ۳۰ نفر به علت گرسنگی، جان خود را از دست می‌دهند.
- شصت و شش میلیون کودک در مقطع ابتدایی در سراسر جهان، گرسنه به مدرسه می‌روند.
- فقر هر ساله باعث مرگ دو میلیون و ششصد هزار کودک زیر پنج سال می‌شود.
- ۶۶۰ میلیون نفر در جهان غذای کافی برای خوردن ندارند.
- بیش از یک میلیارد نفر از مردم روی زمین، درآمدی کمتر از یک دلار در روز دارند.

از سوی دیگر

- دارایی ۸۵ نفر از ثروتمندترین افراد جهان برابر دارایی ۳/۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان است.
- با غذایی که در اروپا و آمریکای شمالی دور ریخته می‌شود، سه برابر گرسنگان فعلی جهان را می‌توان سیر کرد.
- یک سوم مواد غذایی‌ای که سالانه در جهان تولید می‌شود (حدود ۱/۳ میلیارد تن) تبدیل به زباله می‌شود و هدر می‌رود.
- سالانه ۲/۴ میلیون نفر در سراسر جهان در اثر بیماری‌های ناشی از پرخوری می‌میرند.

فعّالیت کلاسی

به نظر شما علت این اختلاف چیست؟ چرا این وضع در جهان به وجود آمده است؟

۱ـ برای مشاهده اطلاعات بیشتر به سایت «برنامهٔ جهانی غذا» متعلق به سازمان ملل متحد به آدرس http://fa.wfp.org مراجعه کنید.

دین اسلام آخرین و کامل‌ترین برنامه‌ای است که خداوند برای نجات بشر از تمامی گرفتاری‌ها و دست یافتن به رستگاری در دنیا و آخرت فرستاده است؛ به همین دلیل این دین باید راهی برای نجات مردم از فقر داشته باشد. یکی از راهکارهای دین اسلام برای حل این مشکل، انفاق است.
در دین اسلام به مردم توصیه شده است، بخشی از اموال خود را در راه خداوند انفاق کنند.
پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«خداوند به اندازهٔ نیازمندی‌های مردم فقیر در اموال ثروتمندان حقی قرار داده است، اگر بپردازند نیازمندی‌های عمومی مردم برطرف می‌شود. اگر گرسنه یا برهنه‌ای در میان مردم پیدا شود، به این دلیل است که ثروتمندان، «حقوق واجب» اموال خود را نپرداخته‌اند[1]».

انفاق

در سال گذشته دانستیم که رابطهٔ میان مسلمانان، رابطهٔ برادری است و همان‌طور که هر برادری نسبت به خواهران و برادران خود در خانواده وظایفی دارد، برادران دینی نیز در برابر یکدیگر وظایفی دارند. یکی از این وظایف کمک مالی به نیازمندان است.
خداوند در قرآن کریم همواره انسان‌ها را به بخشش قسمتی از اموالشان به نیازمندان تشویق کرده و این اعطای مال را «**انفاق**» نام نهاده است:

الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ[2]

کسانی که اموال خود را انفاق می‌کنند در شب و روز به صورت پنهانی و آشکارا پاداششان نزد پروردگارشان است نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند.

انفاق مال آن‌قدر نزد خداوند ارزشمند است که آن را یکی از نشانه‌های ایمان می‌داند.[3]

۱ـ مستدرک الوسائل، ج۷، ص۲۴.
۲ـ سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۷۴.
۳ـ سورهٔ بقره، آیهٔ ۳ .

خداوند، حِکمت انفاق را «**توزیع ثروت میان فقرا و جلوگیری از انحصار آن در دست ثروتمندان**» بیان کرده است[1]. در صورتی که انفاق مال در جامعه گسترش پیدا کند، ثروت به دست نیازمندان نیز می‌رسد و فاصلهٔ طبقاتی میان ثروتمند و فقیر کمتر می‌شود؛ بخش زیادی از گناهان و جرم‌های ناشی از فقر از جامعه ریشه‌کن می‌شود؛ مردم نسبت به یکدیگر مهربان‌تر می‌شوند و احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و در نهایت آرامش و امنیت در جامعه حاکم می‌شود.

فعّالیت کلاسی

در روایت‌هایی که زمان ظهور امام زمان علیه‌السلام را وصف کرده‌اند، آمده است: در آن دوران، عقل انسان‌ها به نهایت رشد و کمال خود می‌رسد و از سوی دیگر در جامعه فقیری پیدا نمی‌شود.

به نظر شما میان این دو (پیدا نشدن فقیر در جامعه و کامل شدن عقل) چه ارتباطی وجود دارد؟

پیشتر بدانیم

برای بار سوم نیمی از تمام اموال خود را در راه خدا انفاق کرد. هیچ چیزی از قلم نیفتاده بود. هر آنچه بود، میان فقرا تقسیم شد. چشم فقرای مدینه به در خانهٔ او بود. آنان جمع شده بودند تا با کمک‌های او بتوانند به زندگی خود سروسامانی بدهند.

او مشهور به کریم‌ترین انسان مدینه است. آوازهٔ او همه جا پیچیده است. هرکسی وارد مدینه می‌شود، سراغ خانه حسن بن علی را می‌گیرد، چون می‌داند او تنها کسی است که همواره درِ خانه‌اش به روی نیازمندان باز و سفرهٔ خانه‌اش همواره برای میهمانان گسترده است و از همهٔ آنان با بهترین غذاهای موجود در خانه پذیرایی می‌کند.[2]

۱ـ سورهٔ حشر، آیهٔ ۷.

۲ـ بحار الانوار، ج۴۳، ص۳۴۹؛ شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید، ج۱۶، ص۱۰؛ تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر، ج۱۳، ص۲۴۳؛ سیر اعلام النبلاء ذهبی، ج۳، ص۲۶۷.

انواع انفاق

انفاق بر دو نوع است: واجب و مستحب.

انفاق‌های واجب عبارت‌اند از: زکات و خمس. انفاق‌های مستحب عبارت‌اند از: قرض‌الحسنه، وقف و... . در این درس با نمونه‌هایی از این دو نوع انفاق آشنا می‌شویم:

انفاق‌های واجب:

۱ **زکات:** زکات در اصل به معنای پاک شدن از دلبستگی‌ها و آلودگی‌هاست و به نوعی از انفاق گفته می‌شود که به برخی از دارایی‌های انسان مانند گندم، جو، خرما، گاو، گوسفند و شتر تعلق می‌گیرد.

اگر کسی از این دارایی‌ها، به اندازه‌ای که در دین تعیین شده است، داشته باشد، بر او واجب است بخش مشخصی از آن را در راه خدا انفاق کند.[۱]

پرداخت زکات موجب مصونیت مال از نابودی و پربرکت شدن آن می‌شود. اگر زکات اموال داده نشود، خداوند نعمت‌هایش (بارندگی، حاصل‌خیزی، فراوانی و...) را از صاحبان آنها بازمی‌دارد.

زکات فطره (فطریه): زکات فطره، زیرمجموعهٔ زکات است. کسی که هنگام غروب شب عید فطر، بالغ و عاقل و هشیار باشد و فقیر هم نباشد، باید برای خود و کسانی که او هزینهٔ زندگی آنان را می‌دهد، به ازای هر نفر سه کیلوگرم گندم یا جو یا برنج یا هر غذایی را که در طول سال بیشتر از آن استفاده کرده است، به مستحق بدهد. البته اگر پول آنها را هم بدهد، کفایت می‌کند.

فعّالیت کلاسی

به آمار تقریبی تولید سالانهٔ چهار محصول مهم کشاورزی در ایران، توجه کنید:

۱. سیزده میلیارد کیلوگرم گندم
۲. سه میلیارد کیلوگرم جو
۳. یک میلیارد کیلوگرم خرما
۴. سیصد میلیون کیلوگرم کشمش

به نظر شما اگر فقط زکات این محصولات پرداخت شود، چه تغییرات مثبتی در جامعه ایجاد می‌شود؟

۱ـ میزان این دارایی‌ها و مقدار دقیق زکات هر کدام از این موارد در رسالهٔ توضیح‌المسائل مشخص شده است (دبیران محترم می‌توانند توضیحات تکمیلی در این خصوص را در کتاب راهنمای معلّم مشاهده کنند).

♦ **۲ || خُمس:** هر مسلمانی که از طریق کار، درآمدی کسب می کند، پس از صرف هزینه های سالانهٔ زندگی خود و خانواده، باید یک پنجم آنچه را که باقی مانده است، به عنوان خمس بپردازد.

خمس یکی از راه‌های تأمین نیازهای جامعه است که به حاکم اسلامی یا مرجع تقلید پرداخت می‌شود تا آن را در راه‌هایی که قرآن کریم، رسول اکرم و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام مشخص کرده‌اند، صرف کنند. آشنا کردن مردم با معارف دینی، دفاع از کشورهای اسلامی، تربیت دانشمندان علوم دینی، تألیف و توزیع کتاب‌های دینی و... از مواردی است که خمس می تواند صرف آن شود.

نکات قابل توجه در خمس

♦ هرکسی که از طریق تجارت، صنعت، کشاورزی یا کسب‌های دیگر، مالی به دست آورد، باید برای خود «سال مالی»[1] داشته باشد و در انتهای «سال مالی»، اگر به اموال او خمس تعلق بگیرد، خمس اموالش را بدهد.

♦ با پولی که خمس آن پرداخت نشده است، نمی‌توان چیزی خرید؛ به عنوان مثال اگر با آن پول خانه‌ای خریداری شود، نمازخواندن در آن خانه باطل است.

♦ به آذوقه‌هایی مانند برنج، روغن و هر خوراکی دیگری که از درآمد سال، برای مصرف در خانه خریده شده است و در پایان سال مالی باقی مانده است، خمس تعلق می گیرد.

♦ زیورآلات خانم‌ها، اگر بیش از مقدار مصرفی رایج آنها باشد و حالت پس‌انداز داشته باشد، باید خمس آن پرداخته شود.

۱ـ ابتدای سال مالی، اولین روزی است که فرد در آن درآمدی کسب کرده است (به عنوان مثال این زمان برای یک کارگر آن روزی است که اولین مزد خود را می گیرد یا برای یک کشاورز روزی است که اولین محصول خود را برداشت می کند) و پایان آن گذشتن یک سال شمسی از آن روز است.

بیشتر بدانیم

سیرهٔ شهدا

شهید مهدی باکری یکی از سرداران بزرگ کشورمان در دوران دفاع مقدس بود. یکی از ویژگی‌های او عمل به احکام دین با دقت کامل بود. او سعی می‌کرد همیشه نماز خود را در اوّل وقت و به جماعت اقامه کند. او در پرداخت خمس نیز بسیار دقیق و حساس بود. یکی از دوستان وی نقل می‌کند که در اواخر اسفند ماه یکی از سال‌های اول جنگ بود که دیدیم آقا مهدی در سنگر مشغول شمردن پول‌های همراه خود است. سپس با خانوادهٔ خود نیز تماس گرفت و جویای ارزش اجناس باقی مانده در منزل برای محاسبهٔ میزان خمس آنها شد و بلافاصله مبلغ مشخصی را از اموال خود جدا کرد و آن را به یکی از نمایندگان امام خمینی رحمة‌الله‌علیه پرداخت کرد. آنگاه با خاطری آسوده، نفسی کشید و گفت: امروز سال مالی‌ام بود. خدا را شکر حالا اگر شهید شوم، بدهی شرعی ندارم.[1]

انفاق‌های مستحب

پس از آشنایی با خمس و زکات به عنوان دو مورد از انفاق‌های واجب، حال با دو مورد از انفاق‌های مستحب آشنا می‌شویم:

۱ قرض: قرض دادن نوعی انفاق مستحب است که بسیار بر آن تأکید شده است. این عمل تا آن اندازه ارزشمند است که در دین اسلام برای صدقه دادن ده ثواب و برای قرض دادن هجده ثواب قرار داده شده است. البته هر دو عمل از کارهای نیکو و مورد تحسین است؛ اما باید توجه داشت که در جامعهٔ اسلامی، انسان‌های آبرومندی هستند که نمی‌خواهند از کسی صدقه بگیرند و قرض دادن به آنها موجب حفظ آبروی آنها می‌شود. از سوی دیگر انفاق مال در قالب قرض، فعالیت و کسب و کار را به دنبال خود دارد؛ زیرا کسی که صدقه می‌گیرد، به فکر بازگرداندن آن نیست؛ اما فرد قرض‌گیرنده باید کار کند تا مبلغ قرض را برگرداند.

۱ـ مهدی باکری در اندیشه و عمل، حسین علایی، چاپ اوّل، ص ۱۰۷.

پیامبر اکرم ﷺ دربارهٔ ارزش قرض دادن فرموده است:

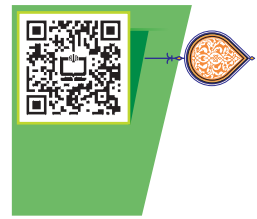

«مسلمانی که به برادر مسلمان خود قرض دهد، در برابر هر درهمی که قرض داده، هم وزن کوه احد، حسنات خواهد داشت و اگر برای دریافت آن مدارا به خرج دهد، از پل صراط همچون برق جهنده بدون حساب و عذاب خواهد گذشت[1]».

البته در تعالیم معصومان از قرض گرفتن در حالت بی‌نیازی یا موارد غیرضروری نهی شده است؛ چرا که درخواست از دیگران آبروی انسان را در معرض خطر قرار می‌دهد.

۲ وقف: وقف به این معناست که انسان در راه جلب رضایت خداوند مالکیت بخشی از اموال و دارایی‌هایش را از اختیار خود خارج کند و استفاده از آن یا استفاده از درآمد آن را در اختیار دیگران (عموم مردم، فقرا، ایتام، و...) قرار دهد.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

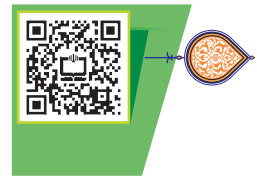

«هنگامی که انسان مؤمن از این دنیا می‌رود، تمامی اعمال او قطع می‌شود؛ به جز سه عمل: صدقه جاریه[2]، علمی که از خود به یادگار گذاشته است و فرزند صالحی که برایش دعا می‌کند[3]».

پیامبر اکرم بارها اموالی را برای استفادهٔ مسلمانان وقف کردند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز نخلستان‌ها و باغ‌های فراوانی ایجاد و چاه‌های آب زیادی حفر می‌کرد و بلافاصله آنها را برای استفادهٔ مردم یا گروهی از آنان همانند یتیمان یا درراه‌ماندگان وقف می‌کردند.

۱ـ ثواب الاعمال، ص ۴۱۴.

۲ـ با توجه به اینکه چیزی که وقف شده است، مردم همواره از آن استفاده می‌کنند و برکات آن جاری است، به آن صدقهٔ جاریه گفته می‌شود.

۳ـ بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۲.

در یکی از وقف‌نامه‌های حضرت علی علیه‌السلام آمده است:

«علی، بندهٔ خدا و امیرمؤمنان، دو مزرعه را برای فقرای مدینه و در راه‌ماندگان قرار داد، تا خداوند روز قیامت چهرهٔ او را از حرارت آتش مصون دارد. این اموال فروخته نمی‌شود، بخشیده نمی‌شود، تا به دست وارث هستی (خدا) برسد[1]».

۱ـ معجم‌البلدان، حموی، ج۴، ص ۱۷۶.

در طول تاریخ اسلام، وقف از جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان برخوردار بوده است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از مسلمانان تلاش می‌کردند تا درحد توان خود، بخشی از دارایی‌های خود را برای انجام کارهای خیریه وقف کنند. وقف معمولاً در این امور صورت می‌گرفت:

ساختن مسجد، حوزه‌های علمیه، کتابخانه‌های عمومی، مدارس و دانشگاه، بیمارستان‌های عمومی (در این بیمارستان‌ها فقرا کاملاً رایگان درمان می‌شدند)، خانه‌هایی برای یتیمان و بی‌سرپرستان و فقرا، وقف اموالی برای کفن و دفن فقرا، وقف آب‌انبار و تأمین آب آشامیدنی یا آب کشاورزی برای مردم، ساختن کاروانسراهایی در مسیر راه‌های زیارتی یا تجاری برای استراحت کاروان‌ها، خرید تجهیزات برای جنگ با کفار، ساختن پادگان‌ها و قلعه‌ها برای نظامیان و... .

همان‌طور که می‌بینیم، نتایج وقف، منفعت رساندن به تمام مردم یا مردم مستحق است؛ بنابراین اگر در جامعهٔ اسلامی وقف رایج شود، بسیاری از اموری که نفع آن به عموم مردم می‌رسد، توسط خود مردم انجام می‌شود و دیگر تمامی کارها بر دوش دولت قرار نمی‌گیرد.

خودت را امتحان کن

۱ انفاق را تعریف کنید و سه مورد از فواید آن را بیان کنید.

۲ یک انفاق واجب و یک انفاق مستحب را نام ببرید و هر یک را به صورت مختصر توضیح دهید.

۳ زکات به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد؟ آنها را نام ببرید.

۴ خمس به چه کسی پرداخت می‌شود و در چه راه‌هایی هزینه می‌شود؟

پیشـــنهاد

۱ با مراجعه به پدر و مادر خود چند مورد از موقوفات شهر خود را پیدا کنید و در کلاس برای هم‌کلاسی‌هایتان معرفی کنید.

۲ با مراجعه به آیهٔ ۲۶۱ سورهٔ بقره، بیان کنید که خداوند در این آیه انفاق را به چه چیزی تشبیه کرده است؟ به نظر شما خداوند با این تشبیه بر چه مسئله‌ای تأکید داشته است؟

الـهـی

ای خدای کریم!
تو در این دنیا به من نعمت‌های فراوانی بخشیده‌ای
آن‌قدر که من از شمردن آنها ناتوانم
خدایا مرا از پیروان کسانی قرار ده که از مال دنیا
به‌راحتی می‌گذشتند
و آن را در راه جلب رضایت تو هزینه می‌کردند.
خدایا اگر در اموال من حق واجبی از دیگران
وجود دارد آن را به من بشناسان
و مرا آن‌قدر توانا ساز که از مال دنیا بگذرم و آن را
در راه تو انفاق کنم.
خدایا مرا وسیلهٔ خیر رساندن به سایر بندگانت قرار
بده
به طوری که اگر کسی نیازی دارد من بتوانم نیاز او
را برطرف نمایم.

برگرفته از صحیفهٔ سجادیه.

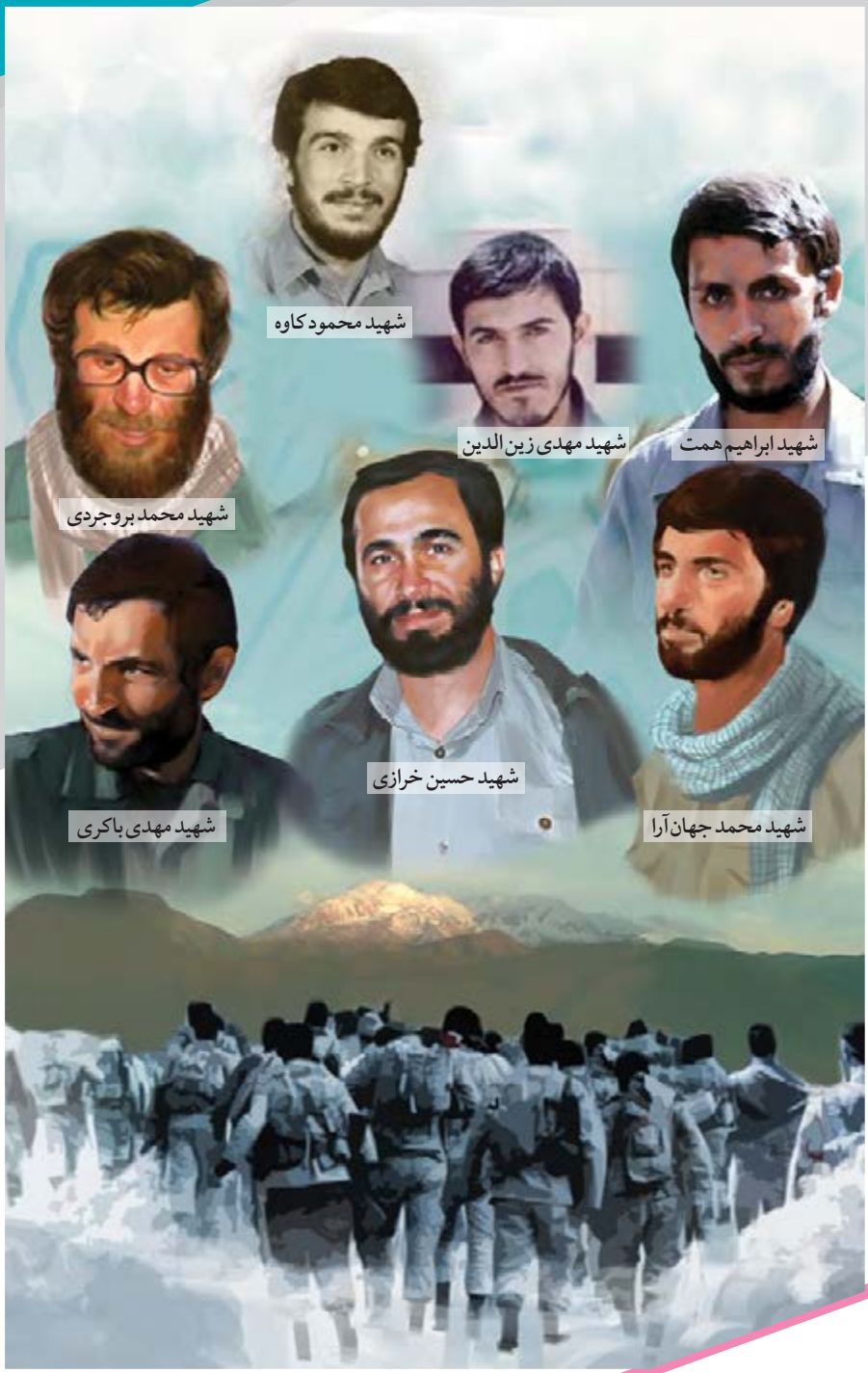
شهید محمود کاوه
شهید مهدی زین الدین
شهید ابراهیم همت
شهید محمد بروجردی
شهید حسین خرازی
شهید محمد جهان آرا
شهید مهدی باکری

درس دوازدهم

جهـاد

اسامی زیر را یک‌بار مرور کنید:

قابیل، اَبرهه، اسکندر مقدونی، چنگیزخان مغول، هیتلر، صدام، ترامپ!

این نام‌ها شما را به یاد چه موضوعی می‌اندازد؟

با نگاهی گذرا به تاریخ می‌بینیم که هرگاه انسان‌های بی‌ایمان و زیاده‌خواه به قدرتی دست می‌یابند، خیلی‌زود به جنگ و تجاوز روی می‌آورند و برای تسلط بر جان و مال ملت‌های دیگر به کشتار مردم بی‌گناه دست می‌زنند.

این گروه ـ که در فرهنگ اسلام باطل نامیده می‌شوند ـ همواره بیشترین دشمنی را با حق دارند، چرا که می‌دانند در این نبرد همیشگی، مؤمنان به هیچ قیمتی در برابر آنها تسلیم نخواهند شد. به همین دلیل یاران شیطان همواره منتظر فرصتی هستند تا حق را برای همیشه از میان بردارند و راه را برای چپاول ملت‌های ضعیف هموار سازند.

به نظر شما وظیفهٔ مؤمنان در این زمان‌ها چیست؟

جهاد در اسلام

کلمهٔ جهاد در زبان عربی به معنای تلاش و کوشش است؛ اما برای این کلمه در فرهنگ اسلامی معنای دیگری نیز وجود دارد: مبارزه (جنگ) مسلحانه با دشمنان اسلام.

جهاد در راه خدا در دین اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که حدود یکصد آیه از آیات قرآن کریم را به خود اختصاص داده است.

خداوند بزرگ دربارهٔ این عبادت ارزشمند در قرآن می‌فرماید:

اِنَّ اللّٰهَ اشتَرىٰ مِنَ المُؤمِنينَ اَنفُسَهُم وَ اَموالَهُم بِاَنَّ لَهُمُ الجَنَّةَ يُقاتِلونَ فى سَبيلِ اللّٰهِ فَيَقتُلونَ وَيُقتَلونَ وَعدًا عَلَيهِ حَقًّا فِى التَّوراةِ وَالاِنجيلِ وَالقُرآنِ وَمَن اَوفىٰ بِعَهدِهِ مِنَ اللّٰهِ فَاستَبشِروا بِبَيعِكُمُ الَّذى بايَعتُم بِهِ وَذٰلِكَ هُوَ الفَوزُ العَظيمُ.[1]

خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرد تا [در برابرش] بهشت برای آنان باشد [بنابراین آنان نیز] در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند. این [موضوع] وعدهٔ حقّ خداوند در تورات و انجیل و قرآن است و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! پس بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این است آن پیروزی بزرگ!

فعّالیت کلاسی

در آیهٔ بالا خداوند جهاد را به یک داد و ستد تشبیه کرده است. به نظر شما در این داد و ستد، خریدار کیست؟ فروشندگان چه کسانی‌اند؟ چه کالایی معامله شده است؟ بهای این کالا چیست؟

کسی که با دستور خداوند به جهاد با دشمنان برمی‌خیزد، همواره پیروز است؛ زیرا اگر دشمن را شکست دهد، علاوه بر افتخار و سربلندی، مغفرت و پاداش بزرگ خداوند نیز در انتظار اوست و اگر در جنگ با دشمن شهید شود، به مقامی دست می‌یابد که نزد خداوند با هیچ مقام دیگری قابل مقایسه نیست؛ بنابراین جهاد در راه خدا مبارزه‌ای است که هرگز شکست ندارد.

۱ـ سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۱۱.

انواع جهاد

۱ | جهاد دفاعی: وقتی دشمن به یک کشور اسلامی حمله می‌کند، بر همهٔ مسلمانان ـ مرد و زن، پیر و جوان ـ واجب است با آنچه در توان دارند، به دفاع از کشور اسلامی برخیزند و دشمن را از سرزمین خود بیرون کنند. جنگ‌های احد و احزاب در صدر اسلام، نمونه‌هایی از جهاد دفاعی مسلمانان در آن زمان هستند.

دشمنان می‌دانند دین اسلام همواره باعث بیداری و اتحاد مردم در برابر ظالمان و غارتگران بوده است. از این‌رو، برای اینکه بتوانند ملت‌های دیگر را همیشه اسیر خود نگه دارند، پیش از هر چیز نقشهٔ نابودی اسلام را در سر می‌پرورانند. از این‌رو، هرگونه سستی و کوتاهی در دفاع از میهن اسلامی، گناهی نابخشودنی خواهد بود و عذاب الهی را در پی خواهد داشت.

توجه داشته باشیم که دشمنان برای شکستن مقاومت مسلمانان تلاش می‌کنند تا چهرهٔ بدی از جهاد در راه خدا نشان دهند. آنها به دروغ مسلمانان را به خشونت‌طلبی و جنگ‌افروزی متهم می‌کنند؛ درحالی‌که خودشان با به راه انداختن جنگ‌های بزرگ (مانند جنگ‌های جهانی اول و دوم و ده‌ها جنگ دیگر در افغانستان، عراق، سوریه، فلسطین، یمن، لبنان و...) میلیون‌ها انسان بی‌گناه را به خاک و خون کشیده‌اند و هر روز شعلهٔ جنگ‌های جدیدی را در دنیا برمی‌افروزند[۱]. آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای غربی برای تکمیل نقشهٔ خود و هرچه زشت‌تر نشان دادن چهرهٔ اسلام و جهاد در راه خدا به سراغ برخی از مسلمانان نادان و تندرو همانند داعش می‌روند و با دادن وعدهٔ قدرت و ثروت به آنها سعی می‌کنند به اسم اسلام، جنگ‌هایی را در کشورهای اسلامی به راه بیندازند و مسلمانان را مظهر خشونت نشان دهند. درحالی که این افراد نه اسلام را به‌درستی می‌شناسند و نه رنگ و بویی از تعالیم پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ که مظهر عطوفت و مهربانی است، برده‌اند.

۱ـ تنها در بمباران اتمی دو شهر هیروشیما و ناکازاکی که توسط آمریکا و در سال ۱۹۴۵ میلادی صورت گرفت، حدود ۲۰۰،۰۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. همچنین تعداد کشته‌شدگان جنگ جهانی دوم چیزی بین ۵۰ تا ۷۰ میلیون نفر تخمین زده شده است. در جنگ جهانی اول نیز، تنها در ایران که آن زمان، بیست میلیون جمعیت داشت، حدود ۸ میلیون نفر بر اثر قحطی ناشی از تهاجم انگلستان به کشورمان جان خود را از دست دادند؛ برای آشنایی با چگونگی قتل‌عام ایرانیان در آن زمان، می‌توانید فیلم «یتیم‌خانهٔ ایران» ساخته ابوالقاسم طالبی را مشاهده کنید.

دلی به وسعت دریا!

دفاع مقدس هشت سالهٔ ما یکی از نمونه‌های جهاد دفاعی است. جهادی که در آن مردان و زنان بسیاری با ایستادگی و از جان گذشتگی مانع تحقق اهداف دشمنان شدند. داستان زیر نمونه‌ای کوچک از رنج‌هایی است که جوانان این سرزمین در دفاع از دین و میهن خود به جان خریدند:

در روزهای سرد زمستان ۶۴ کار سخت و فشرده‌ای برای آموزش نیروهای غواص برای شرکت در عملیات آغاز شده بود.

سرمای زمستان در کارون طاقت فرسا بود. حتی بیرون آب و با لباس هم از شدت سرما می‌لرزیدیم. سرما در آب مضاعف می‌شد؛ طوری که اگر کسی مدتی بی حرکت می‌ماند سرما او را از کار می انداخت. لباس‌های غواصی در فواصل آموزش خشک نمی‌شدند و بچه‌ها مجبور بودند هر بار لباس‌های خیس را بر تن کنند. این کار هر شبانه‌روز سه بار (از ساعت ۸ تا اذان ظهر، از سه بعدازظهر تا اذان مغرب و از نیمه شب تا سه بامداد) تکرار می‌شد و در واقع هیچ‌گاه سرما از وجود آنها رخت بر نمی‌بست. باورش سخت بود که این نیروها که میانگین سنشان حدود هفده سال بود، این گونه دوام بیاورند و این همه فقط با نیروی عشق ممکن بود و بس. در ساعات استراحت، عزاداری و سینه‌زنی یکی از برنامه‌های بچه‌ها بود که ترک نمی‌شد. عشق اهل بیت، خورشیدی در درون بود که با وجود حرارت آن، خشونت و سرما نمی‌توانست ما را از پای درآورد. در آن جمع، محمود نوجوانی بود که حتی قبل از اینکه وارد آب شود از شدت سرما می‌لرزید و تا وارد آب می‌شد، عضله‌های پایش می‌گرفت. یک بار در مقابل چشمانم بی‌هوش شد. همهٔ بدنش کرخت شده بود و قدرت حرکت نداشت. به سرعت از آب خارجش کردم. مدتی طول کشید تا حال خود را بازیافت. وقتی متوجه شد که بیرون آب است، شروع کرد به گریه کردن که چرا نمی‌گذارید من هم غواصی را یاد بگیرم تا جزو غواصان خط شکن باشم...[1]

۱ـ برگرفته از کتاب لشکر خوبان، خاطرات مهدی قلی رضایی.

جهاد با سرکشان: اگر در کشور اسلامی عده‌ای با گردن‌کشی در برابر قوانین، حکومت اسلامی را تضعیف کنند و به مبارزهٔ مسلحانه با مأموران نظام اسلامی بپردازند، رهبر جامعهٔ اسلامی با ملایمت به ارشاد آنان می‌پردازد و در صورت توبه و بازگشت، جامعهٔ اسلامی آنها را می‌پذیرد و با لطف با آنان رفتار می‌کند.

ولی اگر این افراد از مدارای جامعهٔ اسلامی سوءاستفاده کنند و به مبارزهٔ خود با نظام اسلامی ادامه دهند و امنیت جامعه را به خطر اندازند، مسلمانان موظف‌اند با دستور حاکم اسلامی، به جهاد و مقابله با این افراد برخیزند و خطر آنان را از جامعهٔ اسلامی دور کنند. این نوع از جهاد نیز نمونه‌ای از جهادهای دفاعی است.

جنگ حضرت علی علیه‌السلام با خوارج نهروان در صدر اسلام، نمونه‌ای از این نوع جهاد است. همچنین مبارزهٔ نظام اسلامی با گروهک تروریستی منافقین نیز نمونه‌ای دیگر از جهاد با سرکشان است.

۲ جهاد ابتدایی: خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید:

چرا در راه خدا و [برای نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف[۱] نمی‌جنگید؟ این ناتوانان همان کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند، بیرون ببر، و از نزد خود برای ما سرپرست و مددکاری قرار ده.

کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا مبارزه می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت[۲] می‌جنگند. پس با هواداران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان ضعیف است.[۳]

این آیات به روشنی، حاکمان زورگو و سرکشی را که مردم ناتوان را زیر سلطهٔ خود نگاه داشته‌اند و نمی‌گذارند پیام خداوند به آنها برسد، هواداران شیطان می‌نامد. در این زمان لشکر اسلام موظف است ـ به دستور پیامبر یا امام یا ولی مسلمین ـ با حاکمان شیطانی جهاد کند و مردم را از اسارت آنها نجات دهد و پیام خدا را به آنها برساند.

البته اسلام هرگز عقاید خود را به زور بر هیچ گروهی تحمیل نکرده است و تنها با سرنگون‌کردن حاکمان فاسد، پیام دین را به مردم می‌رساند و آنان را در پذیرش این پیام آزاد می‌گذارد. نبرد سپاه اسلام با حکومت‌های ایران و روم در صدر اسلام، نمونه‌هایی از جهاد ابتدایی اسلام است.

۱ـ مُستَضعَف یعنی ناتوان نگاه داشته شده.

۲ـ شیاطین، بت‌ها، حاکمان ستمگر و هر معبودی به غیر از خداوند و هر مسیری که به غیر حق منتهی شود همه طاغوت است. تفسیر نمونه، ج۲، ص۲۸۰.

۳ـ سورهٔ نساء، آیه‌های ۷۵ و ۷۶.

فعّالیت کلاسی

معین کنید که هر یک از نمونه‌های زیر به کدام‌یک از انواع جهاد مربوط‌اند.

۱ جهاد مردم فلسطین با اشغالگران صهیونیست

۲ جهاد مأموران نیروی انتظامی با اشرار و قاچاقچیان مسلح در کشور

۳ جنگ هشت سالهٔ ایران در برابر ارتش صدام

۴ جهاد مردم مظلوم یمن در برابر حملات وحشیانهٔ سعودی‌ها

کسب آمادگی برای دفاع

تا اینجا دانستیم که جهاد در راه خدا وظیفهٔ همگانی و عبادتی ارزشمند است. اما آیا تا به‌حال اندیشیده‌اید که اگر دشمنان به صورت ناگهانی به کشور اسلامی ما حمله کنند، چه کسانی می‌توانند به دفاع از اسلام برخیزند و در این عبادت بزرگ شرکت کنند؟

افرادی که هیچ مهارتی در فنون رزمی و جنگی ندارند، چگونه می‌توانند در برابر دشمنان ایستادگی کنند و آنان را شکست دهند؟

خداوند حکیم در این باره می‌فرماید:

وَ اَعِدّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّةٍ وَمِن رِباطِ الخَیلِ تُرهِبونَ بِهِ عَدُوَّ اللّٰهِ وَعَدُوَّکُم[1]

و هر چه در توان دارید برای مقابله با آنها آماده کنید. از قبیل نیرو و اسب‌های ورزیده تا با این کار دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید

می‌دانید دشمنان در چه زمانی به خود جرأت می‌دهند به کشوری اسلامی حمله کنند؟ اگر کشوری در اوج آمادگی و برخوردار از مهارت‌های نظامی باشد، هیچ بیگانه‌ای خیال حمله به آن کشور را در سر نخواهد داشت؛ بنابراین، آمادگی نظامی، علاوه بر پیروزی در جنگ، فایدهٔ مهم دیگری دارد که همان ترساندن دشمن و جلوگیری از آغاز جنگ است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

سوارکاری و تیراندازی کنید (اگر تیراندازی کنید، نزد من دوست‌داشتنی‌تر از سوارکاری است).
خداوند بلندمرتبه سه نفر را به واسطهٔ یک تیر به بهشت می‌برد:
۱ـ مسلمانی که تیر را می‌سازد؛
۲ـ مسلمانی که برای رضای خداوند تیرها را تهیه می‌کند و به دست رزمندگان می‌رساند؛
۳ـ رزمنده‌ای که تیر را در راه خداوند به سوی دشمن پرتاب می‌کند.[2]

فعّالیت کلاسی

با دوستانتان در کلاس گفت‌وگو و بررسی کنید و بگویید که ما برای بالا بردن توان دفاعی خود در دنیای امروز، باید چه آموزش‌هایی را فرا بگیریم.

۱ـ سورهٔ انفال، آیهٔ ۶۰.
۲ـ کافی، ج ۵، ص ۵۰.

خودت را امتحان کن

۱ اگر مردم کشوری که دشمنان به آن سرزمین حمله کرده‌اند، از کشور خود دفاع نکنند، چه سرنوشتی در انتظار آنان خواهد بود؟

۲ جهاد دفاعی در چه زمانی و بر چه کسانی واجب است؟

۳ اگر در جامعهٔ اسلامی، عده‌ای به مبارزه با نظام اسلامی بپردازند و امنیت مردم را به خطر بیندازند، مسلمانان چه وظیفه‌ای دارند؟

۴ با توجه به فرمودهٔ پیامبر ﷺ توضیح دهید که آیا در جهاد با دشمنان اسلام، پاداش خداوند تنها برای کسانی است که در میدان جنگ به مبارزه با دشمنان مشغول‌اند.

پیشـــنهاد

وصیت‌نامهٔ یکی از شهیدان را مطالعه کنید و نکاتی را که در این وصیت‌نامه برای شما مهم و جالب به‌نظر می‌رسد، برای هم‌کلاسی‌های خود بخوانید.

سرمایه‌ای از جوانی

مسابقهٔ تیراندازی با شور و هیجان در حضور هشام بن عبدالملک، خلیفهٔ ستمکار بنی‌امیه و بزرگان کشور ادامه دارد که نگهبانان، امام باقر را وارد می‌کنند. امام علیه‌السلام در گوشه‌ای می‌نشیند. هشام مدت‌ها دنبال فرصتی برای تحقیر امام بود و حالا این فرصت را به دست آورده است:

ـ ای ابا جعفر، بد نیست تو هم در مسابقه شرکت کنی!

امام علیه‌السلام می‌فرماید: ای هشام، بهتر است از من صرف‌نظر کنی که دیگر پیر شده‌ام.

ـ اصلاً! امکان ندارد! باید تیراندازی کنی!

امام که اصرار هشام را می‌بیند، کمان را می‌گیرد و تیری در کمان می‌گذارد و زه کمان را با قدرت می‌کشد. تیر پر می‌کشد و در وسط هدف می‌نشیند. از آن جمعیت هیچ صدایی شنیده نمی‌شود. دهان‌ها از تعجب باز مانده‌اند.

یعنی درست می‌بینند؟! این تیراندازی یک پیرمرد بود؟!

امام بدون آنکه سخنی بگوید، بلافاصله تیر دوم را در کمان می‌گذارد و...

باور کردنی نیست. هر تیر به پشت تیر قبلی می‌خورد و آن را می‌شکافد و به جای آن می‌نشیند. نهمین تیر که در هدف می‌نشیند، امام علیه‌السلام کمان را به دست صاحبش می‌دهد و برمی‌گردد.

چشم‌ها به تیرهای درهم‌فرورفته خیره مانده است. زبان هشام از تعجب بند آمده است. در حالی که سعی می‌کند خشمش را پنهان کند، بریده بریده و آرام می‌گوید: ... آفرین! آفرین ای ابا جعفر! تو این تیراندازی را از کجا آموختی؟

امام علیه‌السلام با آرامش می‌فرماید: جوان که بودم، گاهی تمرین می‌کردم.[1]

۱ـ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۷۸.

ـ برای مشاهده منابع این کتاب به این رمزینه مراجعه کنید.